



The Abdorrahman Boroumand Foundation

روش جمع آوری اسناد نقض حقوق بشر زنان توسط عوامل غیر دولتی
استراتژی‌های مبارزات زنان در جوامع مسلمان

ژان بائر و آنیسا هلی

ترجمه رضا ناصحی



3220 N St NW, Suite 357
Washington, DC 20007
[Promoting human rights and democracy in Iran](#)
[در دفاع از حقوق بشر و دموکراسی در ایران](#)

به یاد سلما صبحان،
یک دوست

انتشارات حقوق و دموکراسی

«حقوق و دموکراسی» و «شبکه زنان تحت قوانین اسلامی» مایلند که از ویراستاری خانم رشیده منجو، استادیار دانشکده حقوق دانشگاه کیپ تاون قدردانی کنند. آنها همچنین سپاسگزارانند از دیدنی براون، *دیده بان حقوق بشر* (ایالات متحده آمریکا)، شارلوت بانچ از مرکز زنان برای لیدرشیب جهانی (ایالات متحده آمریکا)، سکات لانگ از طرح ال-جی-بی-تی از *دیده بان حقوق بشر* (ایالات متحده آمریکا)، نانس مرسکا از «چند زنی را منع کنید»- (کانادا)، آنا النا اوباندو (کاستا ریکا)، لیلا پرویزات (ترکیه)، گیتا سهگال از *عفو بین الملل*- واحد جنسیت ها (انگلستان)، الخاندرا ساردا از *آی-جی-ال-اچ-آر-سی* آمریکای لاتین (آرژانتین)، آیدا سیف الدوله از «مرکز الندییم برای اداره و اعاده حیثیت از قربانیان خشونت»- (قاهره، مصر)، هدا روحنا و فریده شاهدید و لین فریدمن از «شبکه زنان تحت قوانین اسلامی».

پیشگفتار

طی سالها گمان بر این بود که اصول و حقوق بین‌المللی حقوق بشر اساساً و یا فقط در مناسبات میان شهروندان با دولت لازم الاجراست. دانشگاهیان، حقوقدانان و وکلا، و نیز بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و مدافعان حقوق بشر، از جمله طرفداران این نگرش بودند که بیشتر اوقات، اشخاص و سازمان‌های آمریکای شمالی و اروپایی را در برمی‌گرفت. در عین حال، آموزه موسوم به تلاش مقتضی (وظیفه دولت در رعایت و اعتلای حقوق و آزادی‌ها) اغلب چنین تعبیر می‌شد که دولت موظف به «مجازات خویش» است. مأموران دولت (پلیس، نیروهای امنیتی، قوای نظامی) مکلف بودند طبق موازین حقوق بشر عمل کنند، و نهادها (دستگاه قضایی، نهادهای قانونگذاری، وزارتخانه‌ها) می‌بایست بر پایه همین اصول ایجاد و اداره شوند. طبق این تفسیر کلاسیک از حقوق، فقط دولت‌ها ناقض حقوق بشر محسوب می‌شدند و اگر افراد شخصی یا هر نوع واحد غیردولتی مرتکب نقض این حقوق می‌شد، یک بزهدار به شمار می‌رفت. دولت‌ها در زمینه پیگرد و مجازات از آزادی عمل گسترده‌ای برخوردار بودند، و این فکر که دولت نمی‌تواند یا نباید در حریم خصوصی ذهنیت آدمی مداخله کند، تداوم یافت.

سازمان‌های غیردولتی، با چند استثناء، تا اواسط سال‌های ۱۹۹۰ چنین موضعی را حفظ کردند. از زمانی که توجه این سازمان‌ها به عملکرد عوامل غیردولتی جلب شد، تمایل آن‌ها بر این بود که تقریباً فقط گروه‌های مسلح اپوزیسیون و یا جنبش‌های جدایی‌خواه را هدف گیرند. اما برخی نیز نگران آنند که اگر همان روش‌ها و همان پیگیری‌هایی را که با دولت‌ها دارند، برای این عوامل غیردولتی نیز به کار برند، جایگاهی به آنان بدهند دولت‌گونه و با همه حقوق، امتیازها و مصونیت‌هایی که عوامل دولتی از آن برخوردارند. تمایل سازمان‌های غیردولتی به اولویت دادن به دولت‌ها و به وظیفه‌ای که در تأمین آسایش افرادی دارند که در قلمروی حقوقی آن‌ها زندگی میکنند، تردیدی را که سازمان‌های غیردولتی در پرداختن مداوم به عملکرد عوامل غیردولتی دارند توضیح می‌دهد. اغلب به همین علت است که کوتاهی‌ها و بی‌توجهی‌ها به حقوق مدنی و قوانین مربوط به موقعیت اشخاص (از جمله در کشورهای در حال توسعه)، آشکار و اصلاح نشده است.

ممکن است جدا کردن رفتارها و قوانینی که بسته به ماهیت دولتی یا غیردولتی، عمومی یا خصوصی بودن آن‌ها، می‌توانند به اجرا درآیند و یا اجرا نشوند، منطقی و حتا مناسب به نظر برسد. اما حاصل این جداسازی، یک «روش‌شناسی جهانی» بود که هنوز در برخی از موارد به کار می‌رود، و موجب می‌شود که جنایات و نقض حقوق علیه زنان و دختران (و گاه علیه اشخاص متعلق به گروه‌های آسیب‌پذیر) از هرگونه نظارت و هرگونه مجازات مصون بماند. آیا این دویخس کردن، امروز هم توجیه‌پذیر است؟

طبق ماده ۲ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، دولت‌ها موظف‌اند «کلیه اقدامات مناسب جهت رفع تبعیض از زنان توسط هر شخص، سازمان و یا شرکت‌های خصوصی» را به کار گیرند. (تأکید از ماست). مواد دیگر کنوانسیون به ویژه خواهان رفع تبعیض در دسترسی به آموزش، بهداشت و شغل است و برابری در خانواده، ملیت و دیگر مسائل مربوطه را تضمین می‌کند. عوامل غیردولتی در به عمل درآمدن هر یک از این موارد و نیز در تغییر شرایط، سهم مهمی دارند.

تأکید بر اینکه «حقوق زن، حقوق بشر است»، بسی بیشتر از یک شعار گیرا و جذاب است. خودآموز حاضر، بر این فکر بنا شده که خشونت علیه زنان، نقض حقوق بشر است و ناپذیرفتنی. حقوق بشر یک مفهوم جهانشمول است که در همه فرهنگ‌ها وجود دارد، و در جریان تاریخ مکرر از نو مطرح

و تدوین شده است. حقوقیست که مدام در حال تحول است تا هرگونه گزند به حیثیت و عزت نفس انسان را در برگیرد. انگیزه‌هایی که برای توجیه این گزند عنوان می‌شوند، اهمیت چندانی ندارند. مفهوم حقوق بشر است که به صورت حق تعیین سرنوشت عنوان شده و بنیاد مبارزات رهایی‌بخش علیه سلطه استعمار گشته است. مفهوم حقوق بشر است که اعتراض علیه آپارتاید و تبعیض نژادی را امکان‌پذیر ساخته است. حقوق بشر در جهانی که در آن دولت‌ها با دلبستگی از حاکمیت خود دفاع می‌کنند، مفهومی می‌آفریند که حقوق بین‌الملل بر روی آن استوار است و توجه و تمایلی که به حقوق بنیادی زنان نشان داده می‌شود چنان است که حقوق بشر، مرز میان امر خصوصی و امر عمومی را درمی‌نوردد.

امروزه، همگان پذیرفته‌اند که حقوق بشر باید حاکم بر مناسبات میان شهروند با دولت باشد و دولت موظف است مراقبت کند که افرادش در چارچوب وظایفی که به عهده دارند، آسیبی به حقوق مردم وارد نیاورند. افزون بر این، به همان میزان دولت موظف است مراقبت ورزد و از نقض حقوقی که توسط عوامل غیردولتی صورت می‌گیرد، جلوگیری کند. نظام‌های قضایی اغلب ملت‌ها این امر را که دولت مکلف به اجرای قوانین کیفری است، به رسمیت می‌شناسند. از آنجا که دولت آشکارا موظف به اجرای این قوانین است، بحثی در این نیست که خشونت علیه زنان، جرمی جنایی محسوب شده و بنابراین دولت صلاحیت دارد که در این امر مداخله کند. خشونت علیه زنان همیشه یک جرم است، اما از نظر برخی نظام‌های حقوقی چنین نیست، یا با دقت لازم با این پدیده روبرو نمی‌شوند. این کوتاهی‌ها، خود به معنی نقض حقوق انسانی زنان است.

این امر به ویژه زمانی قابل مشاهده است که خشونت علیه زنان، توسط عوامل غیردولتی صورت می‌گیرد. هدف [سازمان کاتادایی] حقوق و دموکراسی و شبکه زنان تحت قوانین اسلامی، از تهیه خودآموز حاضر این بود که وسیله‌ای در اختیار سازمان‌های مدافع حقوق بشر و حقوق زنان قرار دهد تا آنان بتوانند کلیه جوانب مسئله را بهتر بشناسند. در این نوشته به ماهیت نقض حقوق از جانب عوامل غیردولتی می‌پردازیم و نشان می‌دهیم که فعالان و مدافعان حقوق چگونه می‌توانند برای اثبات موضوع به تهیه و جمع‌آوری اسناد بپردازند و با خشونت عوامل غیردولتی علیه زنان مبارزه کنند. هرچند زنان در همه جا در معرض این نوع خشونت علیه حقوق بشر هستند، ما بر نمونه‌هایی برآمده از تجربه‌ها و مبارزات جاری در چندین کشور مسلمان تکیه کرده‌ایم تا نشان دهیم که این پدیده از شمولی عام برخوردار است.

ژان لویی روآ- رئیس حقوق و دموکراسی
هما هودفر- به نمایندگی از شبکه زنان تحت قوانین اسلامی

«شاید بتوان گفت که خشونت علیه زنان، ننگین‌ترین نوع نقض حقوق بشر است، و شاید رایج‌ترین آن. این خشونت، هیچ مرزی نمی‌شناسد، نه جغرافیایی، نه فرهنگی و نه اقتصادی. تا زمانی که وضع به همین روال باشد، نمی‌توان ادعا کرد که در زمینه برابری، توسعه و صلح پیشرفتی داشته‌ایم.»

به نقل از پیام کوفی عنان به مناسبت
روز جهانی رفع خشونت علیه زنان، ۱۹۹۹.
www.un.org/News/Press/docs/1999/9906/990601.un.int.women.html

فهرست:

۱. هنجارهای مستند ساختن نقض حقوق توسط عوامل غیردولتی

- پیمان‌نامه‌ها، اسناد و قطعنامه‌های لازم‌الاجرا
 - میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی
 - میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
 - پروتکل اختیاری کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض
 - سایر پیمان‌نامه‌ها
 - اعلامیه رفع خشونت علیه زنان
 - اعلامیه و برنامه عمل بی‌جینگ
 - کمیسیون وضعیت زنان در ملل متحد
 - کمیسیون رفع تبعیض علیه زنان
- نهادهای نظارت بر اجرای قرارنامه‌ها و مکانیسم‌های دیگر
 - کمیسیون رفع تبعیض علیه زنان
 - گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد درباره خشونت علیه زنان
 - کنفرانس جهانی ملل متحد
 - قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت
 - دادگاه جزایی بین‌المللی

۲. حقوق بشر و خشونت اعمال شده توسط عاملان غیردولتی: تعریف نقض حقوق

- خشونت علیه زنان به هنگام جنگ و درگیری

۳. مفهوم و چارچوب حقوق بشر: ابزارهای اصلی مقابله با خشونت علیه زنان توسط عوامل غیردولتی

- تغییرات در سنت‌ها و فرهنگ
- اصلاحات در قوانین کشوری
- تحول سیستم حقوق بشر
- برهان نسبیت فرهنگی

۴. ثبت موارد نقض حقوق برای اهداف مبارزاتی

- استفاده از استراتژیهای مختلف برای رسیدن به اهداف مشترک
- توجه به اهمیت زمینه‌ها و هدف‌های سیاسی
- جمع‌آوری مدارک و شواهد برای تهیه اسناد
- مستند ساختن موارد نقض حقوق برای استفاده در سطح بین‌المللی
- شکایاتی که به دفتر واکنش سریع، احاله می‌شوند

- شکوائیه‌هایی که به کمیته کمیسیون رفع هرگونه خشونت علیه زنان ارجاع می‌شوند.....
- شکوائیه‌های خطاب به کمیته حقوق بشر.....
- شکوائیه‌های خطاب به کمیسیون وضعیت زنان.....
- تهیه گزارش موازی.....

- مستند کردن نقض حقوق جهت اقدام در سطح کشور.....
 - اطلاعات مورد نیاز برای آماده کردن زمینه يك اقدام قضایی.....
 - اطلاعات مورد نیاز برای تدارك يك کمپین.....
- برگزیدن يك روش.....
 - ابعاد کلی.....
 - اصول کلی.....
- کاربرد ترمیمی داده‌ها و شواهد و اسناد.....
 - در سطح بین‌المللی.....
 - کمپین‌ها و اقدامات بین‌المللی.....
 - کمپین‌ها و دادگاه‌های مردمی.....
 - کمپین برای دفاع از حقوق يك شخص.....
 - تحقیق و شبکه‌سازی.....
 - ترویج حقوق بشر در سطح منطقه‌ای.....
- اقدامات و کمپین‌ها در سطح کشوری.....
 - استفاده از نهادهای دولت.....
 - اقدام در سطح جماعت.....

نتیجه‌گیری

ضمیمه شماره ۱

عواملی که موجب تداوم خشونت علیه زنان می‌شود.....

ضمیمه شماره ۲

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان.....

ضمیمه شماره ۳

فُرم نمونه برای تسلیم شکایت به کمیته رفع تبعیض علیه زنان.....

ضمیمه شماره ۴

فُرمی که باید برای ارسال شکایت به گزارشگر ویژه در مورد خشونت علیه زنان تکمیل شود.....

ضمیمه شماره ۵

آدرس‌های مفید.....

ضمیمه شماره ۶

تارنماهای مربوط به حقوق زنان.....

دیباجه

ماده نخست اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند». از این رو حقوق بشر، جهانشمول است.

بوتروس بوتروس غالی، دبیر کل سازمان ملل در سال ۱۹۹۳ در سخنرانی افتتاحی کنفرانس جهانی حقوق بشر (وین) به تصریح چندین اصل^۱ پرداخت که از جمله:

- حقوق بشر، «اندیشیدن در مقیاس جهانی، ما را با دیالکتیک بسیار باریک‌بینانه‌ای مواجه می‌کند که عبارت است از: دیالکتیک همانندی و دگربودگی، «من» و «دیگری». و بی هیچ ابهامی به ما می‌آموزد که ما همه، همانندیم و در عین حال متفاوت».
- حقوق بشر «از این پس کوچکترین وجه مشترک ملت‌ها نیست، بلکه به عکس، می‌خواهم بگویم «حقوق تفکیک‌ناپذیر بشر» است. یعنی عصاره ارزش‌هایی است که همگی می‌توانیم بگوییم که ما جامعه انسانی واحدی هستیم».
- حقوق بشر «زبان مشترک بشریت است که به یمن آن همه مردم می‌توانند، همزمان، دیگران را درک کنند و تاریخ خود را بنویسند. حقوق بشر، در اصل، هدف نهایی هرگونه سیاست است».

طی سال‌ها گمان بر این بود که اصول و حقوق بین‌المللی حقوق بشر منحصرأ و یا اساساً در مناسبات میان شهروندان و دولت لازم الاجراست. دانشگاهیان، حقوقدانان و وکلا، و نیز بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و مدافعان حقوق بشر، از جمله طرفداران این نگرش بودند که بیشتر اوقات، اشخاص و سازمان‌های آمریکای شمالی و اروپایی را در برمی‌گرفت. در عین حال، آموزه موسوم به تلاش مقتضی (وظیفه دولت در رعایت و اعتلای حقوق و آزادی‌ها) اغلب چنین تعبیر می‌شد که دولت موظف به «مجازات خویش» است. مأموران دولت (پلیس، نیروهای امنیتی، قوای نظامی) مکلف بودند طبق موازین حقوق بشر عمل کنند، و نهادها (دستگاه قضایی، نهادهای قانونگذاری، وزارتخانه‌ها) می‌بایست بر پایه همین اصول ایجاد و اداره شوند. طبق این تفسیر کلاسیک از حقوق، فقط دولت‌ها ناقض حقوق بشر محسوب می‌شدند و اگر افراد شخصی یا هر نوع واحد غیردولتی مرتکب نقض این حقوق می‌شد، یک بزهکار به شمار می‌رفت. دولت‌ها در زمینه پیگرد و مجازات از آزادی عمل گسترده‌ای برخوردار بودند، و این فکر که دولت نمی‌تواند یا نباید در حریم خصوصی ذهنیت آدمی مداخله کند، تداوم یافت.

سازمان‌های غیردولتی، با چند استثناء، تا اواسط سال‌های ۱۹۹۰ چنین موضعی را حفظ کردند. از زمانی که توجه این سازمان‌ها به عملکرد عوامل غیردولتی جلب شد، تمایل آن‌ها بر این بود که تقریباً فقط گروه‌های مسلح اپوزیسیون و یا جنبش‌های جدایی‌خواه را هدف گیرند. اما برخی نیز نگران آنند که اگر همان روش‌ها و همان پیگیری‌هایی را که با دولت‌ها دارند، برای این عوامل غیردولتی نیز به کار برند، جایگاهی به آنان بدهند دولت‌گونه و با همه حقوق، امتیازها و مصونیت‌هایی که عوامل دولتی از آن برخوردارند. اگر سازمان‌های غیردولتی به پیگیری منظم اعمال و رفتار عوامل غیردولتی توجه چندانی نشان نمی‌دهند، از جمله به این خاطر نیز هست که نقش خود را در این می‌بینند که مراقب باشند دولت‌ها و به وظیفه خود در تأمین آسایش افرادی که در قلمروی حقوقی آن‌ها زندگی میکنند، عمل کنند. در نتیجه، انتقاد و جبران کوتاهی‌ها و کمبودهایی را که به ویژه در زمینه حقوق مدنی و قوانین مربوط

^۱ - نگاه کنید به متن کامل سخنرانی پتروس غالی در:

وضعیت و احوال شخصی وجود دارند (از جمله در کشورهای در حال توسعه) به خود دولت‌ها واگذار می‌کنند.

مسئله حوزه قضایی یا سرزمین تحت حاکمیت، هنوز هم در چگونگی رویکرد برخی از فعالان و سازمان‌های مدافع حقوق بشر در مقابل عوامل خصوصی یا واحدهای غیردولتی، مؤثر است. توجه این دست‌اندرکاران در درجه نخست، و با تکیه بر دلایل زیرین معطوف به جنبش‌های مسلح اپوزیسیون است:

(الف) از نظر آنان، «بنا به دلایل مفهومی و حقوقی» می‌توان گفت «گروه‌های مسلح اپوزیسیون که "قدرت مؤثری" بر روی بخش مهمی از مردم اعمال می‌کنند و دست به عملیات مسلحانه می‌زنند و [از این نوع عملیات] حمایت می‌کنند»، می‌توانند حقوق انسان را نقض کنند.

(ب) عملکرد «گروه مسلحی را که امکان اعمال قدرت ندارد، نباید در همان طبقه‌بندی جای داد.² درباره گروه‌های نوع دوم، فرض بر این است که دولت‌ها می‌توانند با اعمال مجازات‌های کیفری که در قوانین کشوری برای چنین گروه‌هایی پیش‌بینی شده است، مسئولیت خود را به عهده گیرند، چرا که حقوق و هنجارهای بین‌المللی و منطقه‌ای شامل اینان نمی‌شوند.

ممکن است رجوع به قوانین و در نظر گرفتن اقدامات لازم، بر اساس اینکه پای عوامل دولتی یا غیر دولتی در میان است، یا مسئله مورد رسیدگی در عرصه عمومی یا خصوصی پیش آمده، منطقی و مناسب به نظر آید. چنین تفکیکی [بین عامل دولتی و غیر دولتی، و عرصه خصوصی و عمومی] مبنای یک «راه و روش بین‌المللی» شده است که هنوز توسط برخی دواير به اجرا گذاشته می‌شود و نتیجه‌اش این است که جرائم و نقض حقوق علیه زنان و دختران (و در برخی موارد، علیه اشخاص متعلق به گروه‌های آسیب‌پذیر) از هرگونه کنترل و مجازاتی در امان می‌مانند. آیا این دوبخشی شدن، هنوز هم قابل توجیه است؟

تدوین این خودآموز بدین خاطر بود که ابزاری در اختیار مدافعان حقوق بشر و به ویژه کسانی گذاشته شود که درباره نقض حقوق زنان توسط عوامل غیردولتی تحقیق می‌کنند. مخاطب این خودآموز، گروه‌ها و افرادی هستند که آشنایی اندکی با حقوق بشر دارند و هدف‌اش این است که راهنمای آنان باشد در آشنایی با تعاریف حقوقی و سازو کارهای حفظ حقوق بشر. یعنی حقوقی که می‌تواند آنان را در تلاش‌هایشان برای واداشتن دولت‌ها به ایفای کامل تعهدات حمایتی‌شان یاری کند.

با وجود تلاش قابل ملاحظه‌ای که جنبش زنان طی بیش از دو دهه به عمل آورده است، تا خشونت علیه زنان به مثابه نقض حقوق بشر شناخته شود، این خشونت مرز نمی‌شناسد و صرف نظر از طبقه اجتماعی، نژاد، تعلق قومی یا مذهبی، در همه جا مشاهده می‌شود و بسته به موقعیت، شکل‌های گوناگونی به خود می‌گیرد. با وجود این، تعاریف و توضیحات گوناگونی که از این خشونت داده می‌شود، اغلب بر روی ماهیت اصلی آن سایه می‌افکند. همانطور که دیدنی پراون به درستی نشان داده است، «چه آن را در اردن «جنایت ناموسی» بنامیم، چه در مکزیک «جنایت تعصبی» یا در آمریکا «خشونت خانگی»، و چه برخی از این عناوین وخیم‌تر به نظر رسند، مهم این است که، هر بار، مسئله اصلی، خشونت علیه زنان است».³

اگر همه زنان در معرض خشونت اند، برخی عوامل این خطر را برای شماری از آنان افزون‌تر می‌کند و احتمال دارد، مانع دسترسی آنان به دستگاه قضایی شود:

² - Nigel S. Rodley, «گروه‌های مسلح آیا حقوق بشر را نقض می‌کنند؟»، ص 298. از کتاب «حقوق بشر در قرن بیست و یکم».

Martinus Nijhoff et P. Mahoney (dir)، هلند، ۱۹۹۳.

³ - Widney Brown, directrice adjointe aux programmes, Human Righte Watch.

- زن بودن و در عین حال بی بضاعت یا وابسته بودن، او را در وضعیت و مناسباتی خشونت‌بار گرفتار می‌کند.⁴
- نژاد، که در برخی کشورها عامل مضاعفی به شمار می‌رود.
- وضعیت اشخاص مهاجر در برخی جوامع.⁵
- پرت‌افتادگی جوامع روستایی که دسترسی به ادارات مختلف (دوایر بهداشتی و درمانی، مراکز سکونت موقت) را عملاً ناممکن می‌کند.
- سن، وضعیت جسمانی، گرایش جنسی یا دسترسی به آگاهی و اطلاعات.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اعلامیه رفع خشونت علیه زنان می‌گوید: «با توجه و نگران از این که برخی از گروه‌های زنان، همچون زنان متعلق به اقلیت‌ها، زنان بومی، پناهندگان زن، زنان کوچنده، زنان ساکن مناطق روستایی یا دور افتاده، زنان فاقد درآمد، زنان آسایشگاهی، زنان بازداشتی، دختران خردسال، زنان معلول، زنان کهنسال و زنان ساکن مناطق جنگی، به ویژه در برابر خشونت آسیب‌پذیراند».

از این رو بررسی سیستماتیک به هم‌تافتگی اشکال گوناگون سرکوب و خشونت، اهمیت دارد.

مفهوم «عوامل غیردولتی»، و پرداختن به آن از منظر قوانین بین‌المللی حقوق بشر، مسئله پیچیده‌ای است که شامل انبوهی از مقوله‌ها و عوامل متفاوت می‌شود و شمار آن‌ها چنان زیاد است که بررسی همه آن‌ها در اینجا امکان‌پذیر نیست. خشونت مبتنی بر جنسیت، اگرچه به مردان نیز مربوط می‌شود (به نحوی متفاوت)، اما ما در این خودآموز، تنها به خشونت علیه زنان می‌پردازیم.

سه دسته عوامل غیردولتی را در نظر می‌گیریم:

- عوامل غیردولتی در بطن خانواده: فامیل (والدین، خواهر و برادر، اعضای دورتر فامیل) و زن و شوهر (ازدواج یا زندگی مشترک)؛
- عوامل غیردولتی در بطن جامعه: همسایگان، اشخاص بیرون از حلقه اطرافیان نزدیک، کارکنان بخش بهداشتی، کارفرمایان، رؤسای مذهبی یا مؤسسات خصوصی آموزشی/مذهبی (مثل مکتب‌ها)؛
- عوامل غیردولتی در شرایط جنگی، یعنی گروه‌های نظامی: اعمال خشونت به عنوان استراتژی جنگ، لزوم این که اعضای گروه‌های مسلحی که مرتکب خشونت علیه زنان می‌شوند به دست عدالت سپرده شوند.

⁴ - Chapitre IV (Objectifs stratégiques et mesures à prendre), paragraphe 112 ; A/CONF.177/20, 17 octobre 1995.

⁵ - Mallika Dutt, Leni Martin et Helen Zia, *Migrant Women's Human Rights in G-7 Countries — Organizing Strategies*, Family Violence Prevention Fund et Center for Women's Global Leadership, 1997, p. 69.

مفهوم جنسیت (genre)، بیانگر نقشی است که جامعه برحسب جنس به زنان و مردان تفویض کرده است (نقش‌های جنسی-اجتماعی)، در حالی که واژه «جنس» (sexe) به خصوصیات جسمانی و بیولوژیکی بازمی‌گردد. بنابراین، نقش‌های جنسی-اجتماعی به یک بافتار اجتماعی-اقتصادی، سیاسی و فرهنگی وابسته است، و به ویژه از مؤلفه‌های دیگری چون نژاد، منشاء قومی، طبقه اجتماعی و سن تأثیر می‌پذیرد. نقش‌های ایفا شده، در بطن یک فرهنگ و فرهنگ‌های مختلف بسیار متفاوت‌اند. نقش‌های جنسی-اجتماعی برخلاف خود جنسیت، تغییر پذیرند. در نظر گرفتن جنسیت، ارزیابی این را که زنان به چه ترتیب می‌توانند از حقوق‌شان برخوردار شوند و به منابع و اشتغال دست یابند، میسر می‌کند.

نگاه کنید به عملی شدن نتایج چهارمین کنفرانس جهانی زن A/51/322، پاراگراف 7-14.

زمانی که پای اعضای خانواده یا دیگر عوامل غیردولتی در جامعه در میان باشد، چارچوب حقوقی که غالباً مطرح می‌شود، علاوه بر ساز و کارهای منطقه‌ای و کشوری، هنجارهای بین‌المللی حقوق بشر است.⁶ زمانی که موضوع به گروه‌های مسلح مربوط می‌شود، قوانین بین‌المللی بشردوستانه و نیز مفاد برخی از اسناد مربوط به حقوق بشر است که عمل و رفتار ممنوعه در زمان جنگ را تعریف می‌کند.⁷

شماری از انواع نقض حقوق که در این خودآموز نیامده‌اند، می‌توانند موضوع نوشته‌های دیگری باشند:

- خشونت اعمال شده علیه دختران: انتخاب جنس نوزاد پیش از تولد، کشتن نوزاد دختر، تغذیه ناکافی دختر به سود پسر، آزارهای جنسی، زنا با محارم، جلوگیری از آموزش، تحمیل پوشش، ربوده شدن توسط یکی از والدین، و غیره.
- خشونت اعمال شده علیه زنان توسط گماشتگان و آژانس‌های خصوصی امنیتی؛
- خشونت اعمال شده علیه زنان توسط کارفرمایان یا همکاران در بستر جهانی شدن مبادلات.

این خودآموز هدفی دوگانه دارد:

الف) آشنا کردن فعالان و مدافعان حقوق زنان با کارکرد نظام بین‌المللی حقوق بشر و آموزش مرحله‌ای که، برای بررسی و مستند ساختن نقض حقوق بشر توسط عوامل غیردولتی، باید طی شود؛

ب) استفاده از رویکرد های غیرقضایی، از قبیل فعالیت ها و کارزارهایی که نهادها و شبکه‌های فعالان جامعه مدنی، با استفاده از اصول و مفاهیم حقوق بشری، در خارج از نظام قانونی حقوق بشر به راه می‌اندازند.

این خودآموز توضیح می‌دهد که چگونه می‌توان شکل‌های گوناگون خشونت را که زنان قربانیان آنند، مستند نمود و همچنین در مورد روش جمع آوری و کاربرد اطلاعات و مدارک مربوط بدان

⁶ - مفهوم «هنجارهای حقوق بشر» یا «هنجارهای بین‌المللی» به اسناد مختلفی (چون اعلامیه‌ها، کنوانسیون‌ها، میثاق‌ها) اشاره دارد که بیانگر اصول است و حقوقی را که نظام بین‌المللی اختصاص داده، تعریف می‌کنند.

⁷ - برای مثال، اعلامیه حمایت از زنان و کودکان در دوره‌های اضطراری و مخاصمات مسلحانه، که در سال ۱۹۶۶ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد و در مارس ۱۹۷۶ به اجرا درآمد؛ و نیز قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت درباره حقوق زنان و کودکان در وضعیت مخاصمات مسلحانه.

توضیح می دهد. در اینجا، پرسش‌هایی نیز مطرح شده که شایسته است پیش از انجام کار، در برابر خود گذاشت. از آنجا که مراجعه به مراجع قضایی و نحوه دادرسی در هر کشور بسته به نظام قضایی خاص آن کشور است، توضیح در مورد جزئیات گردآوری مدارک محکمه‌پسند، در این خودآموز نمی‌گنجد. در مقابل، این خودآموز حاوی توضیحاتی است در مورد اینکه چگونه می‌توان از اسناد و مدارک، حاصل از کار مستند سازی، در برابر مراجعی غیر از دستگاه‌های قضایی، استفاده کرد.

در این نوشته، مسئله این نیست که ما یک استراتژی را از دیگری برتر شمرده‌ایم. در برخی مواقع می‌توان چند استراتژی مختلف را با هم ترکیب نمود. بسته به بافتار سیاسی، در پیش گرفتن یک رویکرد می‌تواند از آن دیگری مؤثرتر باشد. همچنین، یک استراتژی ممکن است در یک وضعیت مفروض، و با استفاده از اقدامات انجام گرفته در جای دیگر، مناسب‌تر باشد. ما در این خودآموز نمونه‌هایی آورده‌ایم که نشان می‌دهند چگونه زنان از حقوق بشر در محیط محلی خود استفاده کرده‌اند، ضمن آنکه اطلاعاتی داده شده که می‌تواند به آنان کمک کند که نحوه کار نظام بین‌المللی حقوق بشر را بهتر بشناسند و چه بسا، با آن کار کنند.

در این خودآموز نمونه‌های مشخص از اشکال ویژه خشونت علیه زنان که توسط عوامل غیردولتی اعمال می‌شود، آمده است. و نیز نمونه‌هایی از استراتژی‌های مؤثری که در مناطق گوناگون در واکنش به این خشونت‌ها اتخاذ شده، معرفی شده‌اند. به علاوه، استدلال‌های مخالفان حقوق زنان، و واکنش‌های خشونت بار احتمالی [در برابر دفاع از حقوق زنان] مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل اول

هنجارهای مستند ساختن نقض حقوق توسط عوامل غیردولتی

اصول جهانشمول، جدایی‌ناپذیر، وابسته به هم و تقسیم‌ناپذیر حقوق بشر، در کلیه معاهدات مهم بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر و ملحقات آن (مثل اعلامیه‌ها) تصدیق شده است. به همین دلیل، تعیین سلسله‌مراتب برای این حقوق ناممکن است. دولت‌ها به موجب این معاهدات‌ها نه تنها موظف به رعایت این حقوق‌اند، بلکه باید پاسدار آن باشند و گسترش‌اش دهند. به علاوه، بسیاری از این پیمان‌ها، دولت‌ها را متعهد می‌کنند که از فعالیت‌ها و اقدامات عوامل غیردولتی علیه حقوق انسانی دیگران حمایت نکنند و آن را مجاز نشمارند. این تعهدات حمایتی متضمن آن است که دولت‌ها، بر حسب ضرورت، تدابیر درخوری به عنوان مثال علیه «گروه یا یک فرد»، «افراد شخصی»، «یک فرد، سازمان یا هر تشکل»، «فرد خاص، گروه‌ها، نهادها یا سازمان‌های غیردولتی»، «شخص حقوقی» یا یک «گروه تبهکار سازمان‌یافته» اتخاذ نمایند.⁸

با اینکه میثاق‌ها بارها از این عوامل غیردولتی یاد کرده‌اند، جامعه بین‌المللی در به رسمیت‌شناختن خشونت علیه زنان، به عنوان نقض حقوق بشر و اقدامی جنایتکارانه، تأخیر ورزیده‌اند. برای مثال، در سال ۱۹۴۵ اساسنامه‌های دادگاه نورنبرگ و توکیو، در مورد تجاوز

⁸ - این عناوین در اسناد زیر آمده است: میثاق جهانی حقوق بشر، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، اعلامیه رفع خشونت علیه زنان، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون بین‌المللی حمایت از کلیه کارکنان، مهاجران و اعضای خانواده‌شان، و غیره.

جنسی در وضعیت مخاصمات مسلحانه سکوت کرده اند و این عمل را جنایت جنگی تلقی نکرده‌اند. تا چندی پیش از این، ختنه جنسی زنان، رفتاری فرهنگی-سنتی به شمار می‌رفت و در چارچوب نقض حقوق زنان مطرح نشده بود (نگاه کنید به ماده ۲/ب اعلامیه رفع خشونت علیه زنان). گنجاندن تجاوز همسر و «جنایت ناموسی» در نظام حقوقی بین‌المللی تا سال ۲۰۰۴ به طول انجامید. کاری که می‌ماند این است که تدابیر قید شده در میثاق‌ها و اسناد لازم‌الاجرائی که به عوامل غیردولتی مربوط می‌شود، خاطرنشان گردد و مراقبت شود که دولت‌ها اقدامات لازم برای جبران خسارات به عمل آورند.

میثاق‌ها، اسناد و قطعنامه‌های لازم‌الاجرا

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در دسامبر سال ۱۹۶۶ به تصویب رسید، در ماه مارس سال ۱۹۷۶ به اجرا گذاشته شد. خصوصیت مردمحور نسخه انگلیسی میثاق، بیانگر ذهنیت زمان تدوین آن است. در آن زمان فرض بر این بود که استفاده از نام مذکر، محض نمونه، به صورت خودکار، مؤنث را هم شامل می‌شود. بنابراین، میثاق را باید با توجه به این اصل خواند که استفاده از مذکر، حقوق را منحصر به یک جنس نمی‌کند بلکه مراد هر دو جنس است. آنچه که در اصل در مقدمه میثاق عنوان شده، از این قرار است:

[...] کمال مطلوب انسان آزاد رهایی یافته از ترس و فقر فقط در صورتی حاصل می‌شود که شرایط تمتع هرکس از حقوق مدنی و سیاسی خود و همچنین از حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی فراهم شود [...]

طبق ماده ۲،

کشورهای طرف این میثاق (آن‌ها که بدان پیوسته‌اند یا آن را امضاء کرده‌اند) متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را در باره کلیه افراد مقیم در قلمرو و تابع حاکمیت‌شان بدون هیچ گونه تمایزی، از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا غیر آن، اصل و منشاء ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا سایر وضعیتها، محترم شمرده و تضمین کنند.

بعلاوه، دولتهای طرف این میثاق متعهد میشوند که تساوی حقوق زنان و مردان را در استفاده از حقوق مدنی و سیاسی پیش بینی شده در این میثاق تأمین کنند (ماده ۳).

علاوه بر حمایت پیش‌بینی شده در تدابیر ضد تبعیض ماده ۲، چندین ماده دیگر در میثاق قید شده که می‌توان آن‌ها را در موارد خشونت علیه زنان توسط عوامل غیردولتی عنوان کرد. بسیاری از این مواد، حقوقی غیرقابل نقض یا «تخطی‌ناپذیر» اند، یعنی به هیچ عنوان نمی‌توان آن‌ها را زیر پا گذاشت.

این حقوق غیرقابل نقض عبارت اند از:

- حق ذاتی زندگی (ماده ۶)؛
- حق مصونیت از شکنجه، مجازات‌ها یا رفتار خشن، غیرانسانی یا موهن (ماده ۷)؛
- حق مصونیت از زندانی شدن به علت ناتوانی از اجرای یک تعهد قراردادی (ماده ۱۱)؛
- آزادی اندیشه، وجدان و مذهب (ماده ۱۸).

مواد دیگر میثاق، حقوقی را می‌شمارد که غالباً برای زنان و در رابطه با خشونت علیه آنان اهمیت دارد. اعم از این که این خشونت توسط دولت اعمال شود یا مرتکب آن عوامل غیردولتی باشند. این مواد، از جمله متذکر می‌شوند:

- تضمین دادخواهی در موارد نقض حقوق؛
- ممنوعیت برده‌داری، تجارت برده، و به بندگی کشیدن هرکس؛
- حق آزادی و امنیت فرد؛
- رفت و آمد آزادانه و حق انتخاب محل سکونت؛
- حق خروج از کشور و بازگشت به آن؛
- برابری در مقابل قانون؛
- حق این که شخصیت حقوقی فرد در همه جا به رسمیت شناخته شود؛
- ممنوعیت هرگونه مداخله خودسرانه و غیرقانونی در زندگی خصوصی فرد، خانواده، محل سکونت یا در مکاتبات او؛
- حق این که از بابت عقایدش نگرانی نداشته باشد؛
- آزادی بیان (از جمله حق مخالفت) و حق جستجو، دریافت و پخش اطلاعات؛
- حق تجمع مسالمت‌آمیز؛
- حمایت خانواده توسط دولت و جامعه؛
- حق مشارکت در مدیریت امور دولتی و اجتماعی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن؛
- برای اشخاص متعلق به اقلیت‌ها، حق بهره‌مندی از فرهنگ خاص خود، اعتقاد داشتن و اجرای مناسب دینی خود و به کاربردن زبان خود.

مخاطب میثاق، همچون سایر معاهدات بین‌المللی، در درجه اول دولت‌ها هستند. با وجود این، ماده ۵، نکته مهمی را تذکر می‌دهد:

هیچ یک از مقررات این میثاق نباید به نحوی تفسیر شود که متضمن ایجاد حقی برای دولتی یا گروهی یا فردی گردد که به استناد آن به منظور تضییع هر یک از حقوق و آزادی‌های شناخته شده در این میثاق و یا محدود نمودن آن بیش از آنچه در این میثاق پیش بینی شده است مبادرت به فعالیتی بکند و یا اقدامی بعمل آورد.

میثاق دولت‌ها را دعوت می‌کند به این که قوانین خود را با مفاد این میثاق هماهنگ کنند. اشاره به **گروه یا فرد**، به این معناست که دولت موظف است قوانین مربوط به گروه یا فردی که اقداماتش حقوق مندرج در میثاق را نقض می‌کند، به اجرا گذارد.

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

در دسامبر سال ۱۹۶۶ به تصویب رسید، در ماه ژانویه سال ۱۹۷۶ به اجرا گذاشته شد.

طبق ماده ۲ (۲)،

کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را بدون هیچ گونه تبعیضی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا غیر آن، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا سایر وضعیت‌ها تضمین کنند.

ماده ۳ به همان ترتیبی که در میثاق حقوق مدنی و سیاسی آمده است، دولت‌ها را دعوت می‌کند که «تساوی حقوق زنان و مردان را در استفاده از حقوق اقتصادی و، اجتماعی و فرهنگی مذکور در میثاق تضمین کنند».

برخی از حقوق مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، برای اوضاعی است که زنان به ویژه، بیشتر در معرض اعمال خشونت و یا رفتارهای ظالمانه از طرف دولت یا واحدهای غیردولتی قرار دارند:

- حق داشتن مزد برابر برای کار با ارزش برابر، حق برخورداری از شرایط کاری که پایین‌تر از شرایط کاری مردان نباشد (ماده ۷)؛
- حق برخورداری از تأمین اجتماعی، و از جمله بیمه‌های اجتماعی (ماده ۹)؛
- برخورداری از حمایت و امدادی که به خانواده اعطا شده؛ حمایت از مادران «طی مدت معقول» پیش و پس از زایمان؛ تدابیر حمایتی نسبت به کودکان و نوجوانان علیه بهره‌کشی اقتصادی و اجتماعی (ماده ۱۰)؛
- حق برخورداری از سلامتی حتی‌الامکان بهتر جسمی و روحی (ماده ۱۲)؛
- حق آموزش (ماده ۱۳).

هر دو میثاق، فعالیت و اقدام دولت یا گروه یا فردی را که هدف‌اش «از میان بردن حقوق و آزادی‌های شناخته شده» در میثاق باشد، یا «بیش از آنچه که در میثاق بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ماده ۵) پیش‌بینی شده ایجاد محدودیت» کند ممنوع می‌کنند.

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، که در سال ۱۹۷۹ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و در سال ۱۹۸۱ به مرحله اجرا درآمد، از طرف ۱۸۰ کشور به امضاء رسید. این تنها سندی است که به طور خاص به حقوق انسانی زنان می‌پردازد.

اصول بنیادین کنوانسیون، در مقدمه آن قید شده است. جان‌مایه این سند، یعنی تعهدات و مسئولیت‌هایی که به دولت‌ها تخصیص یافته، در ماده ۲ آمده است:

دول عضو، هر گونه تبعیض علیه زنان را محکوم کرده، موافقت می نمایند که بدون درنگ سیاست رفع تبعیض از زنان را با کلیه ابزارهای مناسب دنبال نموده و با این هدف موارد زیر را متعهد میشود:

الف. گنجاندن اصل مساوات میان زنان و مردان در قانون اساسی یا سایر قوانین مربوطه هر کشور، چنانچه تا کنون منظور نشده باشد، و تضمین تحقق عملی این اصل به وسیله وضع قانون یا سایر طرق مناسب دیگر؛

ب. تصویب قوانین مناسب و یا اقدامات دیگر، از جمله مجازات در صورت اقتضا، به منظور رفع تبعیض از زنان؛

ج. برقراری حمایت قانون از حقوق زنان بر مبنای برابری با مردان و حصول اطمینان از حمایت مؤثر از زنان در مقابل هر گونه اقدام تبعیض آمیز از طریق مراجع قضایی ذیصلاح ملی و سایر مؤسسات دولتی؛

د. خودداری از انجام هر گونه عمل و حرکت تبعیض آمیز علیه زنان و تضمین رعایت این تعهدات توسط مراجع و مؤسسات دولتی؛

ه. اتخاذ کلیه اقدامات مناسب جهت رفع تبعیض از زنان توسط هر شخص، سازمان و یا شرکت های خصوصی؛

و. اتخاذ تدابیر لازم از جمله وضع قوانین به منظور اصلاح یا فسخ قوانین، مقررات، هدف یا روش های موجود که نسبت به زنان تبعیض آمیزند؛

ز. فسخ کلیه مقررات کیفری ملی که موجب تبعیض نسبت به زنان میشود.

سایر مواد این کنوانسیون، اتخاذ تدابیر چندی را توصیه می کنند:

- اتخاذ تدابیر ویژه و موقتی توسط دول عضو جهت تسریع در برقراری مساوات بین مردان و زنان (ماده ۴)؛
- از میان برداشتن تعصبات و کلیه روش های سنتی و غیره که بر تفکر پست نگری یا برتر نگری هر یک از دو جنس و یا تداوم نقش های کلیشه ای برای مردان و زنان استوار باشد (ماده ۵)؛
- به رسمیت شناختن مسئولیت مشترک زنان و مردان در پرورش و تربیت کودکان و تضمین رشد آنان (ماده ۵)؛
- جلوگیری از هرگونه قاچاق زنان و بهره کشی از فحشای آنان (ماده ۶)؛
- حق زنان در شرایط مساوی با مردان برای مشارکت در حیات سیاسی و اجتماعی کشور- حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، و در این زمینه حق شرکت در سازمان ها و انجمن های غیردولتی (ماده ۷)؛

- حق اینکه نماینده دولت خود در سطح بین المللی عمل بشود و در فعالیت سازمانهای بین المللی سهمیم شود (ماده ۸)؛
- حق کسب، تغییر یا حفظ تابعیت خود؛ حقوق مساوی با مردان در مورد تابعیت فرزندان (ماده ۹)؛
- حقوق مساوی با مردان و پسران در زمینه آموزش و پرورش، و نیز تدابیری برای کاستن از میزان ترک تحصیل زنان (ماده ۱۰)؛
- برابری در زمینه اشتغال، و نیز حق انتخاب آزادانه حرفه و شغل (ماده ۱۱)؛
- رفع تبعیض از زنان در زمینه مراقبت‌های بهداشتی (ماده ۱۲)؛
- رفع تبعیض از زنان در سایر زمینه های حیات اقتصادی و اجتماعی (ماده ۱۳)؛
- در نظر داشتن مشکلات خاصی که زنان در مناطق روستایی با آن مواجه‌اند (ماده ۱۴)؛
- برابری در مقابل قانون (ماده ۱۵)؛
- رفع تبعیض در کلیه امور مربوط به ازدواج و مناسبات خانوادگی (ماده ۱۶).

کشورهایی که این کنوانسیون را امضاء کرده اند، موظف‌اند تدابیر مشخصی برای رفع تبعیض علیه زنان اتخاذ کنند و از کلیه حقوق مذکور در کنوانسیون به تمامی حمایت کرده و آن را اعتلاء دهند. با وجود این، نظام بین‌المللی به کشورها امکان داده است که قید و شرطهایی نسبت به ضوابط مندرج در معاهداتی که امضاء کرده اند، داشته باشند. امروزه همین قید و شرطهاست که هنوز مانعی در راه اجرای کنوانسیون در کشورهای متعاهد است. بیشترین قید و شرط کشورها نسبت به اسناد مربوط به حقوق بشر، متوجه این کنوانسیون می‌شود. کمیته کنوانسیون، از تعداد و دامنه قید و شرطهای مطرح شده توسط کشورهای عضو، شدیداً ابراز نگرانی کرده‌است؛ به ویژه نسبت به مواد ۹، ۱۵ و ۱۶ کنوانسیون که به ترتیب، به ملیت، توانایی حقوقی، ازدواج و مناسبات خانوادگی مربوط می‌شوند. کمیته تأکید کرده‌است کنوانسیون، که در میان معاهده‌های سازمان ملل متحد، بیشترین قید و شرطها برای این کنوانسیون مطرح شده است، و اعلام داشته که حفظ این قید و شرطها، آشکارا سدّی در مقابل اعتلای حقوق زنان بوده است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه ۶۸/۵۱ خود (مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۹۶)، از کشورها دعوت کرده است که دامنه قید و شرطهایی را که نسبت به کنوانسیون دارند، محدودتر کنند و مراقبت نمایند که هیچ‌یک از این قید و شرطها با روح یا موضوع کنوانسیون ناسازگار نباشد. علاوه بر این، از کشورها خواسته است که با پس گرفتن قید و شرطهاشان، آنها را متناوباً بازبینی کنند.

همان طور که الیزابت مایر خاطر نشان کرده است:

... گر چه معدودی از کشورهای مسلمان این کنوانسیون را امضاء کرده‌اند، اما کلیه امضاء کنندگان، قید و شرطهایی در برابر مفاد پایه‌ای آن گذاشته‌اند که برخی به دلایل مذهبی بوده‌است. [...] سازمان ملل تلویحاً به آموزه نسبیت گرایی فرهنگی در باب حقوق زنان خاورمیانه صحه گذاشت و به کشورهای متعاهد امکان داد که نقض کنوانسیون را با اسلام و فرهنگ بومی خود توجیه کنند. [...] کنوانسیون بر این اصل استوار است که اگر بنیانهای فرهنگی درباره نقش زنان و مردان، مانعی در راه تحقق حقوق زنان می‌شود، اولویت با حقوق زنان است، و زمانی که به اجراء در آمدن این حقوق نیازمند اصلاح الگوهای اجتماعی و فرهنگی است، نباید آن را قربانی کرد. [...] اینکه بدون هیچ قید و شرطی به کشورهای خاورمیانه اجازه داده شود که از جامعه

جهانی بخواهند، تبعیضی را که در سرزمین خود علیه زنان اعمال می‌کنند به دیده اغماض بنگرند، نشانگر تفسیر خطایی از نسبیّت‌باوری فرهنگی است.⁹

در این جا نمونه‌هایی از ابزارهای تقنینی یا عملی که به زیان حقوق زنان عمل می‌کنند می‌آوریم:

تصاحب، تملک و فروش املاک یا سایر اموال

- در اوگاندا «در حالی که زنان ۸۰ درصد نیروی یدی کشاورزی اند، عُرف رایج، احکام اسلامی و قوانین کشوری چنان اند که فقط ۷ درصد آنان صاحب زمین هستند»¹⁰.

ازدواج

- در کنیا، بنابر سنت محلی، زن باید پس از فوت شوهر با یکی از اعضای خانواده او (مثلاً با برادر یا عموی او) ازدواج کند.¹¹
- در جنوب زامبیا، زنان خواستار لغو اجرای «لوبولا» (پرداخت جهیزیه) شدند، چرا که پرداخت مقادیری پول به خانواده زن، بهانه‌ای به دست شوهر می‌دهد که با زن خود همچون برده رفتار کند.¹²
- برای زنان برخی از کشورها سن اعلام رضایت برای ازدواج، همچنان پایین‌تر از مردان است.
- هنوز قوانینی وجود دارد که به مردان اجازه چندهمسری می‌دهد، درحالی که زنان را از چنین کاری منع می‌کند.
- در برخی کشورها، اعلام رضایت به ازدواج همچنان در دست مرد خانواده است و نه خود دختر یا زنی که باید ازدواج کند.

طلاق

- در ازبکستان، برابری زن و مرد را در زمینه طلاق، قانون تضمین می‌کند. با وجود این، به نظر می‌رسد اعتقاد محاکم بر این است که نقش زن «حفظ خانواده» است. به ویژه آن که سال ۱۹۹۸ توسط دولت «سال خانواده» نامیده شد. درخواست طلاق زنی که دو فرزند

⁹ - Ann Elizabeth Mayer "Cultural Particularism as a Bar to Women`s Rights : Reflection on the Middle Eastern Experience", Femmes sous lois musulmanes, Dossier n° 16, p. 23 et p. 25.

¹⁰ - Radhika Coomaraswary, rapporteure special de l'ONU sur la violence à l'égard des femmes dans son rapport sur les pratiques culturels aux sein de la famille qui portent atteinte aux droits des femmes, E/CN.4/2003/83, par. 68.

¹¹ - « Kenya widows with HIV reject forced remarriage », *Newsheet*, Vol. XIII, No3 (août 2001), p. 21, publié par Femmes sous lois musulmanes qui cite un article paru dans le numéro du 6 mai 2001 du magazine *The Nation*.

¹² - « Women demand end to bride price », *Ibid.*, p. 24, citant un article paru dans le numéro de mars 2001 de *Off our Backs*.

داشت و مدارکی دالّ بر خشونت مکرر شوهر ارائه کرده بود، ردّ شد. و این زن «پس از دو سال جریان دادرسی و سه بار محاکمه در دادگاه‌های مختلف، به ناچار رها کرد»¹³.

- در اسرائیل، دادگاه رسیدگی به دعاوی عمومی می‌تواند حکم طلاق صادر کند. اما زنان سخت‌کیش مذهبی، [علاوه بر قوانین عادی] در انقیاد طلاق مذهبی (ژت) نیز هستند. اگر شوهر به طلاق مذهبی رضایت ندهد، زن او نمی‌تواند دوباره در یک کنیسه ازدواج کند و فرزندان حاصل از ازدواج مجدد او تا ده نسل نامشروع محسوب می‌شوند. این قاعده در مورد شوهری که دوباره ازدواج کند اجرا نمی‌شود و او زناکار به حساب نمی‌آید.¹⁴

جنایت ناموسی

- در کشورهای پرو، بنگلادش، آرژانتین، اکواتور، مصر، گواتمالا، ایران، اسرائیل، اردن، سوریه، لبنان، ترکیه، نوار غزه و ونزوئلا، استفاده از مفهوم «ناموس» در قوانین کیفری هنوز مجاز شمرده می‌شود.¹⁵
- اگرچه در کشورهای غربی استفاده از مفهوم ناموس برای دفاع، مجاز نیست، با این حال در برخی از این کشورها، شماری از اعضای پلیس، دادستان و قضاتی هستند که در موارد قتل یا تجاوز به همسر، گرایش به این دارند که به عنوان «تحریک»، آن را بپذیرند. بنابر این گونه استدلال، زن مسبب اصلی بلایی است که بر سرش آمده، چون رفتارش «تحریک‌آمیز» بوده است. اگرچه استفاده از این امر الزاماً منجر به تبرئه نمی‌شود، اما در تخفیف مجازات تأثیر دارد. در اکتبر سال ۱۹۹۹، یک قاضی در تکراس (امریکا) مردی را که «همسر و معشوق دیرینه او را در برابر فرزند ده ساله‌اش به قتل رسانده بود، به چهار ماه حبس محکوم نمود»¹⁶.

تجاوز جنسی

- قوانین کیفری کاستاریکا، اتیوپی، لبنان، پرو و اروگوئه قوانینی پیش‌بینی کرده‌اند که بنا بر آن‌ها مردی را که به زنی تجاوز کرده در صورتی که قربانی بپذیرد به همسری او درآید، تبرئه می‌کنند.

ملیت و شهروندی

- در برخی کشورها، مقام شهروندی فقط از طریق پدری به فرزند می‌رسد. تنها در سال ۱۹۹۹ بود که دیوان عالی ایالات متحده اعلام کرد که این با قانون اساسی مغایرت دارد.

¹³ - *Sacrificing Women to Save the Family ? Domestic Violence in Uzbekistan*, Human Rights Watch, Vol. 14, No 4 (D), juillet 2001, p. 29.

¹⁴ - « Jewish women protest against marriage law », *Newsheet*, Vol. XVIII, No 4 (décembre 2001), p. 33, publié par Femmes sous lois musulmanes citant un article paru dans le numéro du 26 juillet 2001 de *The Independant* (Royaume-Uni).

¹⁵ - Radhika Coomaraswamy, par. 35.

بردگی جنسی

- در نپال، قانون حمایت از کودک، عمل رایجی را که "دوکی" نامیده می‌شود ممنوع کرده است. با این کار دختر بچه‌ها «توسط خانواده و یا توسط ثروتمندانی که آنان را از والدین اش خریداری می‌کنند تقدیم بارگاه الهی می‌شوند تا نیت‌هایشان برآورده شود یا رحمت آسمانی نصیب‌شان گردد. دخترک از این پس، "دوکی" می‌شود و فاحشگی می‌کند. اعتقاد بر این است که رابطه جنسی با یک "دوکی"، برکت می‌آورد»¹⁷.
- در غنا، اگرچه قانون از سال ۱۹۹۸ ممنوع کرده است، دختر بچه‌ها را به بردگی می‌کشاند، بنابر رویه رایج "تروسوکی" (بردگی آئینی دختر بچه‌ها)، که «جزوی از نظام دینی است و بنا بر آن، روحانیان بت‌وار پرست (فتیشیست) واسطه میان خدایان و انسان‌ها هستند. دختر بچه‌ها برده می‌شوند تا گناهان یکی از اعضای مذکر خانواده بخشوده شود»¹⁸.

خانواده

- در بنگلادش، تعریف خانواده در قانون ۱۹۵۰ درباره خریداری ملک یا اجاره چنان است که دختری که محل سکونت‌اش جایی غیر از منزل والدین است، رئیس خانواده تلقی نمی‌شود، در حالی که اگر یک پسر چنین کاری کند، به صورت خودکار رئیس خانواده محسوب می‌گردد.¹⁹

مدافعان حقوق بشر باید از این حمایت کنند که مفاد کنوانسیون بر تمامی قوانین کشوری که حتا کوچکترین تعهدات اعلام شده در کنوانسیون را هم رعایت نمی‌کنند، اولویت دارد. به اجرا درآمدن کنوانسیون در عین حال، نیاز به اصلاحات اساسی در برخی از هنجارهای فرهنگی دارد که برای زنان تبعیض‌آمیز اند.

می‌توان با ترکیب مفاد کنوانسیون با سایر اسناد مربوط به حقوق بشر، دولت‌ها را برانگیخت تا عوامل غیردولتی را تسلیم عدالت کنند. بهانه دولت مبنی بر این که نمی‌تواند در «امور خصوصی» مداخله کند، مبنای استواری ندارد. گذاشتن مسائل مشخص در مقابل این استدلال، اهمیتی اساسی دارد. در این جا ابزارهایی را معرفی می‌کنیم که کارایی خود را نشان داده‌اند:

- الف) نادرستی استدلال مبتنی بر فرهنگ را نشان دهید؛
- ب) تأکید کنید بر این که دولت‌ها موظف‌اند کاری کنند که عوامل نقض حقوق در حوزه «خصوصی»، پاسخگوی اعمال‌شان باشند؛
- پ) به دولت‌ها خاطر نشان کنید که موظف‌اند کاری کنند که عوامل نقض حقوقی که از اعضای گروه‌های مسلح‌اند، پاسخگوی اعمال‌شان باشند.

یکی از جنبه‌های جالب توجه کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW)، تأکیدی است که بر فرهنگ و سنت‌ها در جامعه می‌گذارد. این کنوانسیون، فرهنگ و سنت را قدرتی

17 - همان، پاراگراف ۴۱.

18 - همان، پاراگراف ۴۲.

اجتماعی می‌شناسد که در ساختن نقشی که به زنان و مردان در جامعه اعطا شده تأثیر می‌گذارند و حقوقی را که زنان می‌توانند داشته باشند کاهش می‌دهند. اعلامیه‌ها یا توصیه‌های دیگر نیز بر این نکته تأکید دارند.

علاوه بر این کنوانسیون، چندین سند منطقه‌ای وجود دارد که هدفشان محو خشونت علیه زنان است. یکی از بهترین نمونه‌ها، کنوانسیون بین امریکایی سال ۱۹۹۴، دربارهٔ پیشگیری، مجازات و رفع خشونت علیه زن (کنوانسیون Belém do Pará) است. وکیل کاستاریکایی، خانم آنا اِلِنا اوباندو خاطر نشان کرد: «نظام بین امریکایی [کنوانسیون] نخستین سند حقوق بشر است که تمایز میان حوزهٔ خصوصی و حوزهٔ عمومی را در برابر علامت سؤال قرار می‌دهد».

Ana Elena Obando, States and Corporations : Legal Responsibilities to the people, WHRNet, 2004m P. 4, www.whrnet.org/docs/issue-stqtes_corporations.html.

بنابراین، کنشگران می‌توانند به ملاحظات کمیتهٔ این کنوانسیون که در زیر می‌آید و نیز به بند ۵ (الف) کنوانسیون مراجعه کنند:

* کمیتهٔ کنوانسیون: نگرش‌های سنتی که از زن يك شیئی مطیع می‌سازند یا نقشی کلیشه‌ای به او می‌دهند، روش رایج خشونت یا اجبار، به ویژه خشونت و اذیت و آزار در خانواده، ازدواج اجباری، همسرکشی به خاطر عدم پرداخت جهیزیه، حمله با اسید و ختنه کردن زن را به امری دایمی بدل می‌کند. این پیشداوریه‌ها و این روش‌ها می‌توانند خشونت مبتنی بر جنسیت را تحت عنوان محافظت یا کنترل زن توجیه کنند. این خشونت که به تمامیت جسمی و روحی زنان صدمه می‌زند، آنان را از بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌های بنیادی، از اعمال آن و آگاهی از آن به اندازهٔ مردان، جلوگیری می‌کند (توصیهٔ کلی، شماره ۱۹).

- کنوانسیون رفع : دولت‌های متعهد موظف‌اند برای اصلاح الگوها و مدل‌های اجتماعی - فرهنگی رفتار مردان و زنان به منظور رفع پیشداوریه‌ها و شیوه‌های رایج یا سایر شیوه‌های مبتنی بر تفکر فرودستی یا فرادستی زن و مرد و یا نقش کلیشه‌ای مردان و زنان، تدابیر لازم را اتخاذ کنند.
- برای رد استدلالی که می‌خواهد دولت‌ها را مسئول نقض حقوقی نشناسد که توسط عاملان خصوصی (از جمله در خانواده) صورت می‌گیرد، نکات زیر را می‌توان عنوان کرد:

- توصیه کمیته کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض... مورخ ۱۹۹۲، که تأکید دارد بر این که از نظر کنوانسیون، تبعیض منحصر به اعمالی نمی‌شود که توسط دولت یا به نام دولت صورت گرفته است (توصیه شماره ۱۹ درباره خشونت علیه زنان).
- کنوانسیون: دولت‌های متعهد موظف‌اند:
 - الف) برای رفع تبعیض علیه زنان که توسط یک شخص، یک سازمان یا هر مؤسسه‌ای صورت می‌گیرد، کلیه تدابیر مناسب را اتخاذ کنند (ماده ۲ [بند ه]);
 - ب) دولت‌های متعهد، به منظور رفع تبعیض از زنان در کلیه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی، کلیه اقدامات مقتضی را به عمل آورند (ماده ۱۶.۱).

اصل ضرورت مراقبت (یا «مراقبت مقتضی») یکی از اساسی‌ترین مفاهیم حقوقی است که می‌توان آن را در مقابله با استبدالی به کار گرفت که می‌خواهد مسئولیت دولت را در مقابل نقض حقوقی انکار کند که توسط گروه‌های مسلح صورت می‌گیرد. طبق این اصل، دولت موظف است کاری کند که حقوق بشر رعایت شود، از جمله در مواردی که قربانیان همچون عاملان نقض حقوق، غیردولتی‌اند. چندین اعلامیه و پیمان حقوق بشر، به این اصل بنیادی رجوع داده‌اند.

مورد ولاسکز Velásquez

دادگاه بین‌المللی حقوق بشر در يك مورد رأیی صادر کرد که به یک نقطه عطف بدل شد. در این رأی، اصل ضرورت مراقبت مطرح گردید. آنجل ماندردو ولاسکز، دانشجویی که مانفردو ولاسکز نیز نامیده می‌شد، و در فعالیت‌هایی شرکت کرده بود که حکومت آن را برای امنیت کشور «خطرناک» می‌دانست، در روز روشن توسط افراد لباس شخصی ربوده شده و با اتومبیل بدون شماره‌ای برده شده بود. دادگاه چنین تشخیص داد که همچون سایر موارد، همان تکذیب کردن‌ها از جانب ربایندگان و نیروهای مسلح، همان کوتاهی‌های همیشگی از سوی آنان و حکومت، که از اقدامات لازم برای تحقیق درباره ناپدید شدن مانفردو ولاسکز خودداری کرده اند یا تحقیق نکرده‌اند که چه بر سر او آمده است. دادگاه چنین تشخیص داد که قوه قضاییه نیز، علیرغم سه دستور در habeas corpus و مقدمه دو شکایت‌نامه در دادگاه‌های مختلف، دچار همان بی‌عملی شده است. دادگاه پذیرفت که اثبات شده است: الف) که میان سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۸۴ روشی وجود داشته که توسط حاکمیت هندوراس، اجرا می‌شده یا مجاز بوده و آن، ناپدید کردن اشخاص بوده است؛ ب) که مانفردو ولاسکز قربانی این روش شده است؛ پ) دولت هندوراس از تضمین حقوق بشر که از این طریق نقض شده، کوتاهی کرده است.

دادگاه اعلام کرد:

بدیهی است که در اصل، می‌توان مسئولیت هرگونه نقض حقوق انسانی شناخته شده در کنوانسیون را که ناشی از عمل حاکمیت یا افرادی است که با استفاده از شغل رسمی‌شان مرتکب می‌شوند، بر عهده دولت گذاشت. اما این، شرایطی را که در آن، دولت موظف به جلوگیری، پیگرد و مجازات نقض حقوق بشر است، و نیز مواردی را که در آن، به خاطر زیر پا گذاشتن این حقوق مسئولیت دارد منتفی نمی‌سازد. در واقع، يك اقدام غیر قانونی که به نقض حقوق بشر می‌انجامد و نمی‌توان مسئولیت آن را مستقیماً به عهده دولت گذاشت. برای نمونه، زمانی که نقض حقوق، کار يك فرد غیردولتی است یا عامل آن شناخته نشده. با این حال، عدم مسئولیت دولت در ارتکاب چنین عملی، مسئولیتش را در مقابل تعهدات بین‌المللی اش لوٲ نمی‌کند، مسئولیتی که مبتنی بر وظیفه پاسداری از حقوق بشر و منع نقض آن و در صورت وقوع پیگیری قضایی و مجازات نقض حقوق بر طبق مفاد کنوانسیون می‌باشد [کنوانسیون امریکایی حقوق بشر].

عفو بین‌الملل در کمپین «خشونت علیه زنان را متوقف کنید!»، بر اهمیت اصل مراقبت تأکید کرده است:

یک اصل (پرنسیب) کلی وجود دارد مبنی این که زمانی که حقوق بشر نقض می‌شود، اما دولت اقدامی در جهت جلوگیری از آن نمی‌کند، مسئولیت آن متوجه دولت است. [...] عمل توأم با مراقبت

لازم، به معنی آن است که برای جلوگیری از خشونت، انجام تحقیقات به هنگام وقوع خشونت، پیگرد عاملان احتمالی، محاکمه آنان در دادگاهی عادلانه و بالاخره، تضمین جبران خسارات قربانی، از جمله، اعاده حیثیت قربانی و پرداخت غرامت، دولت باید تدابیر لازم را اتخاذ کند²⁰

بخواهیم که حساب پس بدهند!

در سال ۲۰۰۱، تشکیلات "کاتولیک‌ها برای گزینش آزاد"، کمپینی زیر عنوان بخواهیم که حساب پس بدهند! به راه انداخت تا تعرضات جنسی روحانیون را افشا کند و افراد و رهبران نهادهایی را که در این تعرضات دست داشته و یا شرکت کرده بودند، وادار کنند که پاسخگوی اعمالشان باشند. این تعرضها در بیش از ده کشور مختلف صورت گرفته بود. این کمپین که در درجه نخست، به افشای خشونت جنسی روحانیون علیه زنان مذهبی می‌پرداخت، شامل سه شکل دیگر خشونت نیز می‌شد: سوءاستفاده جنسی از کودکان، بهره‌کشی جنسی و اذیت و آزار جنسی. کمپین به شهادت‌ها و مطالعات، و به ویژه بر تحقیقی تکیه می‌کرد که در سال ۱۹۹۶ انجام یافته بود و فاش می‌ساخت که ۴۰ درصد زنان مذهبی در امریکا (حدود ۳۴۰۰۰ نفر)، «به شکلی از ضربه روحی و آسیب‌دیدگی جنسی رنج برده‌اند».

نگاه کنید به:

John T. Chibnall, Ann Wolf et Paul N. Duckro, "A National Survey of the Sexual Trauma Experiences of Catholic Nuns", Review of Religious Research, Vol. 40, N° 2, décembre 1998, Saint Louis University, pp. 142-167.

برای اطلاع از وضعیت کمپین، نگاه کنید به:

www.calltoaccountability.org

پروتکل اختیاری مربوط به کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض

این پروتکل اختیاری که در سال ۱۹۹۰ به تصویب رسید، در دسامبر سال ۲۰۰۰ لازم‌الاجرا گردید. در این پروتکل راه و کارهایی برای شکایت پیش‌بینی شده است که زنان قربانی نقض حقوق می‌توانند از آن برای تأمین جبران خسارت استفاده کنند. در مقدمه پروتکل، کشورهای متعهد اعلام می‌دارند که: «مصمم اند بر خورداری کامل زنان از تمامی حقوق بنیادی و آزادی‌های اساسی را در شرایطی برابر تضمین کنند و برای جلوگیری از نقض این حقوق و آزادی‌ها اقدامات مؤثری به عمل آورند». طبق ماده ۱۷، هیچ قید و شرطی در این باره پذیرفته

²⁰ - عفو بین‌الملل، "برای این که حقوق به واقعیت بدل شود": کمپین خود را چگونه به پیش برید، ژوئن ۲۰۰۴، <http://web.amnesty.org/library/index/fraact770522004>.

نیست. بنابراین، دولتی که پروتکل را امضا کرده یا به آن پیوسته است، نمی‌تواند از بررسی کمیته درباره دلایل، شرایط یا قوانینی که از نظر او، نباید موضوع شکایت باشند، شانه خالی کند.

دولت‌های متعاقد، صلاحیت کمیته رفع تبعیض علیه زنان (کمیته کنوانسیون) را در زمینه قبول و بررسی شکایات به رسمیت می‌شناسند. طبق ماده ۲،

شکوائیه‌هایی می‌توانند از طرف اشخاص، گروه‌هایی از اشخاص یا به نام اشخاص یا گروه‌هایی از اشخاص مربوط به حوزه قضایی يك دولت معاهد ارائه شوند که مدعی اند که توسط این دولت معاهد، قربانی نقض یکی از حقوق مذکور در کنوانسیون شده‌اند. شکوائیه به نام اشخاص یا گروه‌هایی از اشخاص فقط با رضایت آن‌ها می‌تواند ارائه شود، مگر این که نویسنده (شکایت) بتواند ثابت کند که بدون داشتن چنین رضای پتی، به نام آن‌ها اقدام می‌کند.

برگه‌ای که باید برای تسلیم شکوائیه به کمیته پُر شود، در ضمیمه شماره ۳ این خودآموز آمده است.

طبق ماده ۵ پروتکل؛

کمیته پس از وصول شکوائیه، و پیش از تصمیم‌گیری در محتوای آن، هر زمان می‌تواند درخواستی اضطراری تسلیم دولت معاهد مربوطه کند، تا برای اهتزاز از وارد آمدن خسارت غیرقابل جبران به قربانیان نقض احتمالی (حقوق) تدابیر حفاظتی لازم را اتخاذ کند.

طبق ماده ۶، کشور متعاهدی که شکوائیه‌ای در کمیته علیه او مطرح شده، موظف است توضیحات و تصریحاتی برای تدقیق مورد و، بسته به مورد، برای توضیح تدابیر اصلاحی که اتخاذ کرده است، کتباً ارائه دهد. کمیته پس از بررسی شکوائیه، ملاحظات خود را، احتمالاً به همراه توصیه‌هایش به طرف‌های ذینفع می‌رساند. دولت موظف است ظرف شش ماه، با ذکر تدابیر اصلاحی که بسته به مورد اتخاذ کرده است تا به ملاحظات و توصیه‌ها عمل کند، پاسخ خود را کتباً در اختیار کمیته قرار دهد.

طبق ماده ۸، اگر کمیته با استفاده از اطلاعات معتبری، مطلع شود که دولت معاهد شدیداً یا به طور سیستماتیک حقوق مذکور در کنوانسیون را نقض می‌کند، می‌تواند به يك یا چند تن از اعضای خود مأموریت دهد که تحقیقاتی انجام داده و بدون فوت وقت، نتیجه را به اطلاع کمیته برساند. این تحقیقات، اگر لازم شد، می‌تواند شامل بازدید از این کشور شود. طبق ماده ۱۱، دولت معاهد، کلیه اقدامات لازم را به عمل می‌آورد تا اشخاصی که در حوزه قضایی او با کمیته مکاتبه می‌کنند، مورد بدرفتاری و ارباب قرار نگیرند.

همچون پروتکل‌های اختیاری مربوط به سایر پیمان‌های حقوق بشر، نظرات و توصیه‌های کمیته کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، از نظر حقوقی لازم‌الاجرا نیستند و کمیته نمی‌تواند کشورهای مربوطه را که از انجام اصلاحات لازم خودداری می‌کنند، به مجازات رساند. اما این بدان معنا نیست که جمع‌بندی‌های کمیته فاقد هرگونه ارزش است. برای مثال، می‌تواند دولت‌های مربوطه را به بهتر ساختن اوضاع و احوال و از نقض سایر حقوق جلوگیری کند. علاوه بر این، تصمیمات کمیته انتشار عام می‌یابند و وسیعاً پخش می‌شوند، و گروه‌های فعال [حقوق بشر] می‌توانند برای

پیشبرد کارشان، از آن استفاده کنند. شکواییه‌های ارسالی به کمیته می‌توانند منابع نقض حقوقی را برملا کنند که دولت‌ها می‌توانند در چارچوب روابط دوجانبه خود یا با مراجعه به سایر مکانیسم‌های سازمان ملل متحد، یا هر دوی آن‌ها، مورد رسیدگی قرار دهند.

سایر پیمان‌نامه‌ها

علاوه بر اسناد مذکور، اسناد دیگری نیز وجود دارند که فعالان [حقوق بشر] می‌توانند برای تهیه مدارك نقض حقوق توسط عوامل غیردولتی از آن‌ها بهره گیرند:

- کنوانسیون جلوگیری از جنایت نسل‌کشی و مبارزه با آن (۱۹۴۸)
- کنوانسیون حمایت از اشخاص غیرنظامی در زمان جنگ (۱۹۴۹)، چهارمین کنوانسیون ژنو
- کنوانسیون وضعیت پناهندگان (۱۹۵۱)
- کنوانسیون مبارزه با تجارت انسان و بهره‌کشی از فحش‌های دیگری (۱۹۵۱)
- پروتکل الحاقی کنوانسیون ملل متحد علیه جنایت سازمان‌یافته فراملی برای جلوگیری، مبارزه و مجازات تجارت اشخاص، به ویژه زنان و کودکان (مصوب مجمع عمومی در سال ۲۰۰۰، در زمان نگارش این سطور هنوز لازم‌الاجرا نیست).
- کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حق کارگران مهاجر و خانواده‌هایشان (۱۹۹۰)
- کنوانسیون مربوط به ملیت زنان مزدوج (۱۹۵۸)
- کنوانسیون مربوط به موقعیت اشخاص فاقد وطن (۱۹۶۰)
- کنوانسیون کاستن از موارد بی‌وطنی (۱۹۷۵)
- کنوانسیون وضعیت پناهندگان (۱۹۵۴)
- پروتکل مربوط به وضعیت پناهندگان (۱۹۶۷)

علاوه بر پیمان‌های بین‌المللی، مفاد چندین پیمان منطقه‌ای نیز از حق برابری زنان حمایت می‌کنند:

- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (نام رسمی: کنوانسیون پاسداری از حقوق بشر و آزادیهای بنیادی، ۱۹۵۳)
- کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۷۸)
- منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها (۱۹۸۱)
- کنوانسیون بین‌امریکایی درباره جلوگیری، مجازات و رفع خشونت علیه زن (۱۹۹۵)

چنانکه دیدیم، پیمان‌های بین‌المللی حاوی مواردی هستند که به اشکال خشونت انجام شده علیه زنان توسط عوامل غیردولتی مربوط می‌شوند. توسل جستن به نظام بین‌المللی، تصمیمی است که فعالان و مدافعان حقوق زنان باید بگیرند. برای کسانی که این راه را برمی‌گزینند، جدول زیر،

- الف) شکل خشونت؛
- ب) مواد شمول‌پذیر؛
- پ) منبع این مواد؛

ت) توضیحات مربوط به کاربست این مواد را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: مواد قابل استفاده در زمینه خشونت علیه زنان

شکل خشونت	موادی که می‌توان به کار گرفت	منبع	اجرا
شیوه‌های سنتی زیان‌بخش برای زنان (رسوم رایجی چون ختنه زنان)	شیوه‌های سنتی که زن را به اطاعت و اداری‌کند یا با دادن نقش کلیشه‌ای به او خشونت رایج را همیشگی می‌سازد یا به اجبار، به ویژه خشونت و صدمه زدن در خانواده، ازدواج اجباری قتل همسر به دلیل عدم پرداخت جهیز، حمله با اسید، ختنه. این پیشداوریها و اقدامات، خشونت جنسی را به عنوان شکلی از محافظت و کنترل زن توجیه می‌کند. این خشونت که به تمایت جسمی و روحی زنان آسیب می‌رساند، آنان را از بهره‌مند شدن از آزادیها و حقوق بنیادی‌شان و اعمال این حقوق باز می‌دارد و مانع از آن می‌شود که همچون مردان، از این حقوق آگاهی بیابند.	کمیته کنوانسیون، توصیه شماره ۱۹	کشورهای عضو کنوانسیون موظف‌اند به توصیه‌های کمیته عمل کنند و اگر نکنند، می‌توانند مورد انتقاد قرار گیرند.
خشونت مبتنی بر جنسیت و بهره‌کشی جنسی	دولت‌های متعهد کلیه اقدامات لازم را برای تعدیل الگوهای اجتماعی و فرهنگی رفتاری مردان و زنان به عمل می‌آورند تا پیش‌داوری‌ها و رسوم رایج، یا هر مدل دیگری که بر پایه تفکر فروستی یا فرادستی یکی از دو جنس و یا تداوم نقش‌های کلیشه‌ای برای مردان و زنان استوار است از میان برداشته شود.	کنوانسیون رفع تبعیض... ماده ۵ (الف)	کشورهای عضو موظف‌اند اجرای کامل کنوانسیون را تضمین کنند، مگر این که قید و شرط‌هایی گذاشته باشند.
قتل همسر به دلیل عدم پرداخت جهیزیه، جنایت «ناموسی»، حصر به زور، و غیره	هرکس از حق حیات، آزادی و ایمنی شخصی برخوردار است.	اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۳؛ اعلامیه رفع خشونت علیه زنان، ماده ۳ (الف)	این دو سند در زمره حقوق عرفی اند و بیانگر وظایف دولت می‌باشند
خشونت جنسی	هیچ‌کسی نباید مورد شکنجه، مجازات یا رفتار خشن، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد.	اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۵؛ اعلامیه رفع خشونت...، ماده ۳ (ز)	به توضیحات بالا نگاه کنید

جدول شماره ۱: مواد قابل استفاده در زمینه خشونت علیه زنان (ادامه)

شکل خشونت	موادی که می‌توان به کار گرفت	منبع	اجرا
تجارت زن و فحش‌های اجباری	دول عضو کلیه اقدامات مقتضی از جمله وضع قوانین را به منظور از میان برداشتن قاچاق زنان و بهره‌کشی از فاحشگی زنان به عمل خواهند آورد.	کنوانسیون رفع تبعیض، ماده ۶	به توضیحات بالا نگاه کنید
اذیت و آزار جنسی در محیط کار	دول عضو کلیه اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد تا هر گونه تبعیض علیه زنان در حوزه اشتغال از بین برود و بر اساس اصل تساوی زنان و مردان، حقوق مشابه برای آنها تضمین شود.	کنوانسیون رفع تبعیض، ماده ۱۱	به توضیحات بالا نگاه کنید
اچ آی وی ایدز	دول عضو کلیه اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد تا [...] دسترسی به اطلاعات آموزشی برای تأمین سلامتی و تندرستی خانواده تضمین گردد، از جمله اطلاعات و راهنمایی در مورد تنظیم خانواده.	کنوانسیون رفع تبعیض، ماده ۱۰	به توضیحات بالا نگاه کنید

اعلامیه رفع خشونت علیه زنان

طبق اعلامیه رفع خشونت علیه زنان، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در دسامبر سال ۱۹۹۳، خشونت علیه زنان شامل موارد زیر است، بی‌آنکه به این موارد محدود باشد:

(الف) خشونت در خانواده؛

(ب) خشونت در چارچوب یک جمع (community)؛

(پ) خشونتی که از سوی دولت صورت می‌گیرد یا مجاز شمرده می‌شود.

این اعلامیه، یک سند حقوقی الزام‌آور نیست اما حق تساوی در خانواده و نیز حق برخورداری از امنیت شخصی را تصریح می‌کند. طبق ماده ۱، «مفهوم "خشونت علیه زنان" بیانگر هرگونه عمل خشونت‌آمیز علیه جنس مؤنث است که موجب وارد آمدن آسیب یا درد جسمانی، جنسی یا روانی به زنان شود یا بتواند بشود، و همین طور تهدید به چنین اعمال، اجبار یا محروم کردن خودسرانه از آزادی، چه در زندگی اجتماعی و چه در زندگی شخصی.» [تأکید از ماست]. بند (الف) از ماده ۲، اشاره دارد، به ویژه به خشونت جسمی، جنسیتی و روانی که در بطن خانواده صورت می‌گیرد.

اعلامیه از دولت‌ها می‌خواهد که بنابر بند (پ) از ماده ۴، «برای جلوگیری از اعمال خشونت‌آمیز علیه زنان، با جدیت لازم عمل کنند و در باره این اعمال، چه از جانب دولت باشد و چه از جانب اشخاص، تحقیق کرده و [اعمال را] طبق قوانین کشوری مجازات نمایند.»

از نظر فعالان و مدافعان حقوق زنان، دسته‌بندی انجام شده در این اعلامیه، الزاماً تمامی اشکال خشونت‌ی را که بر زنان اعمال می‌شود، در بر نمی‌گیرد.

جدول شماره ۲: دسته‌بندی خشونت‌های وارده علیه زنان

<p>خشونت در خانواده</p> <p>خشونت جسمی، جنسی و روانی، از قبیل:</p> <ul style="list-style-type: none"> • خشونت میان زن و شوهر • سوءاستفاده جنسی از دختران خردسال در خانواده • خشونت مرتبط با جهیزیه • تجاوز به همسر • ختنه زنان و سایر روش‌های زیان‌بخش به حال زنان • خشونت غیر زن و شوهری [توسط برادر یا پدر یا اقوام دیگر] • خشونت مرتبط با بهره‌کشی
<p>خشونت در میان جمع</p> <p>خشونت جسمی، جنسی و روانی، از قبیل:</p> <ul style="list-style-type: none"> • تجاوز • سوءاستفاده جنسی • اذیت و آزار جنسی در محیط کار، در مؤسسات آموزشی و غیره • تجارت زنان • فاحشگی اجباری
<p>خشونت‌ی که از سوی دولت صورت می‌گیرد یا مجاز شمرده می‌شود</p> <p>خشونت جسمی، جنسی و روانی، در هر جایی که اعمال شود</p>

چون «خشونت‌ی که توسط دولت صورت گرفته یا مجاز شمرده شده»، کار اشخاص یا واحدهای غیردولتی نیست، خودآموز حاضر، فقط به دو دسته نخست این خشونت‌ها می‌پردازد. به علاوه، فعالان و مدافعان حقوق زنان اغلب اقدامات یا اعمالی چون زنا با محارم، آزمایش‌های باکره‌گی (که از جانب والدین دختر یا همسر تحمیل می‌شود)، اجبار به چندجنس‌گرایی، مناسبات جنسی به زور در زندگی مشترک (از جمله تجاوز به همسر)، حاملگی اجباری، عقیم کردن به زور یا «قتل‌های ناموسی» را افشا می‌کنند و میان دسته‌بندی‌های مختلف خشونت جنسی (مثل: تجاوز به همسر، تجاوز دسته‌جمعی، تجاوز توسط کارفرما، و غیره) تمایز قائل‌اند. گرچه این اشکال خشونت جنسی مرتباً در هر کجای جهان صورت می‌گیرد، اما در اعلامیه، ذکری از آن‌ها نشده است. به همین دلیل است که اعلامیه تصریح می‌کند که اشکال خشونت مذکور در آن (که در جدول شماره ۱ آمده است)، الزاماً بیانگر تمامی اشکال خشونت علیه حقوق انسانی زنان نیست، «بی‌آنکه محدود به این اشکال بوده باشد». شاید لازم باشد به این نکته توجه شود که کنوانسیون رفع تبعیض... در توصیف شماره ۱۹ خود، اشکال دیگر خشونت علیه زنان را که توسط افراد شخصی صورت می‌گیرند، با یادآوری «شیوه رایج خشونت یا اجبار، به ویژه خشونت و اذیت و آزار در خانواده،

ازدواج اجباری، همسرگشی به خاطر عدم پرداخت جهیزیه، حمله با اسید و ختنه کردن زن»، افزوده است.

اعلامیه و برنامه عمل پکن (Beijing)

چهارمین کنفرانس جهانی زن در اکتبر سال ۱۹۹۵ در شهر پکن برگزار شد. اعلامیه و برنامه عمل بر حقوق بنیادی زنان، و به ویژه در رابطه با خشونت علیه زنان، بهداشت، برابری و عدم تبعیض در قوانین و در عمل، تأکید گذاشت. به علاوه، به بررسی مسائلی چون آموزش و تعلیم و تربیت، حقوق زنان در وضعیت مخاصمه مسلحانه و حضور آنان در فرآیند صلح، پرداخت. خشونت علیه زنان در زمرة ۱۲ مسئله بحرانی است که يك اقدام عاجل در موردشان ضرورت دارد. از دولت‌ها خواسته شده که «با خشونت علیه زنان- که نقض حقوق بشر است- و از اعمال رسوم یا سنن زیان‌آور رایج، پیش‌داوری‌های فرهنگی و افراطی‌گری ناشی می‌شوند، مبارزه کنند و برای از میان بردن آن، اقدام فوری به عمل آورند»²¹.

کمیسیون وضعیت زنان در ملل متحد

کمیسیون وضعیت زنان، در سال ۱۹۴۶ تأسیس شد و ۳۲ کشور عضو دارد. این کمیسیون مستقیماً به شورای اقتصادی و اجتماعی گزارش می‌دهد و توصیه‌های خود را درباره مسائل مربوط به حقوق زنان ارائه می‌کند. کار این کمیسیون، گسترش اصل برابری حقوق زن و مرد و کمک به گنجاندن رهیافت ویژه جنسیتی در فعالیت‌های سازمان ملل متحد است. توجه این کمیسیون در درجه نخست، به حقوق زنان در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی معطوف است. در سال ۱۹۸۴ حوزه وظایف کمیسیون گسترش یافت و نشست‌های منظم «گروه‌های کارشناسان» را نیز در بر گرفت. پس از چهارمین کنفرانس جهانی زنان، مجمع عمومی به کمیسیون مأموریت داد تا رشته‌مسائلی را که اضطراری شناخته شده بود (۱۲ مسئله بحرانی که دولت‌ها در پکن روی آن‌ها توافق داشتند)، منظم‌اً مورد بررسی قرار دهد. کار کمیسیون وضعیت زنان، به نحو تنگاتنگی با اعلامیه و برنامه عمل پکن، که به ویژه در صدد اجرای آن است، پیوند دارد.

نهادهای نظارت بر اجرای معاهدات و مکانیسم‌های دیگر کمیسیون رفع تبعیض علیه زنان

کمیسیون رفع تبعیض علیه زنان (کمیته کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان) که در سال ۱۹۸۲ تأسیس شد، متشکل از ۲۳ کارشناس «عالی مقام اخلاقی و با بالاترین صلاحیت‌ها» است که برای يك دوره ۴ ساله انتخاب می‌شوند. این کمیته اجرای کنوانسیون رفع تبعیض را زیر نظر دارد و توصیه‌های خود را ارائه می‌دهد. توصیه‌هایی که می‌توانند در موارد نقض حقوق توسط عاملان غیردولتی، مورد استفاده قرار گیرند:

²¹ - هدف‌های استراتژیک 1 و 2، بند 232 (g).

- توصیه شماره ۱۲ (۱۹۸۹): خشونت علیه زنان را یکی از اشکال تبعیض می‌داند که باعث محرومیت زنان از حقوق فردی و آزادیهای بنیادی در شرایط تساوی با مردان است.
- توصیه شماره ۱۴ (۱۹۹۰): به ختنه کردن و سایر شیوه‌های سنتی زیان‌بار به حال زنان می‌پردازد.
- توصیه شماره ۱۸ (۱۹۹۱): «تبعیض مضاعفی را [که زنان معلول] به دلیل جنسیت و وضعیت ویژه‌شان متحمل می‌شوند»، به رسمیت می‌شناسد و از دولت‌ها می‌خواهد که برای مراقبت از این که زنان معلول «در شرایط برابری به آموزش و شغل، خدمات بهداشتی و امنیت اجتماعی دسترسی داشته باشند، تدابیر ویژه‌ای اتخاذ کنند تا آنان بتوانند در کلیه عرصه‌های زندگی اجتماعی و فرهنگی شرکت کنند».

کمیته حقوق بشر

کمیته حقوق بشر، اجرای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را در کشورهایی که آن را امضا کرده و یا بدان پیوسته‌اند، زیر نظر دارد. کمیته در سال ۱۹۹۵، رهنمودهای خود را در زمینه گزارش‌هایی که توسط دولت‌ها ارائه می‌شد، تغییر داد و به آنان یادآوری کرد که موظفانند از حقوق انسانی زنان حمایت کنند و آن را گسترش دهند. این کمیته که متشکل از ۱۸ کارشناس است، همواره مسئله خشونت علیه زنان را، از جمله در مواردی که توسط عوامل شخصی صورت می‌گیرد (مثل: قاچاق زنان، تحمیل مقررات برای پوشش، تجاوز به همسر، ختنه)، مطرح می‌کند. کشورهای عضو از این پس موظفانند که «عواملی را که مانع از بهره‌مندی زنان از حقوقی می‌شود که در هر یک از مواد منشور قید شده است، اعلام کنند» و در گزارش‌های‌شان، «مسائل عملی مربوط به جایگاه و حقوق انسانی زنان» را متذکر شوند.²²

گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد درباره خشونت علیه زنان

وظیفه گزارشگر ویژه درباره مسئله خشونت علیه زنان، و نیز دلایل و پیامدهای آن که توسط کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۹۴ تعیین گردید، عبارت است از جمع‌آوری اطلاعات و تهیه گزارش در باره:

- خشونت در خانواده (از جمله، خشونت همسر، اعمال روشهای سنتی، کودک‌کشی، زنا با محارم و غیره)؛
- خشونت در محیط جمعی (از جمله، تجاوز، تعرض جنسی، اذیت و آزار جنسی، خشونت سوداگرانه، بهره‌کشی کاری)؛
- خشونت توسط دولت (از جمله، خشونت علیه زندانیان در شرایط جنگی، خشونت علیه زنان پناهنده).

²² - Division des Nations Unies pour la promotion de la femme, Integrating a gender perspective into UN Human Rights, Women 2000, decembre 1998, p. 7.

کنفرانس جهانی ملل متحد

اعلامیه و برنامه یا پلاتفرم عمل که دولت‌ها در چارچوب کنفرانس بین‌المللی سازمان ملل متحد و نشست‌های بعدی تصویب کردند، اسنادی نیستند که اجرای آن‌ها از نظر حقوقی الزام‌آور باشد. با وجود این، قرار بر این بوده است که دولت‌ها تعهداتی را که پذیرفته‌اند به اجرا درآورند و برای تحقق مفاد اسنادی که در این کنفرانس‌ها و نشست‌ها تنظیم گشته‌اند، اقدامات لازم را به عمل آورند. لازم به یادآوری است که این برنامه‌ها و پلاتفرم‌ها، مسئولیت جامعه بین‌المللی و دستگاه سازمان ملل متحد را نیز معین کرده‌اند.

- **کنفرانس نایروبی** در ژوئیه سال ۱۹۸۵: مجمع عمومی سازمان ملل متحد دهه ۱۹۷۶-۱۹۸۵ را با تعیین سه هدف بزرگ برابری، توسعه و صلح، «**دهه ملل متحد برای زنان**» اعلام کرده بود. **کنفرانس نایروبی** بر آن بود که از پیشرفت‌های انجام شده و موانع پیش رو در طی یک دهه، ترازنامه‌ای تهیه کند. سند استراتژی‌ها و چشم‌اندازهای کار تصویب شده در **نایروبی**، توصیه‌هایی درباره پیشرفت در زمینه برابری جنسی، خودمختاری (اتونومی) و قدرت زنان، به رسمیت شناختن کار بدون مزد زنان و بهبود وضعیت زنان حقوق‌بگیر، مطرح کرده بود.
- **کنفرانس وین** در سال ۱۹۹۳: در **کنفرانس جهانی حقوق بشر**، کشورهای عضو سازمان ملل متحد، حقوق زنان را به عنوان حقوق انسانی و خشونت علیه زنان را همچون نقض حقوق بشر به رسمیت شناختند. و **برنامه بین‌المللی اعتلای حقوق بشر** را با گنجاندن نقض حقوق ویژه جنسیتی در آن، گسترده‌تر ساختند. به علاوه، اعلامیه و برنامه کار وین، توصیه کرد که حقوق بنیادی زنان در کلیه فعالیت‌های سازمان ملل متحد منظور شود.
- **کنفرانس قاهره** در سپتامبر سال ۱۹۹۴: برنامه کار مصوب کنفرانس بین‌المللی درباره جمعیت و توسعه، اولویت را به برابری دو جنس، تساوی و خودمختاری زنان داده است. این کنفرانس به استراتژی تازه‌ای روی آور می‌شود که بر رابطه توسعه با جمعیت تأکید دارد و بیشتر به پاسخ‌گویی به نیازهای زنان و مردان معطوف است تا به اهداف دموکراتیک. و همین‌طور بر مسئولیت‌پذیری مردان در رابطه با ذهنیت و رفتار جنسی‌شان و مشارکت فعال آنان در وظایف و مسئولیت‌های پدری تأکید می‌کند. افزون بر این، کنفرانس مسئولیت مردان را در جلوگیری از بیماری‌های مسری جنسی، از جمله اچ آی وی / ایدز، خاطر نشان ساخت.
- **نشست کپنهاگ** در مارس سال ۱۹۹۵: نشست جهانی توسعه اجتماعی به مسئله فقر و حقوق اقتصادی زنان پرداخت و نتیجه گرفت که توسعه اجتماعی تنها به ارضای نیازهایی از قبیل تغذیه، مسکن، آموزش و خدمات بهداشتی محدود نمی‌شود، بلکه از این پس آزادی و گسترش میدان عمل اشخاص و جوامع را نیز داشتن قدرت تصمیم‌گیری درباره وضعیت زندگی و آسایش‌شان، در برمی‌گیرد.

قطعهنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت

فعالان و مدافعان حقوق زنان، علاوه بر استفاده از معاهدات، نهادهای سیاسی، دستگاه‌ها و ساز و کارهای نظارت بر اجرای پیمان‌ها، می‌توانند به قطعهنامه ۱۳۲۵ درباره زنان، صلح و امنیت که

توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۳۱ اکتبر سال ۲۰۰۰ به تصویب رسیده است نیز مراجعه کنند.

شورای امنیت در این قطعنامه:

- با ابراز نگرانی شاهد آن است که اکثریت عظیم کسانی که از مخاصمات مسلحانه زیان می‌بینند، از قبیل پناهندگان و آواره‌گان، غیرنظامیان و به ویژه زنان و کودکان هستند و از جانب جنگجویان و عناصر مسلح، بیش از پیش هدف قرار می‌گیرند؛
- بر ضرورت رعایت دقیق مستندات حقوق جهانی بشر و اسناد مربوط به حقوق بشر که به حمایت از حقوق زنان و دختران خردسال به هنگام مخاصمات و پس از آن می‌پردازند، بار دیگر تأکید می‌کند؛
- از دبیر کل تقاضا دارد که رهنمودها و اطلاعات درباره حمایت از زنان، حقوق و نیازهای ویژه زنان، و نیز اهمیت مشارکت آنان در کلیه اقدامات مربوط به حفظ و استحکام صلح را، به دولت‌های عضو تسلیم کند؛
- از طرف‌های ذینفع تقاضا دارد زمانی که مذاکره می‌کنند و موافقت‌نامه‌های صلح را به اجرا می‌گذارند، به تساوی میان دو جنس توجه کنند و به ویژه:
- الف) به هنگام بازگرداندن آواره‌گان و اسکان مجدد آنان، و به منظور جایگزینی، استقرار مجدد و بازسازی پس از مخاصمات، نیازهای ویژه زنان و دختران خردسال را به حساب آورند؛
- ب) از ابتکارهای صلح گروه‌های محلی زنان، و روندهای محلی حل اختلافات، با مشارکت دادن زنان در تمامی ساز و کارهای اجرای موافقت‌نامه‌های صلح، پشتیبانی کنند؛
- پ) اقداماتی به عمل آورند که حمایت از حقوق بنیادی زنان و دختران خردسال و رعایت آن، به ویژه در زمینه قانون اساسی، نظام انتخاباتی، پلیس و نظام قضایی تضمین شود.

شورای امنیت از کلیه طرف‌های متخاصم می‌خواهد:

- حقوق بین‌المللی مربوط به حقوق زنان و دختران خردسال را به ویژه به عنوان اشخاص غیرنظامی، به تمامی رعایت کنند و از آن حمایت به عمل آورند (مثل: کنوانسیون ژنو، سال ۱۹۴۹، کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان و غیره سال ۱۹۵۱)؛
- برای محافظت از زنان و دختران خردسال در مقابل خشونت جنسی، به ویژه تجاوز و سایر اشکال صدمات جنسی، و نیز در مقابل اشکال دیگری از خشونت در شرایط مخاصمات مسلحانه، اقدامات ویژه به عمل آورند؛
- خصلت غیرنظامی و بشردوستانه اردوگاه‌ها و اماکن استقرار پناهندگان را محترم شمارند و نیازهای خاص زنان و دختران خردسال را، از جمله به هنگام ساختن اردوگاه‌ها در نظر بگیرند؛

به علاوه، شورای امنیت:

- تأکید دارد که دولت‌ها موظف‌اند به مصونیت از مجازات [مجرمان] پایان دهند و کسانی را که به نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی، و نیز کلیه اشکال خشونت جنسی علیه زنان و دختران خردسال متهم‌اند، به دست عدالت بسپارند؛

- بر این ضرورت تأکید دارد که این جنایات، در صورت امکان، جزو موارد مشمول عفو، محسوب نشود؛
- همه کسانی را که در طرح و اجرای خلع سلاح، متارکه و بازگرداندن [عوامل مسلح پس از خلع سلاح به زندگی عادی در جامعه] مشارکت دارند، تشویق می‌کند به این که نیازهای دیگر زنان و مردان سابقاً جنگجو را به حساب آورند و به نیازمندی‌های اشخاص تحت تکفل آنان توجه کنند؛
- همچنین شورای امنیت مصمم است که وظایف خود را با توجه به اصل تساوی دو جنس و حقوق زنان انجام دهد و در این مهم به ویژه از مشورت با گروه‌های محلی و بین‌المللی زنان بهره مند شود.

آنچه در این قطعنامه جالب توجه است، این است که خطاب قطعنامه به کلیه طرف‌های درگیر در مخاصمه است و گروه‌های غیردولتی را که مستقیماً درگیر مخاصمه‌اند یا یکی از طرفین را حمایت می‌کنند، در بر می‌گیرد. این که قطعنامه به شرایط پس از مخاصمه، و نیز به اردوگاه‌های پناهندگان و به مراکز اسکان موقت آوارگان می‌پردازد، به خوبی نشان می‌دهد که شورای امنیت نگران رفتار گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی، و افراد شخصی نیز هست. منظور، نیروهای حافظ صلح و اشخاصی است که در اقدامات سازمان ملل متحد در محل، یا عملیات کمک‌رسانی یا کمک‌های بشردوستانه که توسط سازمان‌های غیردولتی صورت می‌گیرد، مشارکت می‌ورزند.

دادگاه جزایی بین‌المللی (ICC)

اساسنامه رُم که دادگاه جزایی بین‌المللی را بنیان نهاد، در ژوئیه ۱۹۹۸ تصویب شد و در آوریل ۲۰۰۲ با امضای ۱۶ کشور رسماً به تأسیس این دادگاه در شهر لاهه انجامید. این دادگاه صلاحیت تحقیق و محاکمه افرادی را دارد که به نقض فاحش حقوق جهانشمول بشر متهم اند: جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و جنایت نسل‌کشی. جنایاتی که پیش از آغاز به کار این دادگاه صورت گرفته‌اند، الزاماً قابل رسیدگی نیستند. هدف اعلام شده این دادگاه، پایان دادن به مصونیت جنایی، و نیز پیشگیری از ارتکاب این جنایات و نهایتاً از بین بردن آن‌ها است. تجاوز جنسی در چارچوب معیارهای مشخص (ارتکاب مکرر و سیستماتیک)، همچون نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود. از این‌رو، عاملان این جنایت را می‌توان به دست عدالت سپرد و در این دادگاه محاکمه کرد.

فصل دوم

حقوق بشر و خشونت اعمال شده توسط عاملان غیردولتی: تعریف نقض حقوق

بسیاری تحقیقات انجام شده و شواهدی که زنان قربانی خشونت ارائه داده اند، تأثیر و ابعاد این خشونت را آشکار می‌کنند و نشان می‌دهند که زنان، در مقایسه با مردان، به ندرت متوسل به دستگاه قضایی می‌شوند تا خواستار عدالت شوند. طبق گفته کمیته رفع تبعیض علیه زنان، ۲۵ تا ۳۰ درصد زنان در معرض خشونت همسر و خانواده هستند. زنان از طرف عوامل غیردولتی، هدف اشکال دیگر خشونت، از قبیل ختنه اند که هر ساله ۱۲۰ میلیون نفر قربانی دارد، یا سالانه ۴ میلیون نفر از آنان به منظور بردگی جنسی، خرید و فروش شوند. در بیشتر موارد، این نوع خشونت پنهان می‌ماند. بسیاری مواقع، عاملان غیردولتی و اشخاصی که دست به این خشونت‌ها می‌زنند- با هراس‌افکنی عمده، با تعرض و کشتن زنان- از يك مصونیت تقریباً کاملی برخوردارند. داده‌هایی که ما در دست داریم، نشان می‌دهند که اکثریت غالب این مهاجمان، مردان‌اند.

خشونت‌هایی که توسط عاملان غیردولتی اعمال می‌شود، و نقض حقوق بشر به شمار می‌روند، به اشکال زیر صورت می‌گیرند:

- قطع عضو تناسلی MGF (ختنه): این روش که در هر دو جامعه مسلمان و مسیحی مصر به کار می‌رود و اغلب همچون حکم مسلم دینی قلمداد می‌شود، عملاً در دیگر مناطق جهان که این دو دین وجود دارد، ناشناخته است²³؛
- حمله با اسید و کشتار: در بنگلادش، این شکل از تعرض یا توسط مردان جوانی صورت می‌گیرد که تقاضا یا پیشنهاد ازدواج‌شان از طرف قربانی رد شده (اغلب زنان بسیار جوان)، یا توسط خانواده مرد؛
- فتوا علیه زنان: این روش مصادف است با برآمد «اسلامیسم» در جوامع مسلمان. فتواها بیش از پیش، از سوی نهادهای غیررسمی (مجامع روستایی یا ریش سفیدان) و رؤسای مذهبی (مثل امامان محل) صادر می‌شود.

²³ - Rehana Ghadially تعاریف دقیقی از انواع قطع عضو تناسلی MGF به دست می‌دهد: «این روش به سه یا چهار دسته تقسیم می‌شود: اولی و کمتر خشن، «ختنه آیینی» نامیده می‌شود و بریدگی یا شکاف ساده‌ای بر چوچوله است. دومی «ختنه سنتی» خوانده می‌شود و عبارت است از قطع یا برداشتن پوسته چوچوله. در این حالت، بخش انتهایی و بدنه چوچوله دست نخورده می‌ماند. سومی، ختنه است که در این حالت چوچوله و لبه‌های کوچک برداشته می‌شوند. و بالاخره، مسدود کردن برای جلوگیری از رابطه جنسی یا ختنه فرعون.

R. Ghadially, "All for Izzat- The Practice of Female Circumcision among Bohra Muslims in India", Femmes sous lois musulmanes, Dossier 16, 1996 pp. 13-20.

- زنانی با محارم: این پدیده، رایج‌ترین شکل تجاوز است که معمولاً توسط پدر، و در مواردی توسط برادر یا برادر ناتنی رخ می‌دهد؛
- خشونت جنسی در اماکن عمومی: به عنوان مثال، زنان متعلق به گروه‌های مذهبی از سوی اعضای مذاهب دیگر، هدف این تعرضات خشن قرار می‌گیرند (تعرض جنسی، اذیت و آزار، تجاوز، ختنه اجباری)؛ یا حمله به زنانی در جوامع مسلمان، که لباس‌شان مخالف اسلام دانسته می‌شود؛
- ازدواج اجباری: ربودن و فروش دختران جوان، مثلاً در کشورهای شمال افریقا که بعداً در اروپا به زور شوهر داده می‌شوند (مثل: فرانسه و انگلیس)؛
- خشونت علیه زنان بیوه، مثل:
 - الف) وادار کردن آنان به نوشیدن آبی که با آن همسر مرحوم‌شان شسته شده است (ایله‌پا). این کار می‌تواند عواقب زیان‌بخشی داشته باشد؛
 - ب) محبوس کردن زن بیوه در خانه همسر مرحوم تا پایان دوران عزا، ضمن تحمیل محدودیت‌های بهداشتی، پوششی و غذایی؛
 - پ) مجبور کردن زن بیوه به این که خودش را در اختیار کشیش بگذارد (آجا آئی)؛ ت) محروم کردن زن بیوه از وسایل خانه و تقسیم این وسایل میان خانواده مرحوم؛
- فشارهای اجتماعی: جداسازی زنان و مردان، حبس به زور، محروم کردن از آزادی رفت و آمد، تحمیل مقررات پوشش؛ محکوم کردن اشخاصی که رفتارشان از سوی جماعت «نامناسب» تلقی شود، خشونت‌های زبانی یا تهدیدهایی که از طرف مقامات تندروی مذهبی در مجامع عمومی علیه زنان صادر می‌شود؛
- حملات لفظی یا عملی در اماکن عمومی: متلک‌های زشت و زننده درباره بدن، موها یا لباس زنان؛ سخنان و نگاه‌های جلف و هیز، انگشت رساندن، اذیت و آزار جسمی؛
- خشونت همسری: در برخی کشورها وقتی زن توسط شوهر مضروب می‌شود، پلیس آن را با حُسن تعبیر، «مرافعه خانگی» می‌خواند؛ در بسیاری کشورها، فقط تعداد محدودی از موارد گزارش شده به پلیس، به دستگاه قضایی راه پیدا می‌کنند؛
- جنایت «ناموسی»: عاملان این جنایات، همواره از اعضای خانواده‌اند؛ این قتل‌ها را در استان سند پاکستان و بلوچستان، «کارو- کاری» می‌نامند و ما شاهد برآمد شیوه تازه‌ای هستیم که اشخاص بیرون از دایره خانواده، زنی را «کاری» می‌خوانند و بدون موافقت پدر قربانی، او را به قتل می‌رسانند؛
- موارد ثبت شده H.I.V / ایدز: این ناشی از هنجارهای فرهنگی است که زنان را از تصمیم‌گیری درباره روابط جنسی‌شان باز می‌دارد؛ ازدواج اجباری و

ازدواج زودرس نیز که عبارت است از شوهر دادن دختران جوان باکره به مردان مسن (که از قبل حامل این ویروس اند)، يك عامل مضاعف است؛

- حقوق اقتصادی: فرزندان پسر در برخی موارد، زنان بیوه را از خانه‌اش اخراج می‌کنند و خانه را به فروش می‌رسانند؛ این روش معمولاً با عُرف رایج توجیه می‌شود.

این نقض حقوق، برحسب منطقه و فرهنگ شکل‌های متفاوتی دارند، اما در عین حال، دارای يك وجه مشترکند و آن، رابطه‌ایست که با مسائل مربوط به جنسیت دارند. عاملان این نقض حقوق اغلب، اقدام خود را در مقام رئیس خانواده یا رهبر جماعت، با پیش کشیدن حسادت یا وظیفه‌ای که بر دوش دارند تا مراقبت کنند که زنان رفتار مناسبی داشته باشند توجیه می‌کنند و آن را «دفاع از شرف اخلاقی» می‌نامند. این موارد نقض حقوق، از سوی عاملان غیردولتی، مداوماً با به اصطلاح ضرورت کنترل امور جنسی زنان توجیه می‌شود. اما از سوی دیگر، فحش‌های اجباری و تجارت زنان، نشان‌دهنده تمایلی است که زن را به يك کالا بدل می‌کند.

برای جلوگیری از این که مردان بیگناه به تجاوز جنسی کشیده شوند، زنان باید حجاب بر سر کنند. اگر زنان نمی‌خواهند به طعمه این مردان بدل شوند، به جای آن که همیشه مردها را سرزنش کنند، باید پیش‌گیری‌های لازم را انجام دهند.

سخنان نماینده مجلس مالزی در سال ۱۹۸۹، در بحث درباره اصلاح قوانین مربوط به تجاوز جنسی.

خشونت علیه زنان به هنگام جنگ و درگیری

در درگیری‌هایی که گروه‌های مسلح شرکت دارند، تفاوت میان مأموران دولتی و عوامل غیردولتی، همیشه چندان مشخص نیست. در برخی درگیری‌ها، دولت برای نقض حقوق بشر از عوامل غیردولتی استفاده می‌کند. در موارد دیگر، جناح‌هایی که مخالف اقتدار دولت‌اند، یک نظام قضایی، دستگاه پلیس و ساختارهای دیگری به صورت موازی ایجاد می‌کنند. این ساختارها، نظر به ویژگی‌هایی که دارند، دایمی (یا کم و بیش دایمی) و برای اینکه کارشان رتق و فتق امور مردم است، شبیه ساختارهای دولتی‌اند.

در هر وضعیت جنگی، خواه درون‌مرزی باشد و خواه برون‌مرزی، مردمان غیرنظامی اغلب بدون هیچ تمایز و تبعیضی، آماج حمله‌ها هستند؛ به علاوه، به عنوان اعضای گروه قومی یا دینی درگیر جنگ، عامدانه هدف حمله قرار می‌گیرند. در برخی از درگیری‌ها، حمله علیه غیرنظامیان، به یک استراتژی جنگی بدل می‌شود و عوامل غیردولتی به شکل سیستماتیک به تحقیر، ایداء، خشونت جنسی، قطع عضو، اعدام‌های فراقضایی، سر به نیست کردن به زور و

اِعمال شکنجه دست می‌یازند. در چنین اوضاعی، خشونت علیه زنان تشدید می‌شود، خواه از سوی اشخاص غیرنظامی در خانواده و اقوام نزدیک، خواه مأموران دولتی یا عوامل غیردولتی که در جنگ به کار گرفته می‌شوند. افزون بر این، اکثریت آوارگان ناشی از جنگ، زنان هستند.

به علاوه، برخی جناح‌های جنگجو، به ویژه زنان را هدف می‌گیرند. برخی از زنان (مطلقه یا مجرد، زنانی که در کار روسپی‌گری‌اند، همجنس‌گرا یا تراجنس‌گرا [دگرجنس‌گونه‌گرا]) بیشتر در معرض این خشونت‌ها هستند، به ویژه زمانی که عوامل غیردولتی بر آنند که توانایی خود را در از میان بردن عناصر «نامطلوب» جامعه به نمایش بگذارند. زنان آواره در اردوگاه‌های پناهندگان نیز در معرض حمله قرار می‌گیرند.

در بسیاری از کشورهایی که صحنه درگیری‌های خشن بوده‌اند، میزان خشونت میان اشخاص، حتا پس از پایان درگیری‌ها همچنان بسیار بالاست. از جمله به این دلیل که خشونت از نظر اجتماعی به امری پذیرفته بدل شده و اسلحه همچنان در دسترس مردم است.

یادداشت سازمان جهانی بهداشت

خشونت جنسی در شرایط درگیری مسلحانه، شکل‌های زیرین را به خود می‌گیرد:

- موج سیستماتیک تجاوز به زنان و دختران و حامله کردن به زور توسط گروه‌های مسلح (مثال: گروه‌های مسلح «بنیادگرا» در الجزایر)، که قربانیان را به خودکشی وامی‌دارد یا در معرض طرد شدن از جامعه قرار می‌دهد، چرا که فرض بر این است که زنی که به او تجاوز شده یا باردار است، حیثیت خانواده را به ننگ می‌آلاید.
- جنایت جنسی (از قبیل تجاوز و قطع عضو جنسی) که در ابعاد وسیعی برای ارباب مردمان غیرنظامی به کار می‌رود (مثل کلمبیا)؛ در برخی موارد، زنان را هدف می‌گیرند چرا که آنان، اقتدار گروه‌های مسلح را در زیر سؤال می‌برند، یا از اِعمال خشونت بر زنان به عنوان وسیله‌ای برای تحقیر رقیب استفاده می‌کنند؛
- هدف گرفتن زنان در چارچوب یک استراتژی عامدانه برای ارباب گروه یا قوم «دشمن» (مثل: گجرات، رواندا) از طریق اِعمال خشونت‌هایی چون قطع عضو و تجاوز دسته‌جمعی.

فصل سوم

مفهوم و چارچوب حقوق بشر: ابزارهای اصلی مقابله با خشونت علیه زنان توسط عوامل غیردولتی

در شرایطی که عوامل غیردولتی علیه زنان اعمال خشونت می‌کنند، گروه‌های مدافع حقوق زنان می‌توانند با تکیه بر اصول حقوق بشر، کار خود را بیرون از حوزه قضایی یا در درون نظام قانونی حقوق بشر سازمان دهند. این استراتژی می‌تواند مشتمل باشد بر: الف) رویکرد های رسمی قانونی-حقوقی. به عنوان مثال اگر نظام حقوقی موجود امکان می‌دهد، با ارائه تفسیر قانونی درباره لزوم تصویب مواد الحاقیه، مبتنی بر مسئولیت کیفری عوامل غیردولتی، در چارچوب قوانین موجود (این امر را می‌توان از طریق طرح شکایت در دادگستری، و ایجاد گروه های فشار [لابی] بر مراجع قانون گزار برای ایجاد اصلاحات حقوقی به انجام رساند)؛ ب) رویکردهای غیرحقوقی از جمله استفاده از مفاهیم و اصول حقوق بشر خارج از چارچوب نظام قضایی (دادگاه‌های مردمی [سمبولیک، غیر رسمی]، کمپین جمع‌آوری امضاء، مستندسازی و افشای موارد نقض حقوق).

ترکیب استراتژی‌ها (برای نمونه، اصلاحات در قانون و آگاه ساختن مردم محل) برای ایجاد تغییر بسیار مهم است، برای این که عرصه‌های گوناگون مبارزات فعالان و مدافعان حقوق بشر با یکدیگر مربوط و به هم وابسته اند. قوانین بین‌المللی حقوق بشر بستر کارآمدی را برای مبارزه با خشونت علیه زنان فراهم می‌کنند. جنبش جهانی زنان با استفاده از نظام بین‌المللی حقوق بشر یا مفاهیم حقوق بشری، در کمپین‌های محلی یا کشوری خود گام‌های بزرگی برداشته است. کارهای انجام شده از این قرارند:

- مرتبط دانستن زنان، با خشونت و حقوق قانونی، که این امکان را فراهم ساخته تا زنان در چارچوب نظام حقوقی که شامل هر انسانی می‌شود، خواهان تساوی حقوق و رفع تبعیض شوند؛
- تعریف خشونت روزمره علیه زنان به عنوان نقض حقوق بشر، امکان داده است تا اشکال گوناگون خشونت (که اغلب به عنوان امری «عادی» توجیه می‌شود) قانوناً منع شوند، و مورد دادرسی کیفری قرار گیرند؛
- مشخص ساختن اینکه بر چه اساسی می‌توان علیه اعمال تبعیض اعتراض کرد، و از این طریق، آشکار کردن ساختارهای قدرتی که در درون جامعه عمل می‌کند (ساختارهایی که موجب تسلط سنت‌های پدرسالار مذهبی یا فرهنگی می‌شوند)؛

کل حقوق بشر جهانشمول، جدایی ناپذیر، وابسته به هم و عمیقاً در پیوند با یکدیگرند. جامعه جهانی باید حقوق بشر را در کلیت خود، به نحوی منصفانه و متعادل، بر پایه برابری و اهمیت یکسان دادن به آنها در نظر گیرد. اگر درست است که نباید ویژگی‌های ملی و منطقه‌ای و تنوعات تاریخی را به فراموشی سپرد، پس، وظیفه دولت‌هاست که علیرغم نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گوناگون، تمامی حقوق بشر و کلیه آزادی‌های بنیادی را اعتلا بخشند و از آنها حمایت کنند.

اعلامیه و برنامه عمل وین، بند ۱.۵

- فعالیت برای این که رهیافت مبتنی بر حقوق بشر، از سوی جنبش‌های گوناگون پذیرفته شود، و مبارزات زنان برای از میان بردن خشونت در متن برنامه وسیع‌تری قرار گیرد که نه تنها زنان، بلکه سایر گروه‌های قربانی تبعیض را نیز در بر گیرد (دیگر از میان بردن خشونت علیه زنان، مسئله «خاص زنان» نیست)؛
- تسهیل اینکه عواملان نقض حقوق (و همین طور عواملان غیردولتی) مسئول شناخته شوند و پاسخگوی اعمال خود باشند.

تغییرات در سنت‌ها و فرهنگ

رفتارهای سنتی و فرهنگی، همواره خود را با اوضاع تطبیق می‌دهند، از میان می‌روند، احیا می‌شوند یا از منطقه‌ای به منطقه دیگر منتقل می‌شوند. برخی از نمونه‌ها:

- رفتارهای فرهنگی تطابق بپذیرند: حدود ۱۳۰ میلیون زن و دختر در دنیا ختنه شده اند که اکثریت آنان افریقایی‌اند. شمار عمده‌ای از فعالان، جنبه درمانی دادن به این روش را مورد انتقاد قرار می‌دهند چرا که این عمل با این توجیهات در نظر برخی، «پذیرفتنی» جلوه می‌کند. وقتی آنان نتوانستند این شیوه را از میان بردارند، کوشیدند تا اشکال دیگری از قطع عضو تناسلی زنان یا مناسک کمتر زیان‌بخشی را رواج دهند. در مناطق دیگر، مراکزی دایر کردند که زن‌های جوانی که می‌خواهند از این‌گونه اعمال فرار کنند، بتوانند به این مراکز مراجعه کنند.²⁴
- رفتارهای فرهنگی می‌توانند از میان بروند: بستن (باندپیچی) پاهای در چین، قرن‌ها رایج بود؛ نخست محدود به اشراف می‌شد، سپس در میان اقشار گوناگون مردم نیز رواج یافت.²⁵ این روش که در انقلاب ۱۹۱۱ ممنوع شد، در سال ۱۹۲۰ از میان رفت و اکنون برای نسل جدید به کلی ناشناخته است.

²⁴ - در این زمینه، اطلاعات وسیعی را می‌توان در سایت www.rainbo.org پیدا کرد. همچنین نگاه کنید به:

Nahid Toubia and Anika Rahman, *Femle Genital Mutilation: A Guide to Laws and Policies Worldwide*, Zed Books: Londre, 2003.

²⁵ - باندپیچی پاهای (اعمال این روش به قرن نهم بازمی‌گردد) رسم خشنی بود که پاهای دختران سه تا پنج ساله را با تا کردن انگشت شصت به زیر کف پا، باندپیچ می‌کردند. در برخی موارد، اندازه پای یک دختر جوان از ۷/۵ سانیمتر بیشتر نمی‌شد. پاهای کوچک مانده، یکی از نشانه‌های زیبایی محسوب می‌شد. تصور بر این بود که با این کار دختران از نظر جنسی جذاب‌تر، سالم‌تر و بارورتر می‌شوند، و پیشرفتشان در سلسله مراتب اجتماعی آسان‌تر خواهد شد. در برخی از مناطق چین، پاهای باند شده نشانه هویت و تعلق به قوم هان بود که آنان را از اقوام فرودست متمایز می‌کرد. در طبقات پایین جامعه، این باندپیچی اندکی «شل‌تر» بود و از سنین بالاتری آغاز می‌شد. تخمین زده می‌شد که حدود ۱۰ درصد دخترچه‌هایی که باندپیچ شده بودند، پس از تحمل دردهای وحشتناک درگذشته‌اند و بسیاری از زنان در اثر این روش، از آنجا که به زحمت قادر به راه رفتن بودند، در خانه محبوس می‌شدند.

- رفتارهای فرهنگی می‌توانند احیا شوند: سر کردن حجاب در اروپا (یا پوشاندن گیسوان) فقط در میان جوامع مسلمان و یهودیان سنتی رایج بود. در حالی که در میان جماعت مهاجر در کشورهای فرانسه، آلمان و انگلستان، بیش از پیش رواج می‌یابد. به ویژه به خاطر آن که رهبران مذهبی حجاب را به عنوان یک نماد هویتی تشویق می‌کنند.
- رفتارهای فرهنگی می‌توانند انتقال یابند: در سال ۱۹۹۰، اسلام‌یست‌های مسلح در الجزایر روش شیعی متعه را که بیشتر در ایران دیده می‌شود (صیغه از ۲۴ ساعت تا ۹۹ سال) وارد الجزایر سنی کردند. این شیوه، توجیهی به دست جنگجویان اسلام‌گرا می‌داد تا زنانی را که می‌ربایند به بردگان جنسی یا خانگی خود بدل کنند.

به زنان که می‌رسد، سنت‌ها مقدس و جاودان می‌شوند. با این حال، در زندگی‌ام سنت‌هایی را دیده‌ام که تغییر یافته اند. من تغییراتی را دیده‌ام که بدون درد و بدون هیچ مشکلی، وقتی که مردها ابتکار آن را در دست داشته اند، ایجاد شده‌اند. به عکس وقتی زنان خواهان ایجاد تغییر باشند، باید به سختی کار کنند و از هفت‌خوان بگذرند. من در کشور خودم سودان، نمونه‌ای پر معنایی را دیده‌ام از نابودی قربانی‌گری (یک نوع نقص عضوی که زنان و برخی از مردان متحمل می‌شوند چرا که بریدگی عمودی یا افقی روی صورت، نشانه‌ی زیبایی تلقی می‌شود، به علاوه، علامت تعلق به یک قبیله است برای زن یا مرد). زمانی که مردان تصمیم به ترک این روش گرفتند و گفتند که ارزش چندانی برایشان ندارد و زنان بدون این نشانه را ترجیح می‌دهند، ذهنیت اشخاص رو به تغییر گذاشت. در ترانه‌های عاشقانه، به ناگهان، زنان صاف‌سیما واجد شانس بیشتری در یافتن شوهر شدند. اینکه خود زنان دریافته‌اند که ذهنیت مردم عوض شده با بدون آن بریدگی زیباترند، هیچ تأثیری در وانهادن این سنت نداشت. مسئله مهم، تغییر ذهنیت مردان بود.

آسما محمد عبدالحلیم، «ابزار سرکوب»، در Gender Violence and Women's Human Rights in AF Leadership, New Jersey, 1994, 42 pages, p. 22.

اصلاحات در قوانین کشوری

قوانین و حقوق بسته به تغییراتی که در جامعه رخ می‌دهد، تحول می‌پذیرند. به طور کلی، قانونگذار نه از روی تمایل، بلکه برای تطبیق دادن قانون با شرایط «جدید» است که به اصلاحات مبادرت می‌ورزد. این اصلاحات از جمله عبارت خواهند بود از تعریف یا بازتعریف جرایم، ایجاد یا گسترش حمایت‌ها، تدوین یک منشور حقوق و آزادی‌ها، برچیدن نهادهای از کار افتاده، ایجاد نهادهای تازه و ایجاد حریم‌های امنیتی در زمینه برنامه‌های اجتماعی و خدمات بهداشتی. برای نمونه به ذکر اقداماتی که از سوی کشورها به عمل آمده است می‌پردازیم:

- حق پناهندگی: دولت کانادا در سال ۱۹۹۳، سرکوب مبتنی بر جنسیت را به عنوان دلیل قابل قبول برای کسب حقوق پناهندگی به رسمیت شناخت. با این اقدام، به عنوان مثال،

زنان می‌توانند برای فرار از قطع عضو تناسلی یا «جنایات ناموسی» تقاضای پناهندگی کنند. کشورهای دیگری همچون استرالیا، ایالات متحده و زلاند نو، دستورالعمل‌هایی را تصویب کردند که سرکوب مبتنی بر جنسیت را در بررسی تقاضاهای پناهندگی در نظر می‌گیرند.

- «جنایات ناموسی»: در کلمبیا، قانون ۳۶۰، آئین‌نامه کیفری در زمینه جرایم جنسیتی را در سال ۱۹۹۷ تغییر داد. جرم «لطمه به آزادی و تملک جنسی» از این پس، «لطمه به آزادی جنسی و به منزلت انسانی» تغییر نام یافت. به علاوه، این رفرم، به سنگین‌تر کردن مجازات جرایمی پرداخت که علیه همسر (مرد یا زن)، همراه (همسران ازدواج نکرده) یا همراه سابق یا علیه کسی که مجرم از او صاحب فرزند بوده، صورت گرفته است. و همچنین، قانونی که پیگرد مجرمان را در صورت ازدواج با قربانی (به عنوان مثال در مورد تجاوز جنسی) به حالت تعلیق درمی‌آورد، لغو گردید.
- برابری در مقابل قانون: در مراکش، مدونه (قانون جدید خانواده) در ژانویه سال ۲۰۰۴ توسط محمد شاه ششم به تصویب رسید. پیش از آن، مردان مراکشی هر زمان که اراده می‌کردند، می‌توانستند زنان خود را شفاهاً جواب کنند (طلاق دهند)، و این، حکم طلاق را داشت. اما طبق این قانون، از این پس شوهر باید برای قانونی شدن طلاق، به دادگاه مراجعه کند، و زنان نیز موظف به اطاعت از شوهر نیستند. مدونه، با تکیه بر مفهوم حقوقی ولی (یک قیم مذکر که سرنوشت مادر خانواده را به عهده می‌گیرد) که از شریعت گرفته شده، و گسترش آن، این امکان به زنان داده می‌شود که خودشان قیم قانونی خود را در سن ۱۸ سالگی تعیین کنند. از طرف دیگر، با اینکه قانون تعدد زوجات را مجاز می‌شمارد، اما در عمل آن را تقریباً غیرممکن می‌سازد.
- خشونت جنسی: در فیلیپین در پی فشار گروه‌های زنان، آیین‌نامه کیفری جدیدی در سال ۱۹۹۷ به تصویب رسید. از این پس، تجاوز جنسی به عنوان خشونت بر علیه شخص شناخته شده و شامل نزدیکی به زور از طریق دهان یا آلت جنسی و اعمال شکنجه جنسی نیز می‌شود.

تحول سیستم حقوق بشر

از زمانی که اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ به تصویب رسید، دولت‌ها و مدافعان حقوق بشر درباره چگونگی تفسیر حقوق بشر- تقابل میان حقوق فردی و جمعی، میان غرب و بقیه دنیا، و میان تکالیف و حقوق، بحث و استدلال کرده‌اند. به همین دلیل است که نظام حقوق بشر با هدف تضمین بهینه رعایت و اعتلای حقوق، دستخوش تحول مداوم است. این نظام در برخی موارد برحسب پیدایش نیازهای تازه، وسیع‌تر می‌شود و در مواردی نیز، دولت‌ها می‌کوشند تا حوزه عمل این نظام را محدودتر کنند.

برهان نسبیت فرهنگی

بحث حول نسبیت فرهنگی بیش از بیست سال است که ادامه دارد. برهان نسبیت‌گرا اغلب از سوی دولت‌ها و عوامل غیردولتی برای مقابله با تلاش‌های فعالان و مدافعان حقوق زنان که در جهت برابری و عدالت برای زنان مبارزه می‌کنند، به کار گرفته می‌شود. تأثیر این گفتمان، یا حتی هدف آن، توجیه خشونت است که علیه زنان و دیگر گروه‌های آسیب‌پذیر تحت عنوان ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی اعمال می‌شود. اصلی‌ترین براهین طرفداران نسبیت فرهنگی از این قرار است:

برخی کشورها از اصلاح روش‌های تبعیض‌آمیز یا تغییر قوانین تبعیض‌آمیز، به منظور هماهنگ ساختن قوانین‌شان با هنجارهای جهان‌شمول اعلامیه جهانی حقوق بشر، خودداری می‌کنند و وجود هنجارهای قابل اجرایی را که شامل همگان می‌شود انکار می‌کنند. استدلال اصلی آنان عبارت از این است که چون فرهنگ‌ها و آداب سنتی در مناطق گوناگون، متفاوت اند، بنابراین جوامع مختلف، حقوق متفاوتی دارند که باید بر نظام‌های ارزشی آنان استوار باشد. این گفتمان، به عنوان مثال «ارزش‌های آسیایی» یا «ارزش‌های اسلامی» را تبلیغ می‌کنند. برخی گروه‌های بنیادگرا، با حمایت از «قوانین الهی»، حقوق بشر را مردود می‌شمارند.

بحث دیگری هم وجود دارد که حقوق انسانی را تهاجم به سنت‌ها قلمداد می‌کند: ارائه دهندگان این بحث، می‌گویند که حقوق بشر، سنت‌های «ما» یا دین «ما» را به مخاطره می‌فکند و ناگزیر به فروپاشی سنن فرهنگی و دینی «ما» مینجامد، و سرانجام جامعه «ما» را نابود می‌کند. اما اینکه سنت‌های مشترک مورد نظر اینان کدام است، چندان روشن نیست. سنت‌ها می‌توانند: الف) بازتاب مناسبات قدرت در درون یک کشور یا در میان یک جماعت باشند یا، ب) کارکردهای گوناگونی در میان طبقات مختلف داشته باشند. جنس، طبقه، کاست، تعلق قومی، جنسیت، توانایی‌ها، دانش، تربیت و وضعیت زناشویی، همه این‌ها جایگاه افراد را در یک سلسله‌مراتب اجتماعی مفروض، معین می‌کنند و به هر یک از اشخاص امتیازاتی می‌دهند و یا از آنان سلب می‌کنند. اشخاصی که از وضعیت اجتماعی ممتازی برخوردارند، گرایش به حفظ و پابرجا نگهداشتن سنت‌هایی دارند که به آنان قدرت می‌بخشد. دیگران که وضعیت چندان مناسبی ندارند، گرایش به آن دارند که خواهان ایجاد تغییرات شوند. زنان به دلیل فرودستی دیرپای جایگاه خود، اغلب خواهان آنند که سنت‌هایی که علیه آن‌هاست تغییر یابند و سنت‌هایی که به سود آن‌هاست، رعایت شوند. گفتمان‌هایی که سنت‌ها را تغییرناپذیر، و از نظر تاریخی ایستا معرفی می‌کنند، خطرناک‌اند، چرا که سنت‌ها را به صورت گزینشی، برای حفظ ساختار قدرت به میان می‌کشند.

بدین ترتیب، دولت‌ها و عوامل غیردولتی، مفاهیم گاه متضادی از هویت فرهنگی را برای رسیدن به اهداف سیاسی، تبلیغ و ترویج می‌کنند. این هویت فرهنگی، با زیرکی از طریق تکیه کردن بر سنت‌های فرهنگی و دینی ساخته می‌شود. هنگامی که زنان خواهان حقوق اساسی خویش می‌شوند، متهم به خیانت به جامعه (community)، دین یا سنت‌های خود می‌شوند. در واقع، زنان در اغلب موارد برای اعتراض به مقرراتی که مثلاً تحت عنوان سنت‌های دینی به ایشان تحمل می‌شود، وسیله‌ای در دست ندارند.

این که در کشورهای مسلمان، درباره حقوق مربوط به زاد و ولد، سیاست‌های به کلی متفاوتی وجود دارد، به ویژه برای زنان آموزنده است. الجزایر به مدت ۲۰ سال از دادن اطلاعات درباره جلوگیری از بارداری و سقط جنین خودداری کرد؛ اما سرانجام زمانی که رشد جمعیت به ۳/۵ درصد رسید و امتیازات طبقه حاکم را مورد تهدید قرار داد، دولت الجزایر موضع خود را عوض کرد. تونس خدمات رایگان برای جلوگیری از بارداری و نیز انجام سقط جنین در اختیار زنان گذاشت. در بنگلادش، جلوگیری از بارداری، عقیم‌سازی و سقط جنین اجباری، اعمال می‌شود. هر سه این کشورها ادعا دارند که طبق اسلام عمل می‌کنند، در حالی که کارشان چیزی جز یک راه حل سیاسی برای مشکل جمعیت‌شان نیست.

Marie Aimée Hélie-Lucas, *Femmes sous lois musulmanes, Ours by Right: Women's Rights, as Human Rights*, Joanna Kerr (dir.), Zed Books, et Institut Nord-Sud, 1993, p. 53.

نسبیت‌گرایان فرهنگی، تاریخ را با دین و فرهنگ به هم می‌آمیزند تا نقض حقوق زنان را با پنهان کردن منشاء اصلی و تاریخی برخی اعمال تبعیض‌آمیز، توجیه کنند. برای مثال، آسما خادر این اسطوره را که «جنایات ناموسی» تابعی از شریعت و آداب دینی است، درهم شکست. او خاطر نشان کرد که ریشه چنین اعمالی به مقررات جنایی اروپاییان بازمی‌گردد که ۲۰۰ سال پیش از این رایج بوده است.²⁶ این مثال نشان می‌دهد که قانون ساختن از رویه‌های استعماری (به زیان سنت‌های بومی مساعد به حال زنان) و جلوه دادن این رویه‌ها به عنوان سنت‌های «اصیل»، تاکتیک دیگری است که برخی از سخن‌گویان نسبیت فرهنگی برای نفی حقوق زنان به کار می‌گیرند.

جالب است بدانیم که سنت‌هایی که به سود زنان بودند، از میان رفته و با آداب و رسوم به ارث رسیده از استعمار جایگزین شده اند. برای نمونه، زنان در کشورهای عرب، نام خانوادگی پدر را برای همیشه حفظ می‌کردند. در حالی که اخیراً شاهد آنیم که با تصویب قوانینی، مجبورند نام همسر خود را داشته باشند. یعنی در کشورهایی که میزان طلاق و جواب کردن زنان (طلاق شفاهی از جانب شوهر) بسیار بالاست، و زنان چه بسا چندین بار ازدواج می‌کنند، به ناچار باید چندین بار نام خود را تغییر دهند، و این موجب ویرانی حس هویتی زنان می‌شود. این نمونه نشان می‌دهد کشورهایی که خود را «اسلامی» می‌نامند و با نفی مظاهر غربی ناشی از تحمیل استعمار و امپریالیسم، مدعی آنند که به هویت واقعی خود بازمی‌گردند، با این حال بی هیچ نگرانی (به ویژه آنجا که به زنان مربوط می‌شود) سنت‌های غربی را می‌پذیرند، سنت‌هایی که زنان کشورهای عربی-اسلامی را از بهره‌مندی از عرف و آداب مساعد به حال‌شان محروم می‌کند.

Marie Aimée Hélie – Lucas, *Ours by Right: Women's Rights as Human Rights*, p. 54.

باید اعتراف کرد زنان که نقش‌شان در جامعه، اغلب به «پاسداران سنت» فروکاهیده است، گاه خودشان نیز، از آداب و رسوم فرهنگی که برای سایر زنان زیان‌آور است دفاع می‌کنند. به عنوان

²⁶ - Asma Khader, in *Crimes Against Women Are Crimes Against Humanity*, compte rendu de la table ronde organisée en décembre 1999 par le Women's Caucus for Gender Justice.

مثال، با اینکه می‌دانیم خشونت علیه زنان، تقریباً همیشه کار مردان است، اما گاه زنان نیز در آن مشارکت می‌کنند، یا زمینه‌اش را فراهم می‌آورند، و یا اینکه خود مرتکب آن می‌شوند. و این اغلب بدین خاطر است که این زنان، هنجارهای اجتماعی را که مردان بر آنان تحمیل می‌کنند، درونی و از آن خود کرده‌اند، و از این‌رو در خشونت‌هایی که در درون خانواده رخ می‌دهد، مشارکت می‌ورزند. به علاوه، گاه این زنان به عنوان عضوی از یک جماعت (community)، طرف این مجموعه را می‌گیرند و از مردان «خودی» که مرتکب خشونت علیه زنان «غیرخودی» شده‌اند، حمایت می‌کنند.

نتیجه اینکه در اینجا، ریاکاری و سیاست «یک بام و دو هوا» بر چگونگی تعریف و به کارگرفتن فرهنگ، سنت، دین و هنجارهای اجتماعی تأثیر می‌گذارد. نسبت‌گرایان فرهنگی (دولت‌ها یا عوامل غیردولتی) با سوءاستفاده از فرهنگ، به اعمال تبعیض، خشونت و نقض حقوق زنان مبادرت می‌ورزند.

گونه دیگری از نسبت‌گرایی فرهنگی را در نفی اصول حقوق بشر، در میان برخی گرایش‌های تندروی مذهبی مشاهده می‌کنیم. این بنیادگرایان معتقدند که این اصول آفریده انسان‌هاست، در حالی که فقط باید از «احکام الهی» تبعیت شود؛ احکامی که تنها خودشان در مقام تفسیر درستی از آن‌ها هستند. این نیروها در اغلب موارد، با دستکاری هویت مذهبی، «اراده الهی» را چنان تفسیر می‌کنند که در جهت حفظ قدرت خود و نفی حقوق زنان باشد.

تألیفات خانم سیتی موسداه مولیا، متأله اهل اندونزی، او را هدف حمله رهبران محافظه‌کار مذهبی آن کشور قرار داد. او که در پی آن است «آموزش‌های اسلام را به سود زنان» تعبیر کند و جهان امروز را با مذهب آشتی دهد، بر این نکته تأکید دارد که «دین خواهان آن است که مردم عقل خود را به کار گیرند». او که متهم شد «ابزار ایدئولوژیک غرب» است، پاسخ داد که نباید مفاهیم برابری، آزادی و برادری را ارزش‌های غربی تلقی کرد، و مسلمانان نباید آن‌ها را به عنوان آفریده غرب ببینند. «این‌ها ارزش‌هایی هستند جهانشمول، و این مفاهیم در دوران محمد نیز، در قرن هفتم، در عرصه نظری وجود داشتند. شریعت باید با تکیه بر اصول اسلام، همواره این اصول جهانشمول را بپذیرد»²⁷.

زنان می‌توانند برای پاسخ به استدلال‌های نسبت‌گرایان فرهنگی، سنت‌های کهن فرهنگ خود را که به سود آنان است خاطر نشان سازند.

²⁷ Siti Hera Diani, "Gender expert Musdah speaks zith reqson", The Jakarta Post, 3 octobre 2004. Musdah Mulia دبیر کل کنفرانس اندونزی درباره دین و صلح، و رئیس انستیتوی مطالعات نوع رفتار و دین است.

نیجریه: با خشونت بین همسری مقابله کنید

يك سنت رایج در شرق نیجریه، امکان داد که برخی مسائل درون قومی، به ویژه خشونت بین همسری حل شود. شمار زیادی از زنان در منزل قربانی جمع می‌شدند تا با شوهر او مقابله کنند. این مقابله آشکار، داغ «شرم» بر پیشانی همسر خشن می‌زد. انجمن زنان ده متشکل از زنان شوهردار، نهادی بود کارآ، قدرتمند و استوار. [...] این انجمن در درگیری‌های بین همسری مداخله می‌کرد. آن‌ها علیه شوهر خشن به طرز مؤثری بسیج می‌شدند و با استفاده از تاکتیک «درجا نشینی»، مرد را به ریشخند بگیرند: زنان در مقابل خانه مرد جمع می‌شدند و تا رسیدن به خواست‌هایشان، ترجیع‌بند‌های تمسخرآمیز می‌خواندند. این انجمن علاوه بر تنبیه‌هایی علیه مردان (و زنان)، می‌توانست تنبیه‌هایی جمعی علیه مردان روستا اجرا کند. به عنوان مثال با تهدید به اینکه همگی روستا را ترک خواهند کرد، یا دست به اعتصاب غذا یا اعتصاب در روابط جنسی خواهند زد.

Nina E. Mba, "Heroines of the Women's War", in Bolanie Awe (dir.), Nigerian Women in Historical Perspective, Sankore/Bookcart, Ibadan, Nigéria, 1992, p. 76.

برای مقابله با اسطوره‌ای که اصول حقوق بشر را بیگانه با جوامع غیر غربی، قلمداد می‌کند، باید به بررسی استراتژی‌هایی پرداخت که در طول تاریخ توسط زنان جوامع و اقوام مختلف پایمیزی شده است تا خشونت علیه خود را افشا کنند و خواهان حقوق خویش باشند. مطالعه تاریخ فمینیست‌ها در درون آن جامعه نیز اهمیت بسزایی دارد. به عنوان مثال، شبکه زنان تحت قوانین اسلامی، زنان نمونه‌ای را که در دنیای مسلمان از حقوق زنان دفاع کرده‌اند، از قرن هشتم تا بیستم میلادی، جمع‌آوری کرده است. این فهرست فقط مختص چهره‌های مشهور نیست، بلکه کلیه زنانی را نیز که اثری از کار و زندگی‌شان در تاریخ رسمی کشور نیست، در بر می‌گیرد. این همه، نشان‌دهنده آنست که فمینیسم در جوامع مسلمان، همچون دیگر نقاط، وجود دارد و این واقعیتی است تاریخی و در عین حال معاصر، جهانی و نیز محلی، جهان‌شمول و در عین حال منحصر به عرصه‌هایی از فعالیت.

یکی دیگر از استدلال‌های نسبیست‌گرایی فرهنگی که با حمایت و پیشبرد حقوق زنان مخالفت می‌کند، این مدعاست که حقوق بشر امتیازاتی به افراد در درون جماعت (community) می‌دهد که به زیان آن مجموعه است. به زعم آنان، حقوق فردی يك زن یا زنان و حقوق جماعتی که بدان تعلق دارند، با یکدیگر ناسازگار اند.

مدافعان این استدلال، می‌خواهند میان زنان و جامعه آن‌ها دوگانگی بی پایه‌ای بسازند، گویی زنان در بیرون از فضای جمعی موجودیتی دارند. به علاوه آنان فراموش می‌کنند که مصون بودن از خشونت، يك امتیاز نیست بلکه حقی است جهان‌شمول که نباید به نام منافع به اصطلاح برتر جمع قربانی شود.

اردن: مصونیت قاتلان از مجازات به بهانه حفظ بافت اجتماعی

پارلمان اردن در سال 2003 لایحه قانونی درباره تشدید مجازات عاملان «جنایات ناموسی» را رد کرد. با وجود کمپین تشدید مجازات مردانی که زنان را در خانواده به قتل می‌رسانند، 60 تن از 80 وکیل مجلس بر آن بودند که این لایحه، «موجب نابودی ارزش‌های اجتماعی می‌شود، سنت‌های دینی را نقض می‌کند و به طور کلی، به بافت اجتماعی کشور آسیب می‌رساند».

Shirkat Gah, Great Ancestors: Women Asserting Rights in Muslim Contexts, Femmes sous lois musulmanes, décembre 2004.

مخالفان حقوق زن تاکتیک دیگری نیز دارند و آن، نسبت دادن حقوق بشر به نژادپرستی غرب است. دلیلی هم که برای دفاع از این نظر دارند این است که غرب، رسوم رایج (قطع اعضای تناسلی، سنگسار) را «ارتجاعی» یا «وحشیانه» می‌خواند [بدین معنا که انتقاد از بعضی رفتارهای کشور های دیگر بر اساس نژاد پرستی صورت می‌گیرد]. برای مقابله با این بحث، باید بر این امر تکیه کرد که همه انسان‌ها برابر زاده می‌شوند و از هر سرزمینی که باشند، حق دارند مصون از خشونت زندگی کنند. به عنوان مثال، می‌دانیم که حقوق مربوط به تولید مثل، در همه جای جهان، به ویژه در رابطه با سقط جنین، تا چه اندازه موضوع مجادله است. گروه‌های افریقا-امریکایی محافظه‌کار در ایالات متحده، با سقط جنین مخالفت می‌کنند و آن را استراتژی سرآمدان سفید پوست، برای نابودی جامعه سیاهان می‌دانند. افزون بر این، زنان سیاه پوست امریکایی را متهم به خیانت به قوم خود می‌کنند، چرا که به سقط جنین زنان را می‌پردازند، یا خودشان دست به سقط جنین می‌زنند.

فصل چهارم

ثبت موارد نقض حقوق برای اهداف مبارزاتی

نمونه‌هایی که در این فصل آمده‌است، نشان می‌دهند که زنان چگونه نظام حقوق بشر را در سطح جهانی، منطقه‌ای و محلی انطباق می‌دهند و چگونه به کار می‌گیرند. زنان در این زمینه، چندین گزینه پیش رو دارند:

(الف) دست به اعمال فشار در درون دستگاه سازمان ملل متحد بزنند (مثل: کمیسیون حقوق بشر)؛
(ب) اجرای کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و میثاق‌های دیگر در برخی از کشورها را هدف تلاش‌های خود قرار دهند؛

(پ) کمپین‌های آگاهی‌بخشی بر پایه اصول حقوق بشر، برای آگاهی اعضای جوامع محلی سازمان دهند یا پشتیبانی آنان را از مطالبات خود به دست آورند؛

(ت) از کسانی که حقوق بنیادی‌شان پایمال شده است، دفاع کنند. این نمونه‌ها، استراتژی‌های گوناگونی را نیز نشان می‌دهد که کنشگران در پیش گرفته‌اند. هر یک از این استراتژی‌ها، نیازمند شناخت درستی از واقعیت در محل است؛ مثل: نظام قضایی، شرایط محلی، اقدامات یا اعمالی که می‌توانند در یک جامعه معین، نتیجه‌بخش باشند. این رویکردهای گوناگون، نه تنها امکان‌پذیرند، بلکه اگر بخواهیم در نحوه برخورد به خشونت علیه زنان تغییراتی ریشه‌ای ایجاد کنیم، اساسی نیز هست.

پذیرش اینکه رهیافت‌های متفاوت و مکمل هم وجود دارد، به معنای لزوم توجه به این نکته است که در برخی موارد، بافتار سیاسی جامعه همیشه امکان نمی‌دهد که فعالان و مدافعان حقوق بشر، اقدامات خویش را در جهت دستیابی به این حقوق سمت و سو دهند. به معنای این نیز هست که انواع استراتژی‌هایی که زنان برای مقابله با خشونت به کار می‌برند، هوشمندانه است. و بالاخره به این معناست که عوامل غیردولتی می‌توانند از چارچوب حقوق بشر برای افشای نقض حقوق و مقابله با آن استفاده کنند.

چارچوب حقوق بشر یاری‌رسان کار ماست. مجموعه اصولی در اختیارمان می‌گذارد تا بر اساس آن‌ها حرکت کنیم. کار ما بر چارچوب حقوق بشر در سطح جهانی تأثیر می‌گذارد و به نوبه خود، در مطالباتی که در دادگاه‌ها مطرح می‌کنیم، و زمانی که از **کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW)** یا سایر اسناد حقوق بشر استفاده می‌کنیم، به کار ما سمت و سو می‌دهد. این یک روند دوسویه است.

Gita Sahgal, responsable de l'Unité chargée des questions relatives aux femmes, Amnesty International, présentation orale intitulée Raising Standards to Tackle Violence against Black and Minority Women, conférence nationale organisée par Southall Black Sisters, Londres, 15 novembre 2004.

همچنان که خانم ژیتا سهگل می‌گوید، برای این که جریان «دوسویه باشد»، فعالان زن باید نظام حقوقی کشور خود (قوانین جاری)، و نیز اسناد بین‌المللی امضا شده توسط کشورشان را بشناسند. برای یادآوری تعهداتی که دولت‌ها دارند و برای اینکه وادار به رعایت آن‌ها شوند، از جمله زمانی که مجازات عوامل غیردولتی مطرح می‌شود، باید از این قوانین آگاهی داشت. مدافعان حقوق بشر تلاش می‌کنند که حکومت‌های خود را در مقابل نقض حقوقی که مرتکب می‌شوند، مسئول گردانند و از دولت می‌خواهند که سایر عوامل نقض حقوق را موظف سازند تا طبق نظام حقوق بشر، پاسخگوی اعمال خود باشند.

همان طور که شورای بین‌المللی مطالعات حقوق بشر متذکر شده است:

این کار اغلب به معنی کار طولانی «لابی‌گری»، امضا و تصویب میثاق‌ها مربوطه توسط دولت است. بزرگترین چالش در مرحله بعدی، عبارت از این است که دولت مفاد این میثاق‌ها را در قانونگذاری و سیاست‌های عملی خود منظور کند. مسائل مربوط به دسترسی به دادگستری و تدابیر مربوط به ترمیم و جبران [خسارت] را نیز که پیامد این کارهاست، نباید به فراموشی سپرد²⁸.

مسئله عدم دسترسی به دستگاه قضایی نیز عنوان شده است:

- در ماده ۴ (ج) اعلامیه رفع خشونت علیه زنان، که آمده است «زنان قربانی خشونت باید به دستگاه قضایی و قانونگذاری کشور دسترسی داشته باشند و قوانین کشور باید غرامتی عادلانه و مؤثر برای خسارت وارده به آنان پیش‌بینی کند»

28 - شورای بین‌المللی مطالعات حقوق بشر گزارش، www.ichrp.org Enhancing Access to Human Rights, mars 2004. خلاصه این گزارش در www.ichrp.org/ac/excerpts/152.pdf این شورا معتقد است که زنان یکی از چهار گروه انسانی است که از دستیابی به حقوق محروم اند. این محرومیت، چندین دلیل دارد که جمع آمده اند و با تبعیض‌ها مستحکم‌تر می‌شوند. موانع بهره‌مند شدن از این حقوق که در گزارش ذکر شده‌اند، عبارت‌اند از محدودیت‌های قانونی، عادات اجتماعی، انزوا و عدم دسترسی به امکانات.

- توسط خانم رادیکا کووماراسوامی، گزارشگر ویژه سابق در مورد خشونت علیه زنان، دلایل و پیامدهای آن، که تأکید می‌کند بر ضرورت اینکه دولت‌ها، زنان را از حقوقی که دارند آگاه سازند. او در سال ۱۹۹۶ نوشت: «با توجه به اینکه زنان و دختران خردسال، خشونت را که علیه‌شان اعمال می‌شود، همیشه اعلام نمی‌کنند، و چون درک نمی‌کنند که آنان قربانی‌اند و نه یک طرف ماجرا، بنابراین دولت‌ها موظف‌اند کمپینی برای آگاه‌ساختن آنان به راه اندازند تا زنان را از حقوقی که دارند، و به ویژه از مسئله خشونت خانگی آگاه نمایند»²⁹.

استفاده از استراتژی‌های مختلف برای رسیدن به اهداف مشترک

خشونت عوامل غیردولتی علیه زنان، اشکال گوناگونی به خود می‌گیرند که همگی ناپذیرفتنی اند. این بدان معناست که می‌شود کمپینی را حول یک محور، علیه مجموعه نقض حقوق متمرکز ساخت. با وجود این، پیش از آنکه برتری ویژه‌ای به گزینش یک استراتژی داده شود، باید به برخی پرسش‌های مقدماتی پاسخ گفت. روشن ساختن:

الف) مسئله‌ای که باید بر آن انگشت گذاشت و بهبود بخشید؛

ب) هدف مورد نظر؛

پ) در چه سطحی باید وارد عمل شد تا به بهترین نتایج رسید. هدف یا هدف‌ها، گسترده اند یا محدود.

برای تدوین یک استراتژی، می‌توان چهار پرسش مطرح کرد:

- رایج‌ترین نوع نقض حقوق در جامعه کدام است؟
- آیا منحصراً با یک استراتژی، می‌توان به چند مسئله پرداخت (به عنوان مثال با اعمال فشار بر دولت برای تصویب قانونی که تبعیض جنسی را ممنوع کند، یا کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان را بپذیرد)؟
- آیا می‌توان به پشتیبانی نهادهای دیگر امیدوار بود (مثل: گروه‌های مدافع حقوق بشر یا سازمان‌های زنان)؟
- موانع پیش رو کدام‌اند؟ منشأ آن‌ها؟ آیا امکان گذشتن از این موانع وجود دارد؟

اگر کمپینی تدارک دیده می‌شود که فقط بر یک مسئله متمرکز است، می‌توان به طرح پرسش‌های زیر پرداخت:

- آیا کارشناسی و روابط لازم برای کار لابی‌گری [اعمال فشار] در دستگاه سازمان ملل متحد داریم؟ اگر آری، چگونه باید عمل کنیم؟
- آیا امکان این هست که به کار اعمال فشار در سازمان ملل که توسط سایر نهادها آغاز شده کمک کنیم (به عنوان مثال، با فراهم کردن شواهد و مدارک و داده‌ها برای آنان)؟

²⁹ - Radhika Coomaraswamy, rapport présenté à la commission des droits de l'homme. E/CN.4/1996/53, 6 fevrier 1996, par. 142(g).

- آیا قصد داریم که موردی را به دادگاه بکشانیم، و در صورت برنده شدن، سابقه قضایی ایجاد کرده و به زنان دیگری که در همان شرایط اند کمک کنیم؟
- آیا توانایی آن را داریم که کمپینی به راه اندازیم؟
- الف) در سطح محلی، و به همراه گروه‌های زنان، برای مبارزه با یک شکل رایج خشونت در تمام منطقه، استراتژی‌هایی را تدارک ببینیم (مثل: قاچاق زنان یا خشونت‌های جنسی در شرایط جنگی)؛
- ب) در سطح کشوری (مثل: جمع کردن امضا خطاب به دولت)؛
- پ) در تماس با رسانه‌ها (آشنا کردن ژورنالیست‌ها با مسائل گریبانگیر زنان، تماس با رسانه‌ها برای پخش مقالات درباره حقوق زنان)؟
- آیا می‌توان در زمینه حقوق بشر، برنامه‌های آموزشی دوام‌پذیری تدارک دید؟ برای نمونه: الف) تماس با مدارس یا سایر مؤسسات آموزشی جهت ارائه برنامه‌های آموزشی برای دانش‌آموزان و آموزگاران؛
- ب) تشکیل کارگاه‌های اطلاع‌رسانی برای اقشاری از زنان (حقوق مربوط به اشتغال برای مددکاران خانواده، حقوق مربوط به زاد و ولد برای دخترانی که در معرض ازدواج اجباری‌اند، حقوق زنان در خانواده برای زنان خانداندار، و غیره)؛
- پ) تشکیل کارگاه‌های اطلاع‌رسانی برای رهبران قوم و قبیله در منطقه.

اگر پیگیری چندین استراتژی مد نظر باشد:

- باید از اعمال و شیوه‌های رایج خشونت علیه زنان که مورد استناد است، مدارک محکمی در دست داشته باشیم؛
- وقتی مخاطب استراتژی‌ها، سازمان ملل متحد یا نظام قضایی محلی است، داده‌ها باید برای سازمان ملل متحد و دادگاه‌های محلی پذیرفتنی باشند (خواه با جمع‌آوری داده‌های از پیش موجود، خواه با فراهم ساختن مدارک تازه یا داده‌های الحاقی از طریق جمع‌آوری اسناد)؛
- به هنگام کار جمع‌آوری اسناد و مدارک، باید راه و کاری پیش‌بینی شود تا فعالان و مدافعان حقوق بشر بتوانند ارزیابی کنند که این اسناد در سطح محلی در کجا به کارشان خواهد آمد.

عایشه امام و نیرا یوال- دیویس، خاطرنشان کرده‌اند: «... زنان کنشگرا تا چه اندازه نیازمند آنند که در کار با سازمان ملل متحد و سایر نهادهای بین‌المللی حمایت از حقوق بشر درگیر شوند. درست است که این نهادها تربیون‌های پراهمیتی هستند، اما با این حال نباید خود جمع‌آوری اسناد به جای اینکه چون وسیله ای لازم برای نیل به هدفی مشخص در نظر گرفته شود، خود تبدیل به یک هدف شده و بت‌گونه پرستیده شود. به علاوه، نباید اجازه داد که این فعالیت‌ها، همه منابع و نیروی پایه‌های جنبش را به خود اختصاص دهد.»

Introduction, Warning Signs of Fundamentalisms, Femmes sous lois musulmanes, décembre 2004.

لازم به یادآوری است که جمع‌آوری داده‌ها و مدارک و شواهد خوانا با معیارهای بین‌المللی (و بنابراین قابل استفاده برای لابی‌گری در سازمان ملل) کار بسیار دقیق و ظریفی است که نیاز به صرف زحمت و وقت بسیاری دارد. به همین دلیل است که برخی از فعالان و مدافعان حقوق بشر، تردید دارند که در این راه گام نهند و این کار را که به هر حال باید بشود، انجام دهند.

دو مسئله دیگر هم وجود دارد که نباید فراموش شود:

نخست، استراتژیها را نباید جدا از هم و به صورت منفرد در نظر داشت. در حقیقت، هیچ تضمینی وجود ندارد که کدامیک از رویکردها با موفقیت روبرو خواهد شد. آنچه اهمیت دارد این است که وقتی از تشکیلات سازمان ملل متحد استفاده می‌شود، هدف همواره بهبود وضعیت زندگی زنان است. از همین روست که استراتژی‌هایی که در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای یا محلی دنبال می‌شوند، گرچه نیازمند تلاش‌های یکسانی نیستند، اما همیشه در پیوند با یکدیگرند.

دوم آنکه، باید در نظر داشت که استراتژی‌ها مختلف الزاماً منافی و یا مغایر با یکدیگر نیستند بلکه مکمل هم می‌باشند. این امر صحت دارد چه بحث در به حقوق بشر زنان به طور اعم یا به یک موضوع به طور اخص بپردازد. فعالان و مدافعان حقوق بشر مناطق مختلف که در سال ۱۹۹۹ گرد هم آمده بودند تا درباره «جنایات ناموسی» بحث کنند، نیز به همین نتیجه رسیدند:

نقض حقوقی چون «جنایات ناموسی»، ما را به اندیشیدن درباره خصلت محدود رویکرد کنشگران «استاندارد» (مبتنی بر قوانین بین‌المللی حقوق بشر) فرامی‌خواند، زمانی که می‌خواهند این نوع خشونت را از میان بردارند. رویکرد متمرکز بر حقوق بشر باید انواع تلاش‌های دیگر را تکمیل کند و نه این که آن‌ها را به مخاطره افکند، و باید ضرورت (و درستی) استفاده از رویکردهای مکمل را در نظر گیرد. بازنگری این رویکردها با نگاهی نقادانه، در بسیاری از جوامعی که فعالان حقوق بشر مبارزه می‌کنند، مستلزم آن است که دست کم، برخی اصول (چون خودمختاری جنسیتی یا گزینش همسر یا انتخاب شیوه زندگی) بتوانند به عنوان مفاهیم مکمل تازه‌ای مطرح شوند. انکار موجودیت این نوع واقعیت اجتماعی، می‌تواند کارآمدی نهادهای مدافع حقوق بشر و سازمان‌های زنان را به مخاطره افکند.³⁰

می‌توان علاوه بر پذیرفتن استراتژی‌های مکمل هم، رویکردهای مختلف را با هم ترکیب کرد و در مراحل گوناگون به کار گرفت. کمپین علیه «جنایات ناموسی» که در اردن سازمان داده شد، نمونه خوبی در این زمینه به دست می‌دهد. هدف یگانه این کمپین، لغو دو ماده از آئین کیفری بود. ماده ۳۴۰ (که عاملان این نوع جنایت را از پیگرد قضایی معاف می‌کند) و ماده ۹۸ (مجازات‌های محکومان را کاهش می‌دهد). این کمپین چندین استراتژی را با هم به پیش برد:

³⁰ - CIMEL/Interights, Roudtable on Strategies to Address "Crimes of Honor" – Summary Report, Femmes sous lois musulmanes, Occasional Paper N° 12, novembre 2001, p. 22.

الف) ترغیب مطبوعات به سخن گفتن از این مسئله؛
 ب) تلاش برای بسیج جماعت (community) و کل جامعه مدنی- برای بیانیه‌ای که خواستار لایحه قانونی نوینی شده بود، ۱۳ هزار امضا جمع‌آوری شد؛
 پ) واداشتن رهبران مذهبی و فرهیختگان بانفوذ به اینکه این جنایات را به طور علنی، همچون اقدامی ضداسلامی محکوم کنند؛
 ت) تلاش در جهت به کار گرفتن اشخاص بانفوذ در کمپین.

از آنجا که کارها در سطح کشور، به کندی پیش می‌رفت، کنشگران اردنی تلاش خود را با مبارزات کنشگران مناطق دیگری که از سال ۱۹۹۸ در سازمان ملل متحد، در مورد «جنایات ناموسی» اعمال فشار می‌کردند پیوند زدند. سرانجام مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۴، قطعنامه‌ای زیر عنوان «اقداماتی که باید برای از میان بردن "جنایات ناموسی" علیه زنان و دختران صورت گیرد» به تصویب رساند (A/RES/59/165). این پیروزی نشان می‌دهد که شبکه‌سازی بین‌المللی تا چه اندازه نتیجه‌بخش است. به علاوه نشان می‌دهد که چگونه تلاش‌هایی که در سطح محلی صورت گرفته است، در نظام سازمان ملل متحد تأثیر می‌گذارند، و در مقابل، نهادهای محلی چگونه می‌توانند از ابزارهای مربوط به حقوق بشر و تصمیماتی که نهادهای بین‌المللی اتخاذ می‌کنند، استفاده نمایند.

توجه به تأثیر گوناگونی زمینه‌ها و رویکردهای سیاسی هنگام اتخاذ تدابیر

تجربه به ما می‌آموزد که می‌توان ایده‌ها، رهیافت‌ها یا تدابیر به کار رفته در جاهای دیگر را به وام گرفت و از آن‌ها آموخت. فعالان و مدافعان حقوق بشر که عوامل مساعد و موانع کار در شرایط معین را بهتر می‌شناسند، برای این که استراتژی‌های خود را بر آن اساس هماهنگ سازند، از جایگاه مناسبی برخوردارند. به هنگام تدوین استراتژی‌ها، هرگز نباید به اهمیت زمینه محلی کم بها داد. بدین ترتیب، شاهد آنیم که تشکل‌های زنان که در یک منطقه مبارزه میکنند، برحسب منابعی که در اختیار دارند، پایگاه‌شان، هدف‌های سیاسی‌شان و غیره، استراتژی‌های گوناگونی برمی‌گزینند.

در برخی شرایط فعالان و مدافعان حقوق بشر، به عنوان مثال، تشخیص می‌دهند که اوضاع برای در پیش گرفتن یک رهیافت حقوقی مناسب نیست، چرا که نگران آنند که این نوع مطالبات، حتماً به شکست یا به برانگیختن واکنشی شدید یا سرکوب خواهد انجامید.

در این جا به پرسش‌هایی اشاره می‌کنیم که بهتر است پیش از تعیین استراتژی مناسب برای گرفتن بهترین نتایج، در نظر گرفته شوند:

- آیا قانون اساسی یا آئین مدنی و کیفری از حقوق شهروندان حمایت می‌کند؟
- آیا قانون اساسی، احکام دینی را به رسمیت می‌شناسد یا بر جدایی دین از حکومت استوار است؟
- آیا حقوق اقلیت‌ها به رسمیت شناخته شده است؟
- در قوانین کشور چه موادی به خشونت علیه زنان پرداخته است؟

- کمبودهای قوانین کشوری در این زمینه، کدامها هستند؟
- اگر قانون اساسی، برابری جنسی را تضمین کرده است، آیا قوانینی در مخالفت با آن وجود دارد؟
- آگاهی از حقوق بنیادین بشر، امری رایج است یا به اقلیتی از نخبگان محدود می‌شود؟
- آیا می‌توان از حقوق بشر سخن گفت، بی‌آنکه مخالفتی برانگیخت؟
- آیا سنت مبارزات فمینیستی در محل وجود دارد؟ مثال: جنبشی که از مبارزه ضداستعماری برآمده باشد؟
- آیا جنبش، یا جنبش‌های زنان، در عرصه سیاسی شناخته شده است؟
- آیا جنبش ظرفیت کافی برای بسیج دارد؟
- آیا شبکه‌هایی که به طور خاص، با خشونت علیه زنان مبارزه کند وجود دارند؟
- آیا کنشگران محلی می‌توانند روی جنبش فمینیستی جهانی و سازمان‌های محلی زنان حساب کنند؟
- آیا وضعیت سیاسی کنونی، برای طرح خواست‌های زنان مساعد است یا خیر؟
- آیا در کشور رویدادهایی در جریان است یا خواهد بود که زنان بتوانند از آن بهره گیرند؟ مثال: سرنگونی يك ديكتاتور، پایان جنگ، انتخابات سراسری، گزارش دولت به کمیته کنوانسیون رفع خشونت علیه زنان، و غیره.
- نیرو و نفوذ گروه‌های مذهبی، سنت‌گرا و فرهنگی، چه میزان است؟ در کجا اعمال نفوذ آنان در قوانین و سیاست‌ها به حقوق زنان لطمه می‌زند؟
- آیا امکان دارد که فعالیت یا کمپین، پاتک يك بخش خاصی را برانگیزد؟
- آیا امکان این هست که جریان‌های سیاسی، چارچوب و گفتمان حقوق بشر را آلت دستی برای نیل به اهداف سیاسی‌شان قرار دهند، کاری که ممکن است به شکست استراتژی بینجامد؟

قدرت جنبش‌های محلی زنان به هنگام سنجش اینکه آیا مطرح ساختن حقوق بشر و چگونگی آن مفید است یا خیر، يك عامل کلیدی است. اغلب، زمانی که جنبش حقوق زنان گام‌های نخستین خود را برمی‌دارد یا کنشگران با جنبش جهانی فمینیست رابطه‌ای ندارند، تلاش‌های انجام یافته در عرصه کشوری، به اموری چون آموزش و بهداشت محدود می‌شوند. بدین ترتیب، بحث‌های عمومی بر مسائل مربوط به توسعه متمرکز می‌شوند، بدون آنکه به اصول مربوط به برخورداری زنان از حقوق بشر، به همان صورتی که مردان دارند، استناد شود. برای مثال، درست بر سر همین مسئله استراتژیک بود که جنبش زنان علیه قطع اعضای تناسلی (FGM) در افریقا متلاشی گردید. بسیاری از کنشگران از به پرسش کشیدن ساختارهای قدرت خودداری کردند و بنابراین نتوانستند مسئله FGM را در بستر يك تحلیل وسیع‌تر از نابرابری‌های اجتماعی بگنجانند. کنشگران دیگر، رهیافتی حقوقی در پیش گرفتند، اما خود را در این راه تنها یافتند.

اگر بخواهیم چرخه قدرت، یعنی منبع انواع سرکوب را نشان دهیم، ایجاد ائتلاف‌ها با جنبش‌های دیگر نیز مفید است. در جوامعی که خشونت علیه زنان با تکیه بر قانون و آداب و رسوم رواج دارد (همچون «جنایات ناموسی» یا ازدواج به زور)، این ائتلاف‌ها به ویژه کارساز است. بسیار مهم است که هدف‌های مشخص و عملی را نیز برای خود تعیین کرد و میان هدف‌های دست‌یافتنی در کوتاه‌مدت و دراز مدت، تمایز گذاشت. اغلب، بافتار محلی است که تعیین می‌کند چه کاری

امکان‌پذیر است، کدامیک بجاست، کدام مفید است و چه کسانی می‌توانند از این یا آن استراتژی، سود ببرند.

جمع‌آوری مدارك و شواهد برای تهیه اسناد

کار تهیه اسناد، در سه مرحله انجام می‌گیرد: مراقبت، مستند ساختن و اقدام. کنشگران باید در آغاز برخی پرسش‌ها را در مقابل خود بگذارند و جنبه سیاسی کار تهیه اسناد را هرگز از یاد نبرند. در واقع، وقتی نتیجه کار در اختیار عموم قرار می‌گیرد، امکان دارد که توسط دست‌اندرکاران دیگر، به گونه متفاوتی جلوه داده شود. این نیز امکان دارد که اسناد و مدارك جمع‌آوری شده، از روی بی‌توجهی در خدمت منافع و هدف گروه‌ها یا اشخاصی قرار گیرد که کاری به بهبود وضعیت زنان ندارند.

بنابراین پیش از آغاز کار جمع‌آوری مدارك و شواهد، باید برخی مسائل را روشن ساخت. پرسش‌های کلی که در اینجا لازم است مطرح شوند:

- هدف جمع‌آوری مدارك و شواهد چیست؟
- می‌خواهیم نتایج کار را به چه کسانی و یا به کجا ارائه دهیم؟
- این پروژه چه مقدار کار می‌برد و آیا امکانات لازم را داریم؟
- تأثیرات و نتایج مورد نظر ما کدام هستند؟
- آیا این پروژه خطراتی دارد، و اگر آری، این خطرها کدام‌اند (از قبیل: برانگیختن حرکت مخالف با آن، تحریک رسانه‌ها، خطر گریزاندن جماعت محلی از خود)؟

مستند ساختن موارد نقض حقوق برای استفاده در سطح بین المللی

دو ساز و کار اصلی سیستم سازمان ملل متحد که می‌توان موارد نقض حقوق زنان را به آنها اطلاع داد، عبارت‌اند از کمیته کنوانسیون رفع خشونت علیه زنان، بر طبق پروتکل اختیاری (نیویورک) و گزارشگر ویژه درباره خشونت علیه زنان که متعلق به دادرسی ویژه با وظیفه خاص است. کمیته حقوق بشر بر طبق پروتکل اختیاری، و کمیسیون وضعیت زنان، می‌توانند به دعاوی یا شکایات رسیدگی کنند.

شکایاتی که به دفتر واکنش سریع، احاله می‌شوند

دفتر واکنش سریع (وابسته به بخش دادرسی‌های ویژه کمیساریای عالی حقوق بشر)، ادعاهای نقض حقوق بشر، به ویژه مواردی را که به گزارشگران ویژه، گروه‌های کار، نمایندگان ویژه دبیر کل یا به کارشناسان مستقل ارجاع شده است، به مجاری مربوطه هدایت می‌کند.³¹

³¹ - متن کامل گزارش‌های دادرسی‌های ویژه را برحسب موضوع می‌توان در سایت دفتر کمیساریای عالی یافت: www.ohchr.org

دفتر واکنش سریع

بر طبق دستورالعمل دفتر واکنش سریع، حداقل اطلاعاتی که باید برای تنظیم شکوائیه فراهم کرد تا قابل رسیدگی باشد، از این قرار است:

- هویت قربانی یا قربانیان مورد ادعا؛
- احراز هویت شخص یا اشخاص، یا نهادی که شکوائیه را تسلیم می‌کند (این اطلاعات محرمانه می‌مانند)؛
- تاریخ و محل حادثه؛
- توصیف مشروح وضعیتی که نقض حقوق مورد ادعا صورت گرفته است؛

گزارشگر مربوطه می‌تواند اطلاعات بیشتری درباره نقض حقوق مورد نظر طلب کند (از قبیل: محلی که قربانی دستگیر شده، یا بازداشت بوده، گواهی پزشکی، هویت شاهدان، چگونگی اقدامات تنبیهی در منطقه، و غیره).

شکوائیه را می‌توان از راه‌های زیر به دفتر واکنش سریع رسانید: فاکس: 41229179006، با ایمیل: urgent-action@ohchr.org یا از راه پست، به آدرس:

OHCHR-UNOG

8-14 Avenue de la Paix, 1211

Genève 10; Suisse

اگر شکوائیه نیازمند واکنشی سریع نیست، می‌توان آن را به صورت نامه، به یکی از دادرسی‌های ویژه ارسال داشت. با وجود این، گزارشگر ویژه درباره خشونت علیه زنان- علل و پیامدها، است که به طور عمده به خشونت علیه زنان و مسائل مربوط به آن می‌پردازد. ضمیمه ۴ فرم شکایت را می‌توان از سایت کمیساریای عالی حقوق بشر دریافت کرد: www.unhcr.ch/html/menu2/7/b/women/womform.htm

دفتر واکنش سریع از کنشگران و مدافعان حقوق زنان دعوت کرده است که از طریق دادرسی‌های ویژه، به بهبود در امر رسیدگی به ادعاهای نقض حقوق زنان یاری برسانند. این دفتر، ابراز نگرانی کرده که شکایت‌های رسیده به ندرت مربوط به زنان بوده است و در سال ۲۰۰۴، فقط ۱۰ درصد از اشخاص مورد نظر در فراخوان‌های اضطراری و ادعاهای کتبی، زنان بوده‌اند و در بسیاری موارد، جنسیت قربانی یا قربانیان مشخص نشده است. دفتر واکنش سریع چنین نتیجه گرفت که «در پرتو آمار و با علم به اینکه ما هم براین عقیده‌ایم که اعلام کردن نقض حقوق زنان همچون اعلام کردن نقض حقوق مردان ضرورت دارد، بنابراین شکوائیه‌ها مسلماً باید به ویژگی جنسیتی بیشتر توجه کنند».

شکوائیه‌هایی که به کمیته کمیسیون رفع هرگونه خشونت علیه زنان ارجاع می‌شوند

نشست کمیته کمیسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، سالی دو بار به مدت سه هفته برگزار می‌شود (معمولاً در ماه ژانویه و ژوئن) و به گزارش‌های ارائه شده توسط کشورهای عضو رسیدگی می‌کند. طبق مفاد پروتکل اختیاری، برای تسلیم شکوائیه فردی به کشورهای عضو،

رهنمودهای چندی وجود دارد که مراحل بعدی کار را توضیح می‌دهند.³² پروتکل اختیاری حقوق نوینی نمی‌آفریند، بلکه ساز و کار نوینی به وجود می‌آورد تا کاربست قوانینی که کشورها با امضای این کنوانسیون یا پیوستن به آن به اجرا می‌گذارند یا موظف به اجرای آنند، پیگیری شود.

فرم مخصوص کمیته را در ضمیمه شماره 3 می‌توان یافت. به علاوه از آدرس زیر قابل دریافت است:
www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/

شکوائیه‌های خطاب به کمیته حقوق بشر

کمیته حقوق بشر، شکوائیه‌های کتبی را که توسط مدعیان نقض مفاد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی درباره برابری زن و مرد (ماده ۲۶) تسلیم شده است، مورد بررسی قرار می‌دهد. پروتکل اختیاری با تکیه بر این میثاق، نسبت به دادرسی در مورد این شکایات اقدام می‌کند. این دادرسی فقط در مورد کشورهایی صادق است که پروتکل را امضا کرده یا بدان پیوسته‌اند. شکوائیه‌ها باید توسط قربانی ادعا کننده و یا شخصی که توسط قربانی به عنوان نماینده تعیین شده، تسلیم گردد. کمیته برای بررسی يك شکوائیه باید اطمینان حاصل کند که «يك نهاد دیگر بین‌المللی تحقیق یا حل و فصل، در حال بررسی این مورد نیست».

برای پر کردن فرم به آدرس زیر مراجعه کنید:
www.unhcr.ch/html/menu6/2/annex.1.pdf

شکوائیه‌های خطاب به کمیسیون وضعیت زنان

کمیسیون وضعیت زنان هر سال دو بار نشست دارد و می‌تواند شکوائیه‌های اشخاص یا گروهی از اشخاص را که از اعمال تبعیض علیه زنان شکایت دارند، دریافت کند. با وجود این، کمیسیون صلاحیت اقدام در مورد شکایات فردی رسیده را ندارد.

اطلاعات مربوطه را می‌توان به آدرس زیر ارسال داشت:
Division for the Advancement of Women
Department of Economic and Social Affairs
United Nations Secretariat
2 United Nations Plaza, DC-2/12th Floor
New York, NY 10017
United States

³² - برای نمونه نگاه کنید به دستورالعمل "براساس کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان (۲۰۰۰)، گزارش‌های درخواستی را چگونه باید تنظیم کرد"، که توسط دبیرخانه کامنولث و le réseau International Women's Rights Action Watch (IWRAP) تهیه شده است.

تهیه گزارش موازی

کشورهایی که يك معاهده حقوق بشر را امضا کرده یا بدان پیوسته‌اند، موظف‌اند هر از چندی گزارشی را به نهادی که مأمور پیگیری و اجرای آن معاهده است، ارائه دهند. در گزارشی که به کمیته کنوانسیون رفع تبعیض داده می‌شود، کشورها اغلب مایل‌اند که تابلوی زیبا و دلنوازی از وضعیت زنان را در سرزمین خود به نمایش بگذارند. بنابراین، سازمان‌های غیردولتی می‌توانند با جمع‌آوری اطلاعات، تصویر نزدیک‌تر به واقعیت را به کمیته گزارش دهند، که اغلب «گزارش موازی» یا «ضد گزارش» خوانده می‌شود. این گزارش‌ها، به ویژه به اقدامات یا کوتاهی دولت‌ها، و نه عوامل غیردولتی، در بهبود وضعیت زنان مربوط می‌شود. با این حال، می‌توانند ناتوانی دولت‌ها را در محافظت از زنان در مقابل خشونت عوامل غیردولتی، افشا کنند. افزون بر این، گروه‌های زنان معمولاً با چاپ گزارش‌های موازی، اطلاعات و توصیه‌های خود را در سطح وسیعی منتشر می‌کنند.

گزارش‌های موازی را می‌توان به نشانی زیر ارسال نمود:

Shadow reports may be submitted to the Committee:
c/o Division for the Advancement of Women
Department of Economic and Social Affairs
United Nations Secretariat
2 United Nations Plaza, DC-2/12th Floor
New York, NY 10017
United States

درباره نحوه تنظیم و ارائه گزارش‌های موازی، راهنماها و خودآموزهایی نیز برای کنشگران و مدافعان حقوق بشر موجود است. به عنوان مثال نگاه کنید به:

(a) Women's Rights Advocacy Programme of International Human Rights Law Group & the Network of East-West Women, *Shadowing the States — Guidelines for Preparing Shadow Reports as Alternatives to State Reports Under International Human Rights Treaties*, July 1997;

(b) International Women's Rights Action Watch (IWRAP), *Producing Shadow Reports to CEDAW: A Procedural Guide*, 2003.

اغلب سازمان‌های غیردولتی و محلی زنان، به نیروی خود کم بها می‌دهند و از توان خود به اندازه کافی استفاده نمی‌کنند. حضور این سازمان‌ها و ایده‌ها در صحنه جهانی، بر افکار عمومی تأثیر می‌گذارند. [...] تهیه اطلاعات از منابع مستقل درباره وضعیت زنان و اقدامات دولت‌های امضا کننده کنوانسیون در اجرای مصوبات آن، [اهمیت اساسی دارد]. تشویق نهادهای غیردولتی و کنشگران فعال در سطح محلی و کشوری به مشارکت بیشتر، در روند آماده ساختن و بررسی گزارش‌ها [نیز بسیار مهم است].

International Women's Rights Action Watch IRAW
to CEDAW Country Reports, octobre 1995.

مستند کردن نقض حقوق جهت اقدام در سطح کشور

نوع داده‌ها و اطلاعات به منظور تهیه اسناد در سطح کشوری، به اقدام مورد نظر بستگی دارد: ممکن است که اطلاعات جمع‌آوری شده، در این یا آن مورد به کار آید، اما در شرایطی دیگر، باید اطلاعات بس و ویژه‌ای گردآوری شود و به شکل دقیق ارائه گردد.

اطلاعات مورد نیاز برای آماده کردن زمینه يك اقدام قضایی

تدارك مقدمات يك اقدام در دادگاه‌ها، به قوانین داخلی و نوع دستگاه قضایی موجود بستگی دارد. اما به هر حال، باید برخی اطلاعات اساسی تهیه شود:

- هویت قربانی و مشخصات فرد (تاریخ و محل تولد، تابعیت، و غیره)؛
- اطلاعات دقیق در مورد چگونگی تماس با قربانی؛
- زمان دقیق و محلی که جرم یا نقض حقوق روی داده است؛
- ماهیت جرم؛
- تعریف جرم در قانون؛
- مواد قابل شمول (در قوانین داخلی و در صورت مقتضی، معاهده‌های بین‌المللی)؛
- مدارك پزشکی یا گواهی، یا هر دو، که توسط پزشکان صادر شده است.

اطلاعات مورد نیاز برای تدارك يك کمپین

به طور کلی، برای برپایی يك کمپین، الزاماً نیازی به داده‌های خیلی خاص نیست، اگرچه در برخی موارد، داده‌های بسیار دقیقی مورد نیاز است. اگر مسئله آشکار کردن يك یا چند مورد برای نشان دادن کیفیت موارد نقض حقوق باشد، نیاز به کار وسیعی برای جمع‌آوری اسناد نیست. برای نمونه، يك کمپین آگاه‌سازی می‌تواند با ملاحظات ساده‌ای آغاز شود. مثل: «جنایت ناموسی [در

کشور]، سالانه حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ مورد برآورد شده است»، یا «۸۰ درصد از خشونت‌ها در کشور، خشونت بین همسری است». اما در مقابل، نباید فراموش کرد که کمپین‌ها باید بر داده‌های قابل بررسی و تحقیقاتی دقیق تکیه کنند. اگر به داده‌های بسیار کلی یا حکایت‌گونه بسنده کنیم، امکان دارد که اقدام مورد نظر بی‌اعتبار شود و خواسته‌های مهم، ناخواسته به خطر افتد.

پیش از به راه انداختن کمپین، باید عوامل چندی را وارسید و تصمیم‌هایی گرفت:

- مشخص کردن و تعریف مسئله‌ای که قرار است در سطح عمومی مطرح شود.
- مطالعه و بررسی بافتاری که در آن، کمپین به راه خواهد افتاد:
- عواملی که می‌توانند در درون و بیرون تشکیلات، بر رسیدن به هدف کلی تأثیرگذار باشند؛
- متحدان بالقوه؛
- منشاء بالقوه مقاومت در مقابل کمپین و پیام اش.
- اشخاص و نهادهایی که باید بر روی آن‌ها کار کرد تا کمپین موفق باشد.
- تعیین اهداف مشخص:
- اصلاحات قانونی؛
- تغییرات و اصلاحات مطلوب در جماعت [جامعه] (community) مورد نظر.
- مرحله‌ای که باید برای رسیدن به هدف کلی پیموده شود؛
- زمان‌بندی کمپین.
- تدقیق استراتژی مطلوب:
- همکاران کمپین؛
- موانع راه و چگونگی پشت سر گذاشتن آن‌ها.
- در نظر گرفتن فعالیت‌های خاصی چون:
- تشکیل کارگاه‌های آموزشی، نشست‌های عمومی، تظاهرات خاموش؛
- تهیه اعلامیه، دفترچه راهنما و اعلان؛
- نوشتن و به صحنه آوردن نمایشنامه؛
- انتشار مقالات در نشریات یا تهیه برنامه رادیویی، و غیره.

زمانی که کمپین به پایان می‌رسد، تهیه يك بیان و درس‌آموختن از آن ضرورت قطعی دارد. مسائلی که از جمله باید برآورد نمود:

- ابعاد مثبت کار چه بود؟
- چه چیزهایی مسئله‌آفرین بودند؟
- آیا با موانع غیرمنتظره‌ای مواجه شدیم؟ چرا آن‌ها را پیش‌بینی نکرده بودیم؟
- آیا شبکه‌سازی کارآمد بود؟ به چه دلیل؟
- آیا متحدان تازه‌ای در جهت اهداف خویش یافتیم؟ چه کمکی به ما کردند؟
- در کمپین احتمالی آینده، آیا باید به شیوه دیگری برنامه‌ریزی کرد و به پیش برد؟

برگزیدن يك روش

ابعاد کلی

عواملی که باید برای جمع‌آوری مدارك و شواهد در نظر گرفت، عبارتند از:

- انجام کارهای مقدماتی برای آشنایی با مسئله‌ای که می‌خواهیم بر روی آن کار کنیم؛
- گذراندن دوره آموزشی برای کسب صلاحیت در عرصه‌هایی چون انجام مصاحبه، تحقیقات حقوقی یا جمع‌آوری داده‌ها. برای این کار، می‌توان با مشورت کردن با کنشگران باتجربه آغاز کرد و با آنان درباره کارهایی که قصد انجام‌شان را داریم صحبت کرد.
- گزینش «اسناد لازم [حقوق بشری]» که می‌خواهیم از آن‌ها استفاده کنیم، به ما امکان می‌دهد که به تجارب ویژه زنان توجه کنیم و آن را در کارمان منعکس گردانیم؛
- منابع اطلاعاتی را که کمپین بر آن‌ها استوار شده، مشخص کنیم (مصاحبه، جستجو در رویه‌های قضایی، و غیره.) و از قابل دسترس بودن آن‌ها اطمینان حاصل کنیم؛
- امکانات مورد نیاز را پیش‌بینی کنیم (نیروی انسانی، مالی- ساعات کار لازم، هزینه استخدام مترجم، دستگاه‌های ضبط)؛
- پیش‌بینی امکانات تدارکاتی (با در نظر گرفتن راحل‌های جایگزین برای مقابله با مشکلات احتمالی)؛
- در صورت لزوم، پیش‌بینی تدابیر امنیتی.

اصول کلی

یکی از مشکلات کار مبارزه، انتخاب موضوعی است که کار حول آن صورت خواهد گرفت و تعیین اولویت‌هاست براساس اهمیت «استراتژیک» آن‌ها در میدان عمل. بدین ترتیب، مسئله‌ای که به یکسان اهمیت دارد، می‌تواند در مرتبه بعدی اهمیت قرار گیرد. در برخی مواقع، انتخاب، دشوار است، اما باید اذعان داشت که يك کمپین یا يك اقدام، همواره نمی‌تواند همه چیز را در بر بگیرد.

عوامل اصلی که می‌توانند بر انتخاب ما تأثیرگذار باشند، از این قرار است:

- امنیت اشخاص شهادت دهنده یا خود قربانی؛
- قواعد اخلاقی و احترام به شخص شاهد یا خود قربانی؛
- رازداری؛
- باریک‌بینی و دقت؛
- کوشش برای پرهیز از هیجان‌آفرینی؛
- توجه به پرهیز از کلیشه‌سازی و تعمیم دادن؛
- خطر ابزار دست دیگران شدن، به ویژه هنگام کار با رسانه‌ها، اما امکان بهره‌برداری جریان‌های سیاسی نیز وجود دارد که اهداف دیگر یا متضادی دارند.

جدول شماره ۳ : ملاحظات کلیدی

<p>به هنگام جمع‌آوری اسناد و مدارک نقض حقوق بشر، حفظ امنیت يك اولویت است. از آنجا که انتقام‌جویی امری رایج است (از سوی خانواده یا جماعت)، باید مطلقاً راه‌هایی برای محافظت از قربانیان – و اعضای گروه تحقیق- پیدا کرد. منافع بازماندگان خشونت، از اولویت برخوردار است، و باید به آنان گفت که با ادای شهادت، در معرض خطر خواهند بود.</p>	<p>امنیت</p>
<p>باید دقت نمود که در جریان جمع‌آوری اسناد و شواهد، قربانی یک بار دیگر قربانی نشود. باید از سئوالات بیهوده یا مصاحبه‌های نامشخص پرهیز کرد. باید به خواست‌های بازمانده (یا قربانی) احترام گذاشت که الزاماً با اهداف تعیین شده کنشگران هماهنگ نیست. مثل مستند کردن يك مورد مشخص نقض حقوق برای پیگیری قضایی که ممکن است به پیشبرد حقوق زنان بینجامد. ادای شهادت یا شرکت در آئین دادرسی می‌تواند بار بسیار سنگینی بر دوش قربانی بگذارد. به خاطر اینکه يك مورد مشخص منجر به يك رویه قضایی می‌شود و می‌تواند در خدمت سایرین قرارگیرد، نباید بی‌توجهی کرد و منافع قربانیان را به فراموشی سپرد. بنابراین باید تمایل قربانی را مبنی بر خودداری از مراجعه به دادگاه و گشایش پرونده، به رسمیت شناخت و آن را پذیرفت.</p>	<p>قواعد اخلاقی و احترام</p>

<p>احترام به يك زنی که می‌پذیرد با يك گروه تحقیق دیدار کند و از آنچه که بر سرش رفته است سخن بگوید، رازداری قرص و محکمی می‌طلبد. تنها در صورتی می‌توان اطلاعات را فاش ساخت که برای ادامه کار دادرسی لازم بوده و به شرط اینکه آن زن موافقت خود را اعلام کرده باشد.</p>	<p>رازداری</p>
<p>دقت به هنگام جمع‌آوری اسناد و شواهد، امری ناگزیر است. و این، زمانی که قربانی به زبانی که شهادت می‌دهد مسلط نیست یا به زبان مصاحبه‌گر سخن نمی‌گوید، اهمیت به مراتب بیشتری دارد. وقتی مسئله زبان مشکل است یا مشکل خواهد شد، استخدام يك مترجم آموزش دیده درباره خشونت علیه زنان، اهمیت بسزایی دارد.</p>	<p>باریک‌بینی و دقت</p>
<p>هیجان‌آفرینی رسانه‌ها می‌تواند توجه افکار عمومی و مجریان قانون را از نقض حقوق صورت گرفته منحرف گرداند. ازدواج به زور و «جنایات ناموسی» که از مدت‌ها پیش در اروپا نادیده گرفته می‌شد، امروز به «موضوعی مُد روز بدل شده اند. اگر این جنایات به ناگزیر، به آگاهی مردم رسانده می‌شد، اما شیوه کار طوری بود که ماهیت واقعی آن در پرده می‌ماند. در واقع این امر که ازدواج‌های اجباری، می‌تواند شامل آدم‌ربایی، حبس غیرقانونی، تعرض، تجاوز و محروم ساختن زنان از حق اعلام توافق نیز شود، تقریباً به سکوت برگزار می‌شد. طبقه‌بندی همه این تخطی‌ها زیر عنوان ازدواج به زور، از وخامت نقض حقوق می‌کاهد و پیگیری دادرسی</p>	<p>هیجان‌آفرینی</p>

<p>در مورد نقض حقوقی که واقعاً صورت گرفته اند، دشوارتر می‌شود. به همین ترتیب، زمانی که «جنایات ناموسی» به مرگ يك زن می‌انجامد، باید همچون يك قتل در نظر گرفته شود، به طوری که نشان داده شود که چنین اعمالی از نظر حقوقی، توجیه‌ناپذیر است.</p>	
<p>اگر برخی اشکال خشونت در میان جماعات رایج‌تر از بقیه است، با وجود این، زنان در کلیه جوامع در معرض این یا آن شکل خشونت قرار دارند. برای نمونه، اگر خشونت بین همسری در میان قشر فرهنگی خاصی فراوان است، دلیلی ندارد که نوع خاصی از نقض حقوق را (همچون ازدواج به زور یا قطع عضو تناسلی)، به يك جماعت خاص منتسب کنیم، و آن را به خشونتی که زنان در همه جا متحمل می‌شوند، مرتبط ندانیم. ندیدن این نوع رابطه، ممکن است به نژادپرستی یا گرایش‌های نژادپرستانه كمک کند. برای مثال، زنان جوامع مسلمان، تقریباً همیشه یادآور زنانی مطیع، ناتوان و برده اند.</p>	<p>کلیشه‌ها</p>
<p>در مورد چگونگی معرفی قربانی و تعریف جنایت باید توجه و دقت زیاد کرد. مستند کردن یک جنایت می‌تواند از طرفی به آماده نمودن یک پرونده حقوقی کمک کند، و از طرف دیگر، می‌توان با در نظر گرفتن استراتژی‌های دیگر این کار را انجام داد. فعالان هنگام مستند کردن واقعه باید با نگاهی دقیق و نفاذانه در مورد چگونگی توصیف قربانیان و جنایاتی که متحمل شده اند، فکر و تصمیم‌گیری کنند. هرگونه کوتاهی در این امر ممکن است به تقویت کلیشه‌های جنسیتی، طبقاتی، یا نژادی بینجامد. در صورتی که دقت در این مورد می‌تواند در عین حال به مبارزه علیه کلیشه‌ها کمک کند.</p>	<p>خطر ابزار دست دیگران شدن</p>

چنان که مشاهده شد، کار جمع‌آوری اسناد و شواهد، نیاز به تصمیم‌گیری‌هایی دارد که سرانجام می‌توانند ابعادی سیاسی به خود بگیرند. همان‌طور که لین فریدمن می‌گوید:

زمانی که می‌خواهیم موردی از خشونت را افشا و محکوم کنیم، آنچه که باید به خوبی فهمیده شود این است که گزینه‌هایی را در مقابل خود بگذاریم و توان انجامش را داشته باشیم که در خدمت کلی‌ترین اهداف ما قرار بگیرند. بنابراین، توجه به تصویری که از «قربانی»، از جامعه او، و نیز چگونگی تعریف ماهیت جرم ارائه خواهیم کرد، اهمیت بسزایی دارد.

کاربرد ترمیمی داده‌ها و شواهد و اسناد

در این قسمت، به یاری نمونه‌ها نشان داده می‌شود که کنشگران و مدافعان حقوق بشر چگونه می‌توانند از اسناد و مدارك گردآمده برای دادرسی و جبران خسارت نقض حقوق توسط عوامل

غیردولتی در کلیه سطوح، استفاده کنند و استفاده می‌کنند. این نمونه‌ها، رهیافت‌های حقوقی رسمی و نیز کمپین‌های دفاع از حقوق را در بیرون از حوزه قضایی دربر می‌گیرند.³³

در سطح بین‌المللی

از همان آغاز باید مسئله‌ای را که می‌خواهیم بدان بپردازیم، هدف مورد نظر و تلاش‌های لازم برای رسیدن به آن را روشن سازیم. افزون بر آن، دست کم باید برآوردی از متحدان بالقوه داشته باشیم و هدف‌هایی مشخص و عملی در مقابل خود قرار دهیم.

مراحل برنامه‌ریزی برای يك کمپین یا اقداماتی از نوع دیگر، از این قرار است:

- واریسی تعهداتی که دولت به عهده گرفته است، مثل:
 - معاهدات بزرگ بین‌المللی (کنوانسیون رفع تبعیض، کنوانسیون علیه خشونت، میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)؛
 - سایر موافقت‌نامه‌های بین‌المللی (مثل: اعلامیه و برنامه عمل وین، برنامه عمل پکن، و غیره)؛
 - اسناد منطقه‌ای (منشور آفریقایی حقوق زنان، کنوانسیون بین امریکایی، و غیره)؛
 - چارچوب قوانین داخلی (مواد مندرج در قانون اساسی، سایر قوانین ناشی از آن).
- تماس با سازمان‌های زنان کشور یا منطقه، برای دانستن اینکه به عنوان مثال:
 - آیا، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، توسط دولت یا حکومت امضا شده است؛
 - آیا قید و شرط‌هایی گذاشته‌اند، و اگر آری، کدام؛
 - آیا متعهد شده‌اند که اقدامات ویژه‌ای به عمل آورند؛
 - اگر آری، مهلت معینی برای انجام آن اقدامات تعیین کرده‌اند؟
 - آیا دولت یا حکومت، يك یا چند معاهده منطقه‌ای را امضا کرده‌اند، اگر آری، کدام؟
 - آیا معاهداتی هست که هنوز باید امضا کنند؛
- طبقه‌بندی و ثبت تعهدات ویژه‌ای که دولت در کنفرانس‌های سازمان ملل متحد به عهده گرفته است:
 - معتبرترین این تعهدات، کدام اند (خشونت، مخاصمات مسلحانه یا حقوق بشر)؟

جدول زیر توسط «تربیبون مرکز بین‌المللی زنان» تهیه شده است تا زنان را در پیگیری اقدامات دولت‌ها برای اجرای برنامه عمل پکن، یاری دهد. این می‌تواند با تمامی کمپین‌ها و استراتژی‌های حقوقی سازگار باشد.³⁴ این تابلو به کنشگران و مدافعان حقوق بشر امکان می‌دهد که تعهدات دولت را با اقداماتی که برای اجرای این تعهدات به عمل آورده‌اند، مقایسه کنند.

³³ - مصاحبه با لین فریدمن، وکیل مدافع، استاد بهداشت عمومی در دانشگاه کلمبیا و عضو سازمان «زنان تحت قوانین اسلامی».

³⁴ - International Women's Tribune Center, Postview 95, n° 6, avril 1996m p. 9.

جدول شماره ۴: پیگیری و عده‌ها و اقدامات دولتی

مشکل یا وضعیت	تعهداتی که دولت به عهده گرفته و چه زمان	تعهدات جدید یا آتی و تاریخ آن	شخص یا سازمان/ اداره مسئول پرونده	منابع تخصیص یافته	برنامه‌ها یا سیاست‌هایی که پیش از این اجرا شده‌اند	زمان‌بندی سالانه	آیا به هدف‌های تعیین شده دست یافته ایم؟
خشونت							
مخاصمه مسلحانه							
حقوق بشر							
سایر							

کارهایی که انجام دادن‌شان می‌تواند به هنگام تدارك يك کمپین یا نوع دیگری از فعالیت، سودمند باشند:

- کسب اطلاع از موضوع پرونده‌هایی که در نهادهای بین‌المللی حمایت از حقوق بشر، در دستور روز قرار دارند: بررسی مسائلی که در دستور روزند، ترتیب دادن دیدارهای آمادگی و بحث درباره این موضوع‌ها در سطح محلی و کشوری؛
- کسب اطلاع از رویدادهای مربوط به حقوق بشر که در دستور روز پیش‌بینی شده‌اند (مثل: دنبال کردن اجرای برنامه عمل پکن در مارس ۲۰۰۵ که پکن + ۱۰ نیز خوانده می‌شود)؛
- ارزیابی چگونگی مشارکت سازمان، انجمن یا اشخاص در این رویدادها؛
- کسب اطلاع از تاریخ تسلیم گزارش دولت درباره اجرای معاهده‌ای که عضو آن است (مثل: گزارش به کمیته کنوانسیون رفع تبعیض یا به کمیته حقوق بشر)؛
- آگاه شدن از موضوع‌های اولویت‌دار نشست آتی، به عنوان مثال، کمیسیون وضعیت زنان.

کنشگران و مدافعان حقوق بشر می‌توانند برای پیشبرد هدف‌های خود، به چندین نهاد سازمان ملل متحد رجوع کنند. همان‌طور که در پیش گفته شد، ممکن است با تهیه اطلاعات کلی یا اطلاعاتی

درباره وضعیت یا يك مورد خاص (شکوائیه خطاب به نهاد نظارت بر اجرای معاهده، رساندن اطلاعات به يك یا چند دادرسی ویژه کمیساریای عالی حقوق بشر) برای نهادها یا کارکنان سازمان ملل متحد، توجه آنان را جلب کرد. يك سازمان نیز می‌تواند به تنهایی یا به اتفاق دیگران، يك گزارش موازی تهیه کند و در اختیار نهاد پیگیری معاهدات مربوطه بگذارد (به عنوان مثال به کمیته کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، تسلیم کند).

آئین‌نامه دادگاه کیفری بین‌المللی، راه تازه‌ای جهت به کار گرفتن نظام قضایی بین‌المللی گشود. این دادگاه که طبق اساسنامه رم تشکیل شد، صلاحیت دارد که جرایم و جنایات بسیار ویژه، جنایات جنگی، نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت، و نقض حقوق زنان را، حتا زمانی که خشونت انجام گرفته علیه آنان، به صراحت در اساسنامه ذکر نشده است، مورد رسیدگی قرار دهد. با وجود این، دادگاه در رسیدگی به نقض حقوق توسط عوامل غیردولتی، به ویژه در شرایط نبرد مسلحانه، نسل‌کشی یا جنایت علیه بشریت، از آزادی عمل گسترده‌ای برخوردار است. قوانین مورد استناد دادگاه، علاوه بر معاهده‌های بین‌المللی که به این نوع جنایات مربوط می‌شوند و برخی مواد معاهده‌های مربوط به حقوق بشر، مفاد قوانین بشردوستانه بین‌المللی را نیز در بر می‌گیرد (به عنوان مثال، کنوانسیون ژنو). اگر چنانچه تهیه مدارك قابل ارائه به دادگاه، ناممکن به نظر برسد، کنشگران و مدافعان حقوق بشر نباید راه تلاش برای جبران خسارت از طریق این نهاد را کنار نهند.³⁵

در مورد اهمیت دادگاه جزایی بین‌المللی، خانم برژید ایندر، مدیر سازمان *Women's Initiatives for Gender Justice* (ابتکار زنان برای عدالت جنسیتی) تأکید می‌کند:

دادگاه جزایی بین‌المللی (ICC) امکان منحصر به فردی در اختیار جنبش‌های زنان می‌گذارد زیرا موجودیتش مظهر پیشرفتی عظیم در حوزه قوانین بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر است. تجاوز جنسی، بردگی جنسی، فحشای اجباری، آبستنی اجباری، عقیم کردن به زور و سایر اشکال خشونت جنسی، برای نخستین بار در زمره جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت قرار می‌گیرند. این بدان معناست که چارچوب قانونی و حقوقی این دادگاه زنان را به رسمیت می‌شناسد، و خشونت‌های انجام یافته علیه زنان را در جریان جنگ‌ها و مخاصمات، مورد توجه قرار می‌دهد، و تعهداتی برای مجازات مسئولان این خشونت‌ها مقرر می‌دارد. [...]

بنابراین، رویه قضایی ICC امکان می‌دهد که بپرسیم چطور خشونت علیه زنان می‌تواند خارج از مخاصمات در دوران صلح ادامه پیدا کند و دولت‌ها آن را نادیده انگاشته و به بهانه این که یک مسئله لاعلاج

35 - دیدبان حقوق بشر برای آن دسته از سازمان‌های غیردولتی که می‌خواهند به پیگرد جنایت‌کاران جنگی کمک کنند، راهنمایی تحت عنوان «دادگاه کیفری بین‌المللی: سازمان‌های غیردولتی چگونه می‌توانند به پیگرد جنایت‌کاران جنگی یاری دهند»، در سپتامبر ۲۰۰۴ منتشر کرده است. به ویژه نگاه کنید به صفحات ۱۴ تا ۲۶. سازمان *Women's Initiatives for Gender Justice* نیز اطلاعاتی در اختیار فعالان حقوق زنان گذاشته است. اخبار مربوط به کمپین‌های موجود، در سایت www.iccwomen.org (مثل: برابری زن و مرد در استخدام پرسنل CPI) و نیز خطوط راهنما و اقدامات لازم برای تماس با VPI در دسترس است.

دیگراست توجیهش کنند. هنوز نمی‌دانیم که ICC چه مناسباتی با نهادهای پیگیری معاهدات بین‌المللی، از جمله کمیساریای عالی حقوق بشر و گزارشگران ویژه خواهد داشت، اما سازمان‌های زنان و مدافعان حقوق بشر شاید بتوانند از این طریق، برای یافتن پاسخ‌هایی نوین برای پرسش‌های کهن، از قوانین بین‌المللی بشردوستانه و هنجارهای حقوق بشر بهره‌برداری کامل کنند³⁶.

اگر می‌خواهیم به مدافعان حقوق زنان یاری کنیم که بتوانند در دادگاه جزایی بین‌المللی اقدام کنند، باید کاری کنیم که کلیه دولت‌ها اساسنامه رم را امضا کنند. در کشورهایی که آن را امضا کرده‌اند، می‌توان تلاش کرد که دولت‌ها این اساسنامه را در قوانین کشور بگنجانند. هر دولت عضو موظف است قوانینی تصویب کند که چگونگی انجام وظایفی را که طبق اساسنامه به دولت محول شده مشخص گرداند، به ویژه تعریفی را که از جنایت نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی، و نیز خشونت جنسی شده است، رعایت کند.

شمال اوگاندا: نخستین پرونده دادگاه جزایی بین‌المللی (ICC)

نخستین پرونده‌ای که مورد رسیدگی دادگاه قرار گرفت، مربوط به اوگاندا بود. دادگاه به ویژه به دنبال احاله پرونده به دادگاه بین‌المللی از طرف دولت اوگاندا این تصمیم را گرفت، پرونده درباره وضعیتی بود که از ۱۸ سال پیش در شمال کشور بیداد می‌کرد. به عنوان نمونه، استراتژی که توسط WIGJ و ISIS-WICCE و کنشگران اوگاندایی در پیش گرفته شد تا دادگاه با توجه به چشم‌اندازها و تجربه‌های زنان شمال اوگاندا به پرونده رسیدگی کند، قابل ذکر است. یک گروه بین‌المللی متشکل از هشت نفر، به شمال اوگاندا رفتند. اهداف این گروه از این قرار بود:

- دیدار و مشورت با کسانی که در جنگ بیشترین زیان را دیده‌اند، به ویژه با زنان؛
- شنیدن روایات آنان از تجربه مخاصمه و تحلیل تأثیراتی که بر زندگی آنان و اهالی محل داشته است؛
- آگاه ساختن مردم محل نسبت به موجودیت دادگاه بین‌المللی و وظایف آن؛
- اطلاع یافتن از این که گروه‌های زنان آسیب‌دیده از جنگ، درباره مراجعه به دادگاه بین‌المللی توسط دولت اوگاندا، چه می‌اندیشند؛
- شنیدن نظرات آنان درباره «عدالت»، اولویت‌ها و اشکالی که باید به خود بگیرند.

³⁶ - Brigid Inder, WIGJ, Interview with the Association for Women's Rights in Development (AWID), Aout 2004, pp. 3-4.

این گروه در جریان مأموریت خود، با گروه‌های زنان، اعضای سازمان‌های غیردولتی، رهبران مذهبی و رؤسای منطقه و نیز با زنان قربانی و بازماندگان جنگ ملاقات کرد. افزون بر این، از چند اردوگاه آوارمگان و خوابگاه‌ها دیدن نمود. در مجموع، با حدود ۵۰۰ نفر که اکثریت آنان زن بودند، دیدار کرد. گروه توانست به ماهیت پیچیدهٔ مخاصمه در منطقهٔ مربوطه پی ببرد. مشاهدات از این قرار بود:

الف) بیشترین جنایات و موارد نقض حقوق از طرف [یک گروه چریکی مسیحی] **ارتش مقاومت خداوند** (Lord's resistance army) صورت گرفته است؛

ب) ارتش اوگاندا نیز به جنایات مشابهی دست زده است؛

پ) راهزنان **کاراماچونگ** نیز به ویژه در منطقهٔ شمال شرقی کشور مرتکب نقض حقوق شده اند.

دامنهٔ جنایاتی که در جریان جنگ، به ویژه علیه زنان، دختران و کودکان صورت گرفته از این قبیل است: ربودن، قتل، مثله کردن، تجاوز جنسی، شکنجه، بردگی جنسی و دیگر اشکال خشونت جنسی. بیش از یک میلیون نفر از اهالی در اثر جنگ، در اردوگاه آوارگان به سر می‌برند.

اغلب زنان، قربانیان و بازماندگان ملاقات شده، شکایت از این داشتند که دولت اوگاندا و مقامات محلی نه حمایتی از آنان کرده اند و نه امنیت آنان را تأمین کرده اند. آنان معتقدند که دولت باید خسارت وارده را جبران کند و منابع لازم را برای بازسازی اقتصادی، جسمی و روحی‌شان تأمین کند.

در گزارشی که گروه مذکور در پایان مأموریت خود نوشت، توصیه‌هایی به دولت اوگاندا و دادگاه جزایی بین‌المللی ارائه داد.

خلاصه‌ای از گزارش WIGJ، با همکاری ISIS-WICCE و کنشگران اوگاندایی، ۲۳ نوامبر ۲۰۰۴. نگاه کنید به Brigid Inder، «عدالت برای زنان شمال اوگاندا»، Le moniteur de la Cour pénal international, avril 2005: www.iccnw.org

هنوز دانسته نیست که آیا ایجاد دادگاه جزایی بین‌المللی موجب تغییر در کار سازمان ملل متحد در زمینهٔ ایجاد دادگاه‌های ویژه خواهد شد یا خیر. در ژوئن سال ۲۰۰۵، چهار دادگاه از این نوع وجود داشت. هم دادگاه جزایی بین‌المللی دربارهٔ رواندا و هم دادگاه جزایی بین‌المللی در مورد یوگوسلاوی سابق، مسئولان خشونت علیه زنان را (مثل تجاوز جنسی) تحت پیگرد قرار دادند. دادگاه ویژه برای سیرالئون، پذیرفت که اتهام «ازدواج به زور» را به موارد اتهامی شش مدعی علیه، بیفزاید. دادگاهی که برای محاکمه جنایات مربوط به نسل‌کشی خمرهای سرخ ایجاد شد، به هنگام نگارش این سطور هنوز آغاز به کار نکرده بود.

فراهم ساختن اسناد و مدارك، تنظیم پرونده یا اقدام در دادگاه بین‌المللی ویژه، کار هر کسی نیست. با وجود این، چندین نهاد با همکاری هم، اطلاعاتی فراهم کرده‌اند که کنشگران و سازمان‌هایی را که بخواهند از این روش استفاده کنند، یاری می‌دهد.³⁷

کمپین‌ها و اقدامات بین‌المللی

هدف شماری از کمپین‌های بین‌المللی عبارت است از جلب توجه جامعه جهانی به مسائل مربوط به زنان یا نقض حقوق آنان. این کمپین‌ها می‌توانند در عین حال، در خدمت آگاهی رسانی و بسیج در سطح منطقه‌ای، کشوری یا حتی محلی قرار گیرند. کنشگران و مدافعان حقوق بشر برای رسیدن به این هدف، چندین رویکرد در پیش گرفته‌اند.

کمپین‌ها و دادگاه‌های مردمی

کمپین «حقوق زن حقوق بشر است»، یک نمونه از کمپین است که هم در سطح محلی و هم در سطح جهانی جریان داشته است. فقدان هرگونه شناسایی زنان یا جنبه جنسیتی خاص حقوق بشر در قطعنامه سازمان ملل که برپایی یک کنفرانس جهانی درباره حقوق بشر را مقرر ساخت، جهشی به این کمپین داد، به شکل جمع‌آوری امضاء خطاب به کنفرانس جهانی حقوق بشر (وین ۱۹۹۳)، و خواهان این شد که «حقوق بنیادی زنان به صورت خودکار در تمامی زمینه‌های کاری سازمان ملل منظور شود». امضاء کنندگان از جمله خواستار آن شدند که خشونت علیه زنان، به عنوان نقض حقوق بشر تلقی شود و اقدامی فوری در پی داشته باشد. این شهادت‌نامه به ۲۴ زبان ترجمه شد و از سوی بیش از هزار گروه و سازمان مورد حمایت قرار گرفت و نزدیک به نیم میلیون نفر در ۱۲۴ کشور آن را امضاء کردند. زنان بی‌سواد نیز با اثر انگشت خود، مهر تأیید به آن زدند. این کمپین با موفقیت موجب شود که سازمان ملل، خشونت علیه زنان را نقض حقوق بشر بشناسد. افزون بر این، ابزارهایی در اختیار زنان گذاشت که بتوانند در کشورهای مختلف مباحثاتی را در سطح محلی و کشوری سازمان دهند.³⁸

نوع دیگری از اقدامات غالباً مؤثر، دادرسی‌ها و محاکمات غیر رسمی بین‌المللی زنان است که در هر پنج قاره سازمان داده شده و میشوند. توصیه‌های این دادگاه‌ها که برپایه مدل دادگاه‌های رسمی بنا شده‌اند، کماکان جنبه نمادین دارند. بازماندگان خشونت از تجارب خود سخن می‌گویند یا زنانی به جای زن به قتل رسیده، در برابر قضات (که براساس کارشناسی‌شان در باره جرائم مورد نظر در پرونده انتخاب می‌شوند) شهادت می‌دهند و این قضات رأی صادر می‌کنند. برای نمونه میتوان به دادگاه لاهور در مورد خشونت علیه زنان اشاره کرد که از دسامبر ۱۹۹۳ تا ژانویه ۱۹۹۴ برگزار گردید و از سلسله دادگاه‌هایی بود که در منطقه آسیا توسط «شورای حقوق بشر زنان آسیا»³⁹، و دادگاه جهانی زنان درباره جنایات جنگی ایالات متحده (۱۸ ژانویه ۲۰۰۴) در چارچوب فروم اجتماعی جهانی در ماموبی

37 - برای نمونه نگاه کنید به راهنمای «چگونه به عدالت دادگاه جزایی بین‌المللی برای رواندا، و به حقوق، و دموکراسی دست بیابید» نوشته Gaëlle Breton - Le Goff - Anne Saris.

38 - Centre for Women's Global Leadership, International Campaign for Women's Human Rights, rapport 1992-1993, pp. 37-38.

39 - توسط Simorgh Women's Resource and Publications Center سازمان داده شده بود. نگاه کنید به: In the Court of Women – The Lahore Tribunal on Violence Against Women 1993-1994, 1995.

تشکیل شد که در آن زنان از کشورهای فیلیپین، پورتوریکو، عراق، هاوایی، کوبا، فلسطین، کرواسی و افریقای جنوبی شهادت دادند.

عدالت برای زنان «پشتیبان»

به یمن تلاش سازمان‌های ملی زنان و شبکه‌هایی چون شبکه مبارزه با خشونت علیه زنان در زمان جنگ (ژاپن) و Women's Caucus for Gender Justice (WIGJ) بود که مسئله زنان موسوم به «پشتیبان»، توجه افکار عمومی جهانی را جلب کرد.

در سال ۱۹۹۱، کنشگرانی که خواهان محکوم کردن فحشای اجباری بودند که توسط ارتش ژاپن در جنگ جهانی دوم برقرار شده بود، آغاز به جمع‌آوری داده‌هایی درباره زنان قربانی بردگی جنسی کردند. پس از گذشت نیم قرن، زنان ۷۰ یا ۸۰ ساله، سکوت خود را شکستند و خواهان عدالت و جبران خسارت شدند. این کار عظیم به آنجا رسید که دادگاه بین‌المللی زنان در مورد جنایات جنگی و بردگی جنسی توسط ارتش ژاپن تشکیل گردید. **دادگاه توکیو**، نامی که به این دادگاه داده شد، در سال ۲۰۰۱، با حضور بیش از هزار تماشاگر و ۷۰ قربانی آغاز به کار کرد. رأی نهایی این دادگاه به مناسبت تشکیل دادگاه بین‌المللی زنان در شهر لاهه در کشور هلند، در دسامبر سال ۲۰۰۱ صادر شد. کشور ژاپن به جرم جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت محکوم گردید. دادگاه در جمع‌بندی خود خواهان این شد که ژاپن، خسارت وارده به قربانیان را جبران کرده و مسئولان آن را وادار به پاسخگویی نماید.

Koalisi Oerempuan Indonesian Indictment – Judgement of Women's International Tribunal, La Hay, 3 & 4 decembre 2001, 48 pages.
 علاوه بر این، نگاه کنید به: Le Tribunal de Tokyo et les femmes: réconfort, bibliographie, Droits et Démocratie, 2001, www.dd-rd.ca.

تلاش‌های مشترک کنشگران مناطق مختلف، نتایج محسوس‌تری داشته است تا اقدام‌های جداگانه و منفرد. با وجود این، پیش آمده است که استقبال از کمپین‌ها (بین‌المللی یا منطقه‌ای) در برخی مواقع، به دشواری صورت گرفته است، چرا که آن را به «دخالیت بیگانه» وصل کرده اند. به همین دلیل، **شبکه زنان تحت قوانین اسلامی**، زمانی که اقدام به فراخوانی برای بسیج فوری می‌کنند، در مورد این که مخاطبشان چه کسانی هستند، دقت لازم را به خرج می‌دهند. اعضای شبکه با همکاری کنشگران منطقه‌ای که حقوقی در آنجا نقض شده، بررسی می‌کنند که آیا دادن یک فراخوان و هشدار بین‌المللی، اخلاقی در رسیدن به اهداف حرکت به وجود خواهد آورد یا خیر. چرا که دولت‌های مربوطه می‌توانند موجودیت کمپین را به دخالت غرب یا کشورهای غیرمسلمان نسبت دهند. شبکه در برخی مواقع ترجیح می‌دهد متحدانی در منطقه برگزیند که از نگاه دولت مربوطه اهمیت بیشتری دارند. بدین ترتیب تلاش‌های مشترک، زمانی که خطر بروز واکنش شدید

[از جانب دولت] نمی‌رود که بتواند نتایج کار کل کمپین را به مخاطره افکند، استراتژی مناسبی در برابر نقض حقوق زنان توسط عوامل غیردولتی خواهد بود.

کمپین برای دفاع از حقوق يك شخص

کمپین‌ها می‌توانند دفاع از يك شخص معین را نیز به عهده بگیرند و کاری کنند که عوامل غیردولتی مسئول نقض حقوق، پاسخگوی اعمال‌شان باشند. برای این کار راه‌های بسیاری وجود دارد. در این جا به دو نمونه از کارهای شبکه زنان تحت قوانین اسلامی اشاره می‌شود. نمونه دوم به ویژه نشان می‌دهد که چگونه سازمان‌های [زنان] می‌توانند با الهام از اصول قوانین بین‌المللی حقوق بشر، این اصول را در کمپین‌های خود بگنجانند.

ماجرای خانم اکوبه

این شبکه به همراه هشت سازمان دیگر، برای آزادی ورونیک آکوبه، زن ۲۳ ساله اهل ساحل عاج، کمپینی به راه انداختند. او که به عنوان يك خارجی بدون کارت اقامت در فرانسه، در منزل يك خانواده کار می‌کرد، به زودی پس از آغاز به کار، بارها توسط کارفرما و فرزندش مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بود. او در ماه اوت سال ۱۹۸۷، پسر را به قتل رساند و پدر را نیز زخمی کرد. با وجود مدارك دال بر تجاوز به او، این امر توسط وکلا نادیده گرفته شد. دادگاه شهر نیس در ژانویه سال ۱۹۹۰، آکوبه را به ۲۰ سال زندان محکوم کرد. کمپین برای آزادی او از این قرار بود:

- همزمان با تظاهراتی در پاریس، فراخوان برای اجتماع در مقابل سفارت فرانسه؛
- جمع‌آوری امضاهاى دیگر پس از ۳۰ هزار امضاء خطاب به رئیس جمهور فرانسه که پاسخی نگرفت؛
- تقاضای عفو ورونیک آکوبه از رئیس جمهور، همراه با تضمین عدم اخراج او از فرانسه؛
- تأکید بر این که عدم موافقت رئیس جمهور، به معنی تأیید رأی آلوده به تبعیض جنسی و نژادی دادگاه خواهد بود.

ورونیک آکوبه در ژوئیه سال ۱۹۹۶ مشمول عفو رئیس جمهور شد. این کمپین بدون آنکه به اصول مندرج در کنوانسیون‌ها و منشورهای حقوق بشری که فرانسه امضا کرده است، اشاره کند، به ویژه بر جنبه نژاد پرستانه و تبعیض‌آمیز رأی دادگاه انگشت گذاشت.

ماجرای خانم یاکوب

در اکتبر سال ۱۹۹۵، کمپینی برای دفاع از یک فیلمساز اهل چاد به نام زارا مهمت یاکوب، برپا گردید که فتوایی علیه او صادر شده بود. ماجرا از این قرار بود:

- پس از نمایش فیلم زارا یاکوب، تحت عنوان «دوراهی زنانه»، فتوایی صادر شد؛
- شورای رادیو تلویزیون چاد، اجاز داده بود که این فیلم از تلویزیون پخش شود؛
- امامان ۱۵ مسجد شهر به دستور شورای عالی اسلامی و امام مسجد جامع انجامنا، زارا یاکوب را لعن کرده و او را محکوم ساختند؛
- یاکوب به دلیل نشان دادن يك صحنه از ختنه زنان (و بنابراین، لخت نشان دادن زن) و مصاحبه‌اش با یکی از رهبران مذهبی، به توهین به اسلام متهم گردید؛
- انجمن موسوم به اتحادیه جوانان مسلمان چاد، در بیانیه‌ای خطاب به مردم چاد اعلام داشت که این فیلم به اخلاق و ارزش‌های انسانی و احکام الهی زیان زده است، و خواهان مجازات شدید خانم یاکوب و مدیر کانال تلویزیونی چاد شد.

هدف کمپینی که توسط شبکه زنان تحت قوانین اسلامی به راه افتاد، بسیج کنشگران و مدافعان حقوق بشر برای اعمال فشار بر مقامات دولتی چاد بود:

- با خواست لغو فتوا علیه خانم یاکوب توسط شورای عالی امور اسلامی؛
- با خواست ضمانت اینکه هیچ گونه مجازاتی متوجه خانم یاکوب و مدیران تلویزیون نشود؛
- تقاضای تأمین امنیت خانم یاکوب، هنرپیشه اصلی و اشخاص دیگری که در ساختن و پخش این فیلم شرکت داشته اند، توسط دولت؛
- با تأکید بر اینکه خانم یاکوب مرتکب هیچ خطایی نشده و فقط از حق آزادی بیان خود استفاده کرده است، حقی که توسط سازمان ملل و قانون اساسی چاد به عنوان یکی از حقوق بنیادی بشر به رسمیت شناخته شده است؛
- با نشان دادن ارزش کار خانم یاکوب که با افشای شیوه رایج قطع اعضای تناسلی، هدف‌اش حمایت از حقوق دختران و زنان بوده است.

خانم یاکوب در نامه‌ای به این شبکه نوشت:

اقدام شما بسیار مؤثر بود. گرچه مقامات کشور رسماً واکنشی نشان ندادند، اما در پی فراخوان شما، نامه‌ها و پیام‌هایی که به صورت فاکس به آنان رسید، منجر شد که رئیس جمهور از امام بخواهد که آرام گیرد و

ماجرای فراموش کند. من خود به توصیه‌های مقامات امنیتی توجه ندارم، و دارم اعتماد به نفس خودم را بازی می‌یابم. اکنون وقت آنست که از همه کسانی که یاری‌ام دادند تشکر کنم.

تحقیق و شبکه‌سازی

گاه پیش می‌آید که يك کمپین بین‌المللی نه تنها به تحقیقاتی عمیق نیاز دارد، بلکه در برخی مواقع، کاری در حد تحقیقات يك کارآگاه می‌طلبد. کمپین **تأمین مالی کینه را موقوف کنید** (Campaigning to Stop Funding Hate)، که توسط ائتلافی از اشخاص نگران از تأمین مالی گروه‌های هندی راست افراطی، از راه جمع‌آوری کمک‌های مالی از هندی‌های ساکن خارج کشور، در نوامبر سال ۲۰۰۲ در امریکا به راه افتاد، نمونه‌ای از این کمپین‌هاست. آنان موفق شدند نشان دهند که چگونه این کمک‌های مالی در خدمت اهداف فرقه‌ای و پنهان کردن شبکه‌های مالی مخفی، قرار می‌گیرند. با جمع‌آوری این اطلاعات در مرحله نخست کمپین، «پروژه زعفران-دلار»، برای پایان دادن به جمع‌آوری مبالغ کلان توسط نهادی به نام «سرمایه برای امداد و کمک‌رسانی به پیشرفت هند»، سازمان یافت. این نهاد خود را به عنوان يك مؤسسه خیریه غیرفرقه‌ای و مستقل معرفی می‌کرد که هدف‌اش کمک به توسعه و امداد رسانی در هندوستان بود. يك گزارش مستقل، از روابط این نهاد با گروه‌های افراطی (جنبش سنگ پریوار) در هند پرده برداشت.⁴⁰

کنشگران و مدافعان حقوق بشر که اطلاعات جمع‌آوری شده را منتشر کردند، موجب شدند که اقدامات مشابهی در انگلستان صورت گیرد. يك گروه فشار مستقر در لندن با انجام تحقیقاتی در مؤسسات هندی در انگلستان که با جنبش سنگ پریوار در هند، مناسبات مالی داشتند، توانست ماهیت بین‌المللی این نهاد را آشکار کند.

سنگ پریوار از طریق شعبه‌های گوناگون خود در محل، عامل اصلی کشتار سال ۲۰۰۲ در ایالت گجرات بود و به طور منظم، خشونت جنسی علیه زنان در جامعه مسلمان را تبلیغ می‌کرد.⁴¹

در سطح منطقه‌ای

در آسیا نه کمیسیون حقوق بشر وجود دارد و نه دادگاه منطقه‌ای حقوق بشر. در پایان ماه دسامبر سال ۲۰۰۵، افریقا هنوز فاقد دادگاه افریقایی حقوق بشر بود. بنابراین کنشگران و مدافعان حقوق بشر در این دو منطقه، باید به پیشینه قضایی دادگاه‌های کشوری متوسل شوند که در آن، حقوق مندرج در اسناد بین‌المللی قید شده است. در کشورهایی که دولت برخی از معاهده‌ها یا تمامی معاهده‌های بین‌المللی حقوق بشر را تصویب کرده اند، دانستن اینکه قوانین کشور چه جایگاهی به این حقوق می‌دهد، و آیا این حقوق، بلافاصله در قوانین کشوری قابل اجراست یا خیر اهمیت دارد.

40 - گزارش تحت عنوان "A foreign Exchange of Hate"، نشان می‌دهد که ۸۲ درصد هزینه این نهاد صرف گروه‌های سنگ پریوار شده است. بیشترین سهم از سرمایه باقی مانده نیز به مؤسسات خیریه هندی وابسته به جنبش سنگ فرستاده شده است. فقط ۵ درصد به سازمان‌های مستقل از گروه‌های هندی اختصاص یافته است.

41 - International Initiative for Justice in Gujarat (IJJ), threatened existence: a feminist analysis of the genocide in Gujarat, Bombay, Inde, 2003, 244 p., www.onlinevolunteers.org/gujarat/reports/ijjg/2003/

تا آنجا که به افریقا مربوط می‌شود، برخی از این اسناد می‌توانند يك چارچوب هنجاری فراهم کنند:

- منشور افریقایی حقوق بشر و حقوق خلق‌ها؛
- منشور افریقایی حقوق و بهزیستی کودک؛
- پروتکل مربوط به منشور افریقایی حقوق بشر و حقوق خلق‌ها مشتمل بر ایجاد يك دادگاه افریقایی حقوق بشر و حقوق خلق‌ها؛
- پروتکل مربوط به منشور افریقایی حقوق بشر و حقوق خلق‌ها درباره حقوق زنان در افریقا.

قانون اساسی افریقای جنوبی

طبق قانون ۱۰۸ قانون اساسی سال ۱۹۹۶ افریقای جنوبی [ماده ۳۹ (۱) (b) و (c)]، دادگاه در هنگام تفسیر «منشور حقوق» ضرورتاً باید قوانین بین‌المللی را در نظر بگیرد و احتمالاً می‌تواند به قوانین خارج رجوع کند.

طبق ماده ۲۳۱ (۱) (۴) قانون اساسی، محتوای کلیه معاهده‌های بین‌المللی پس از تبدیل به قوانین ملی جمهوری افریقای جنوبی لازم الاجرا می‌شوند؛ اما مفاد یک معاهده ای که مورد تصویب مجلس مقننه قرار گرفته باشد، خود به خود قابل اجرا است و اعتبار قانونی دارد، مگر اینکه با قانون اساسی یا قانون مجلس ناسازگار باشد.

این اسناد، همچون دیگر اسناد، با این هدف تهیه شده اند که مضمون عام واحدی را برای حمایت از حقوق بشر کل قاره افریقا تأمین کنند.

ترویج حقوق بشر در سطح منطقه‌ای

اقداماتی از قبیل «مؤسسه‌ها یا سمینارهای آموزشی رهبری»، بیش از پیش با استقبال کنشگران و مدافعان حقوق زنان مواجه می‌شود. این اقدامات اغلب دوره‌های آموزشی فشرده تاپستانی هستند که برای تقویت توانایی‌های رهبری در زنان کنشگر برگزار می‌شوند. بسیاری از این برنامه‌ها حقوق بشر، از جمله جمع آوری مدارک و اسناد را مرکز توجه خود قرار می‌دهند و ابزارهای ترویج و آموزش حقوق بشر را در اختیار کنشگران گذاشته و نیز فروم‌هایی برای تبادل افکار و بحث فراهم می‌کنند.

برای نمونه می‌توان از انستیتوی رهبری زنان افریقایی یاد کرد که توسط سازمان غیردولتی *Akina Mama Wa Afrikia (Am WA)* در سال ۱۹۹۶ در گرماگرم چهارمین کنفرانس جهانی زنان تشکیل شد. این انستیتو هر سال یک دوره فشرده سه هفته‌ای برگزار می‌کند (علاوه بر سمینارهای آموزشی زیرمنطقه‌ای و سراسری) که هدفش کمک به تحکیم جنبش افریقایی زنان است. در بیاننامه این انستیتو گفته می‌شود:

انستیتو یک فروم منطقه‌ای شبکه‌سازی، اطلاع‌رسانی و آموزشی است که به زنان افریقایی ۲۵ تا ۴۰ ساله امکان می‌دهد تا با اندیشه انتقادی درباره مناسبات اجتماعی میان دو جنس، تئوری و پراتیک فمینیستی، و توسعه سازمانی و امکان‌یابی، آشنا شوند. هدف انستیتو این است که شمار قابل توجهی از زنان را ترغیب و آموزش دهد تا بتوانند با به دست آوردن مشاغل مدیریت، یک برنامه توسعه پیشرو برای زنان افریقایی به اجرا درآورند. شکل دادن به یک پایه فمینیستی در میان نسل بعدی مدیران زن، برای آینده جنبش زنان در افریقا اهمیت اساسی دارد.

اقدامات و کمپین‌ها در سطح کشوری

استفاده از نهادهای دولت

بسیاری از زنان فعالی که در مقاطع گوناگون وارد عمل شده‌اند، مشاهده کرده‌اند که در برخی جوامع، مراجعه به دادگاه (برای تقاضای غرامت در موارد خشونت بین همسری، محرومیت از حق مالکیت و غیره) چندان پسندیده نیست. زنانی که شکایتی را در دادگستری مطرح می‌کنند (به ویژه زمانی که این اقدام علیه یکی از اعضای خانواده صورت می‌گیرد)، با خطر طرد شدن یا در معرض توهین و ارباب قرار گرفتن از جانب خانواده یا نزدیکان خود مواجه می‌شوند. به دیده برخی از کنشگران، نمی‌شود همواره در پی زندانی کردن عاملان نقض حقوق بود، چرا که به این ترتیب، زنانی که مایل نیستند شوهرانشان (یا یکی از اعضای فامیل) به زندان بیفتند، نادیده گرفته می‌شوند.⁴²

زمانی که در نظر می‌گیریم به یک دادگاه مراجعه کنیم یا خواهان انجام تحقیقات می‌شویم، باید به یاد داشته باشیم که این قبیل کارها زمان می‌برد و چه بسا طاقت‌فرساست. پلیس، قضات و دادستان‌ها ممکن است مخالف ما باشند یا ذهنی انباشته از پیشداوری نسبت به قربانیان داشته باشند. در اینجا به چند پرسشی که بهتر است قبل از آغاز یک اقدام، با خود مطرح کنیم، اشاره می‌شود:

- آیا شرایط موجود، امکان چنین کاری را می‌دهد؟

⁴² - Julie Metus with Nancy Flowers and Mallika Dutt, *Local Action, Global Change: Learning about the Human Rights of Women and Girls*, UNIFEM and Centre for Women's Global Leadership, 1999, p. 103.

- آیا اقدام مورد نظر، امنیت اعضای تشکیلات را به خطر میندازد، یا اقدامات تلافی‌جویانه علیه جماعت یا اشخاصی که دست به اقدام قضایی زده‌اند، برمی‌انگیزد؟
- آیا این کار، به خطراتی که دارد می‌ارزد؟
- آیا می‌توان روی حمایت برخی از ائتلاف جامع حساب کرد؟
- آیا این اقدام، ظرفیت آن را دارد که پیشرفتی حاصل کند (حتا در درازمدت)؟
- آیا می‌توان روی متحدانی که آماده حمایت اند، حساب کرد؟
- از نظر عقلانی، چه انتظاری از این اقدام داریم؟
- خطرات بالقوه در عرصه سیاسی، کدام‌ها هستند؟ آیا ممکن است این اقدام، واکنشی برانگیزد که برخی از دستاوردهای پیشین ما را به مخاطره افکند؟

اگر پیشرفت کار مورد نظر است، شاید بهتر باشد که با کمیسیون سراسری یا محلی حقوق اشخاص، کمیسیون یا وزارت وضعیت زنان یا برابری دو جنس، در صورت وجود چنین نهادی، تماس گرفت.

از آنجا که کشورها بیش از پیش در قوانین خود، مواد ویژه‌ای در مخالفت با خشونت علیه زنان می‌گنجاندند، زنان فعال می‌توانند از این قوانین برای اقدام در دادگستری استفاده کنند. برای نمونه، می‌توانند قوانین موجود را برای مطرح کردن حقوقی که زنان دارند، یادآور شوند، طوری که عوامل غیردولتی مرتکب جرم، به دست عدالت سپرده شوند. اما در بسیاری از جوامع، در مورد مسایلی چون خشونت در خانواده، اسیدپاشی یا غیر آن، قوانینی وجود ندارد. بنابراین باید با حقوقدانانی که توصیه‌های متناسب با نیازهای خود دارند مشورت کنند تا مشخص کنند که چه تمهیدات عمومی (از جمله از نظر قانون اساسی یا معاهده‌های مربوط به حقوق بشر) را می‌توانند مطرح کنند.

رجوع به نهادهای دولت هندوستان

قانون اساسی هندوستان، حوزه وسیعی از حقوق جهانشمول را تضمین می‌کند که آزادی عمل گسترده‌ای در زمینه اقدام در دادگاه‌ها فراهم می‌کند. ما حتا توانستیم زمانی که قوانین قابل اجرایی وجود نداشت، از **برنامه عمل پکن** استفاده کنیم. و اگرچه این برنامه به عبارت دقیق، یک سند حقوقی نیست، قضات پذیرفتند که به آن استناد کنند.

[به علاوه]، در سال ۱۹۸۴ توانستیم قانونی درباره خشونت علیه زنان به تصویب برسانیم که خشونت را مجموعه عواملی تعریف می‌کند که به سلامتی جسمی و روحی و بهزیستی زنان آسیب می‌رساند. در فرهنگ ما، زنان باید قاعدتاً فرزندان داشته باشند. زنان بدون فرزند، غالباً مورد تبعیض قرار می‌گیرند. ما مواردی را ثبت کرده‌ایم که زنان بدون فرزند،

به طور مکرر هدف خشونت لفظی شوهرانشان قرار گرفته و دچار بیماری افسردگی شده‌اند. ما توانستیم کاری کنیم که این مردان به خاطر اعمال خشونت محکوم شوند.

سخنان ایندیرا جی سینگ، وکیل اصلی در دیوان عالی هندوستان و عضو مؤسس جمعیت وکلا (Women's Rights Initiative)، بحث شفاهی در کنفرانس ملی Raising Standards to Tackle Violence Against Black and Minority Women که توسط Southall Black Sisters به تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۰۴ سازمان داده شده بود.

مسائل زمانی پیچیده‌تر می‌شوند که باید به دادگاه‌هایی مراجعه کرد که طبق قوانین حقوق بشر عمل نمی‌کنند، یا همان طور که در مثال بعدی خواهیم دید، با محاکم شرعی سر و کار داریم.

مورد خانم لاوال

در ماه سپتامبر سال ۲۰۰۰، امینا لاوال در یک محکمه بدوی در نیجریه که بر اساس شریعت تشکیل شده بود، به جرم زنا، محکوم به مرگ از طریق سنگسار شد. دو تشکل زنان⁴³، تقاضای فرجام کردند. دادگاه تجدید نظر اسلامی ایالت کاتسینا، در سپتامبر سال ۲۰۰۳ حکم محکومیت را لغو کرد. این دادگاه اعلام کرد که حاملگی خارج از روابط زناشویی، دلیلی بر زنا نیست و اعتراف خانم لاوال از نظر حقوقی بی اعتبار بوده و محکمه بدوی حق دفاع او را آنطور که باید، رعایت نکرده است. تصمیم این دو تشکل که در دفاع از خانم لاوال از محاکم اسلامی تقاضای استیناف کرده اند، مورد انتقاد قرار گرفت که چنین کاری، به محاکم شرع مشروعیت می‌بخشد و اگرچه رأی محکمه به سود خانم لاوال تمام شد، اما این کار کمکی به ایجاد اصلاح در قوانین نمی‌کند. خانم سیدنی مادر گولد، مدیر یکی از این نهادها در پاسخ به این انتقادات، اظهار داشت که «فهمیدن استراتژی ما و حمایت از آن بسیار مهم است. زمانی که در وضعیت نیجریه و دینامیسم هویت دینی و قومی عمل می‌کنیم، باید بتوانیم انعطاف به خرج دهیم.»

⁴³ - Women's Rights Advancement and Protection Alternatives (WRAPA) - ; BAPBAB for Women's Human Rights:

ترویج حقوق بشر در سطح جماعت (community)

در شرایط مختلف فعالان اغلب به آموزش حقوق بشر پرداخته و در رسانه ها کمپین هایی به راه می اندازند که از مقوله های حقوق بشر برای آشنا ساختن جماعات با انواع مشکلات و حقوق مربوط به آن ها استفاده می کنند. در بسیاری موارد، یک جنبه از کار (جمع آوری اسناد و مدارک) جنبه دیگر آن اقدام (آگاهسازی) را تغذیه می کند. در اینجا نمونه هایی از رهیافت های مکمل هم، نشان داده می شوند:

پیشگیری از خشونت در خانه

در ایالات متحده، مؤسسه Harman International، با همکاری Family Violence Prevention Fund، پروژه ای را از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ درباره خشونت خانگی تنظیم کرد که حاوی چند مرحله بود: الف) اتخاذ یک سیاست جدید در مؤسسه در زمینه خشونت؛ ب) فعالیت های آموزشی درباره خشونت خانگی بر اساس سیاست جدید؛ پ) پخش اطلاعات، رهنمودهای امنیتی و اعلان ها؛ ت) تسهیل فعالیت های داوطلبانه کارکنان زن و مرد در برنامه های محلی امدادسانی و پیشگیری در زمینه خشونت خانگی؛ ث) راهنمایی و هدایت قربانیان به سمت سرویس های دیگر. به گفته متخصصان، این اقدام یکی از کامل ترین برنامه هایی بوده که یک مؤسسه در زمینه پیشگیری از خشونت خانوادگی ارائه کرده است.

تأثیراتی که در کارکنان زن و مرد به هنگام ارزیابی از میزان اثربخشی این برنامه مشاهده شده، از این قرار است:

- از وجود خشونت خانوادگی آگاهی بیشتری دارند؛
- از عوامل ایجاد خشونت درک بهتری دارند؛
- مایل اند به قربانیان خشونت مربوط به جدایی کمک کنند؛
- می دانند چگونه این کار را به خوبی انجام دهند.

ارزیابی به این نتیجه رسیده است که برنامه های جلوگیری از خشونت خانوادگی در محیط کار، می تواند به تغییر در افکار بینجامد و بر رفتارها تأثیر بگذارد. سیدنی هارمن که مدیریت مؤسسه بین المللی هارمن را به عهده دارد، اظهار داشت که در زمینه مبارزه با خشونت خانوادگی، اجرای برنامه های آموزشی در محیط کار «به سود همه است: به سود قربانیان خشونت، به سود مجموعه کارکنان و به سود مؤسسه است که هزینه برنامه های آموزشی را تأمین می کند».

رجوع کنید به:

Family Violence Prevention Fund, Innovative Workplace-Based Program Helps Employees Understand, Address Abuse, 1^e septembre 2004: www.endabuse.org

به عکس، مخالفان ختنه [زنان] در معرض این خطرند که به خیانت علیه فرهنگ خود متهم شوند. بنابراین، استراتژی خود را بر این پایه تعیین می‌کنند. نمونه‌هایی از رهیافت‌های پیشنهادی در سمینار فمینیسم در مؤسسه جهان اسلام، از این قرار است:

قطع اعضای تناسلی زنان

در کشور گامبی، یک ژورنالیست به نام Amie Bojang – Sissoho، در برنامه‌های رادیویی اش از اصول حقوق بشر استفاده می‌کند تا سکوت دولت را در مقابل ختنه زنان محکوم نماید و استدلال کسانی را رد کند که این روش را به نام هویت فرهنگی توجیه می‌کنند. این برنامه‌ها به او امکان می‌دهند که با زنان بی‌سواد روستایی در تماس باشد. در همان گامبی، کمیته مبارزه با سنت‌های شوم (گامکوتراپ)، در باره عواقب ختنه کردن زنان برای زائوهای سنتی، ماماها، کارکنان در زمینه بهداشت، جوانان، کنخداها، رهبران مذهبی، نمایندگان و کارمندان، برنامه‌های آموزشی ترتیب می‌دهد. نهادهای محلی در چارچوب این برنامه‌ها، اطلاعات درباره مفاهیم و اسناد مربوط به حقوق بشر را مطرح می‌کنند.

راهکارهای مشابهی در چندین کشور دیگر به کار می‌رود:

- در مالی: در کارگاه‌هایی که برای آگاهی زنان از حق پذیرفتن ختنه گذاشته می‌شود، از مفاد کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان استفاده می‌شود؛
- در سری لانکا: زنان فعال مرکز Muslim Women Research and Action Forum (MWRAF)، از برنامه‌های رادیویی بهره گرفته و زنان را از حقوق‌شان، و اینکه نباید تن به ختنه دهند، آگاه می‌سازند؛ این برنامه‌ها به زنان امکان می‌دهد که از طریق تلفن از مشکلات خود بگویند و با حقوق خویش آشنا شوند.

کوتاه اینکه، هر وضعیت و موردی، ویژگی‌های خاص خود را دارد، و هنگام جمع‌آوری اسناد و مدارک، همواره باید پاره‌ای از مسائل را در نظر داشت:

- تعیین چارچوبی که محور آن حقوق بشر است، به معنی چشم پوشیدن از استراتژی‌های مکمل هم نیست؛
- مطالعه دقیق و آگاهی کافی از بافتار محلی و جمعیتی برای پرهیز از مشکلات و بالا بردن امکان موفقیت؛

- تدوین استراتژی‌ها با جلب حمایت گروه‌های مدافع حقوق بشر، و با توافق زنان ذینفع ضمن آگاه بودن‌شان از موضوع؛
- ارائه یک چتر حمایتی دایم به زن یا زنان قربانی نقض حقوق؛ در برخی موارد، باید حمایت‌های درازمدتی را در نظر گرفت؛
- در نظر داشتن اینکه اقدام مورد نظر، نیاز به ساعات طولانی کار و هزینه‌های مالی مهمی دارد.

همانطور که خانم ویدنی براون، معاون برنامه‌های دیدبان حقوق بشر گفته است «اگر گروه‌های مدافع حقوق بشر، به جمع‌آوری اسناد و مدارک خشونت علیه زنان می‌پردازند، نخست و پیش از هر چیز به خاطر آنست که نمی‌توان بر روی دولت‌ها حساب کرد و این تنها راه برای جلب توجه آنان است»⁴⁴.

نتیجه‌گیری

همانطور که کوشیدیم در این خودآموز نشان دهیم، بسیار مهم است که به زنان آگاهی داده شود تا دامنه توانایی و خودمختاری آنان گسترده تر شده و ایده‌دنیایی که زنان بتوانند بدون تحمل خشونت زندگی کنند، اعتلا یابد.

اصول حقوق بشر، زمانی که در چارچوب یک کمپین به کار گرفته می‌شود، امکان می‌دهد:
(الف) خشونت به عنوان نقض حقوق بشر، افشا و محکوم شود؛
(ب) بر افکار عمومی و جماعات تأثیر گذاشت و آنان را بسیج کرد؛
(پ) بر روی عوامل اجتماعی، حتا اگر شده در سطح محدود محلی، اعمال فشار کرد. به علاوه، ابزارها و ساز و کارهای حمایت از حقوق بشر به کنشگران و مدافعان حقوق بشر امکان می‌دهد که نقض حقوق از جانب عوامل غیردولتی را برملا کنند و برای اینکه این نقض حقوق به اولویتی در نزد جامعه جهانی بدل شود فشار آورند.

نبردی برای امروز: این یکی از شعارهای عفو بین‌الملل در کمپین **خشونت علیه زنان را متوقف کنید** است. سیستم سازمان ملل متحد زمانی برای زنان فعال مفید است که کنشگران و مدافعان حقوق بشر از همین امروز، به طور منظم از آن استفاده کنند. در نوامبر سال ۲۰۰۴، دفتر واکنش سریع HCDH به گروه‌های مدافع حقوق زنان یادآور شد که «شکایات [ی که به دولت‌ها ارسال می‌کنیم] مبتنی بر اطلاعاتی است که شما و شبکه‌های اطلاعاتی شما به ما می‌دهند. کار شما، همچون کار همکاران‌تان، اهمیت بسزایی در حمایت از حقوق بشر دارد.»

اگر در طی این سال‌ها پیشرفت‌های تردیدناپذیری شده است، باید برخی از رهیافت‌ها را تقویت کرد و بیشتر از آن‌ها بهره گرفت. برای مثال، می‌توان اصول حقوق بشر را در تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های عمومی وارد کرد و در مناسبات میان پزشکان و بیماران، در تصمیم‌گیری‌های مربوط به اختصاص منابع مالی در امر بهداشت، و در فراهم کردن امکان مشارکت مجامع در

44 - به نقل از مصاحبه تلفنی با او به تاریخ ۱۲ اکتبر ۲۰۰۴.

تصمیم‌گیری‌های مربوط به چگونگی هزینه کردن منابع جمعی و غیره، این اصول را مد نظر قرار داد.

سمیناری که توسط (APWLD) Asia Pacific Women, Law & development و عفو بین‌الملل دربارهٔ خشونت علیه زنان سازمان داده شده بود، یک سلسله توصیه‌هایی ارائه داد که زمینه‌های جالبی از کار و اقدام را فراهم کرد. برای مثال:

- بسیار مهم است که در نظام حقوق بشر، بیش از یک چارچوب ساده حقوقی ببینیم؛ باید بُعد اجتماعی خشونت علیه زنان را بدان افزود، به این معنا که این چارچوب، فقط به ذکر قوانین بسنده نکند، بلکه خواهان اقدامات اجتماعی نیز بشود؛
- باید استفاده از چارچوب حقوق بشری را همچون ابزاری برای کسب خودآیینی و رهایی گسترش داد؛
- باید به مفهوم تنگ و رده‌بندی شدهٔ حقوق بشر همچنان اعتراض کرد و با رواج نگرش کلیت‌باورانه [که انسان را یک کل تقسیم‌ناپذیر جسمی، روحی و روانشناختی می‌داند] و فراگیر، بتوان حقوق انسانی زنان را به مبارزه برای حقوق گروه‌های دیگر (مثل: خلق‌های بومی، همجنس‌گرایان/ دوجنسیتی‌ها/ تراجنسی‌ها، اشخاص معلول، و غیره⁴⁵) پیوند زد.

در برابر خشونت در خانواده و جامعه [فرهنگی/ قومی]، می‌توان به قوانین بین‌المللی حقوق بشر برای افشا و طرد خشونت عوامل غیردولتی استناد کرد. زمانی که یک دولت از اقدام علیه عوامل غیردولتی خودداری ورزید، می‌توان با اعمال فشار، کمپین‌هایی را طبق رهنمودهایی که در این خودآموز ارائه شده، سازمان داد.

⁴⁵ - APWLD/AL, "Violence Against Women- Taking stock of the gains and challenges". Thaïlande, juillet 2004;
www.apwld.org/forumnews.htm

ضمیمه شماره ۱

عواملی که موجب تداوم خشونت علیه زنان می‌شود

عامل فرهنگی	عامل اقتصادی	عامل حقوقی	عامل سیاسی
<p>آشنایی دختر و پسر.</p> <p>معنای فرهنگی نقشی که به زنان و مردان داده شده است.</p> <p>انتظارات از نقش‌هایی که جامعه در مناسبات [میان زن و مرد] به آنان داده است.</p> <p>باور به فرادستی (برتری) ذاتی مردان.</p> <p>ارزش‌هایی که به مردان حق مالکیت زنان و دختران را می‌دهد.</p> <p>درک از خانواده به مثابه حریم خصوصی تحت کنترل یک یا چند مرد.</p> <p>رسوم مربوط به ازدواج (جهیزیه).</p> <p>خشونت‌هایی که همچون ابزار حل و فصل مجادلات تلقی می‌شود.</p>	<p>وابستگی اقتصادی زن به مرد.</p> <p>دسترسی محدود به پول و اعتبار.</p> <p>قوانین تبعیض‌آمیز در زمینه ارث، استفاده از زمین جمعی و هزینه زندگی بعد از طلاق یا بیوه‌گی.</p> <p>محدودیت اشتغال در بخش‌های رسمی و غیررسمی.</p> <p>محدودیت در تحصیل و برنامه‌های آموزشی.</p>	<p>فروستی جایگاه زن در قوانین و رسوم رایج.</p> <p>قوانین مربوط به طلاق، حضانت فرزند، هزینه زندگی و وراثت.</p> <p>تعاریف تجاوز جنسی و خشونت خانوادگی در قوانین.</p> <p>کمبود شناخت از قوانین و حقوق در نزد زنان.</p> <p>بسته بودن و بی‌تفاوتی پلیس و قاضی نسبت به زنان و دختران.</p>	<p>کمی شمار زنان در قدرت، در حیات سیاسی، رسانه‌ها و مشاغل قضایی و پزشکی.</p> <p>عدم توجه و کم بها دادن به خشونت خانوادگی.</p> <p>درک از خانواده به مثابه حریم خصوصی بیرون از کنترل دولت.</p> <p>ترس از مخالفت با وضع موجود و قوانین مذهبی.</p> <p>سازمان‌یافتگی نازل زنان به عنوان نیروی سیاسی.</p> <p>مشارکت اندک زنان در نظام سیاسی.</p>

ضمیمه شماره ۲

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان

دول عضو کنوانسیون حاضر

با توجه به اینکه منشور ملل متحد بر پایبندی حقوق اساسی بشر، مقام و منزلت هر فرد انسانی و برابری حقوق زن و مرد تاکید دارد.

با توجه به اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر بر اصل جایز نبودن تبعیض تأیید داشته، اعلام می دارد که کلیه افراد بشر آزاد به دنیا آمده و از نظر منزلت و حقوق یکسان بوده و بدون هیچ گونه تمایزی، از جمله تمایزات مبتنی بر جنسیت، حق دارند از کلیه حقوق و آزادی های مندرج در این اعلامیه بهره مند شوند،

با توجه به اینکه دول عضو میثاق های بین المللی حقوق بشر متعهد به تضمین حقوق برابر زنان و مردان در بهره مندی از کلیه حقوق اساسی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی می باشند،

با در نظر گرفتن کنوانسیون های بین المللی که تحت نظر سازمان ملل متحد و کارگزاری های تخصصی به منظور پیشبرد تساوی حقوق زنان و مردان منعقد گردیده اند،

با توجه به قطعنامه ها، اعلامیه ها و توصیه هایی که توسط ملل متحد و کارگزاری های تخصصی به منظور پیشبرد تساوی حقوق زنان و مردان تصویب شده است،

با نگرانی از اینکه علیرغم این اسناد متعدد، تبعیضات علیه زنان همچنان بطور گسترده ادامه دارد،

با یادآوری اینکه تبعیضات علیه زنان ناقض اصول برابری حقوق و احترام به شخصیت بشر می باشد و مانع شرکت زنان در شرایط مساوی با مردان در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور و نیز گسترش سعادت جامعه و خانواده شده و شکوفایی کامل قابلیت ها و استعداد های زنان در خدمت به کشور و بشریت را دشوارتر می نماید،

با نگرانی از اینکه زنان در شرایط فقر و تنگدستی حد اقل امکان دسترسی را به مواد غذایی، بهداشت، تحصیلات آموزش

با اعتقاد بر اینکه تشکیل نظام نوین اقتصاد بین الملل بر اساس مساوات و عدالت در تحقق پیشبرد برابری بین مردان و

با تاکید بر اینکه ریشه کن کردن آپارتاید، اشکال مختلف نژاد پرستی، تبعیض نژادی، استعمار، استعمار نو، تجاوز، اشغال

با تایید بر اینکه تحکیم صلح و امنیت بین المللی، تشنج زدایی بین المللی، همکاری های متقابل دول صرف نظر از نظامهای اجتماعی و اقتصادی آنان، خلع سلاح کامل و به ویژه خلع سلاح اتمی تحت نظارت و کنترل دقیق و موثر بین المللی، تاکید بر اصول عدالت، مساوات و منافع متقابل در روابط بین کشورها و احقاق حق مردم تحت سلطه استعمار و بیگانه و اشغال خارجی به دستیابی به حق تعیین سرنوشت و استقلال و همچنین احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی باعث توسعه و پیشرفت اجتماعی خواهد شد و در نتیجه به دستیابی به مساوات کامل بین مردان و زنان کمک خواهد کرد.

با اعتقاد بر اینکه توسعه تمام و کمال یک کشور، رفاه جهانی و برقراری صلح مستلزم شرکت یکپارچه زنان در تحقق رفاه خانواده و پیشرفت جامعه، که تا کنون کاملاً شناسایی نشده است، اهمیت اجتماعی مادری و نقش والدین در خانواده و در تربیت کودکان، و با آگاهی از اینکه نقش زنان در تولید مثل نباید اساس تبعیض بوده بلکه تربیت کودکان نیازمند تقسیم

با اطلاع از اینکه تغییر در نقش سنتی مردان و زنان در جامعه و خانواده برای دستیابی به مساوات کامل میان زنان و مردان ضروری است،

با اطلاع از اینکه تغییر در نقش سنتی مردان و زنان در جامعه و خانواده برای دستیابی به مساوات کامل میان زنان و

با عزم بر اجرای اصول مندرج در اعلامیه محو تبعیض علیه زنان و در این راستا اتخاذ اقدامات ضروری برای از میان برداشتن این گونه تبعیض ها در کلیه اشکال و صورت آن، به شرح ذیل توافق کردند:

بخش اول

ماده ۱

عبارت "تبعیض علیه زنان" در این میثاق به هر گونه تمایز، استثناء (محرومیت) یا محدودیت بر اساس جنسیت که نتیجه یا هدف آن خدشه دار کردن یا لغو شناسایی، بهره مندی، یا اعمال حقوق بشر و آزادی های اساسی در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر زمینه دیگر توسط زنان صرف نظر از وضعیت زناشویی ایشان و بر اساس تساوی میان زنان و مردان، اطلاق می گردد.

ماده ۲

دول عضو، هر گونه تبعیض علیه زنان را محکوم کرده، موافقت می نمایند که بدون درنگ سیاست رفع تبعیض از زنان را با کلیه ابزارهای مناسب دنبال نموده و با این هدف موارد زیر را متعهد میشود:

الف. گنجاندن اصل مساوات میان زنان و مردان در قانون اساسی یا سایر قوانین مربوطه هر کشور، چنانچه تا کنون منظور نشده باشد، و تضمین تحقق عملی این اصل به وسیله وضع قانون یا سایر طرق مناسب دیگر؛

ب. تصویب قوانین مناسب و یا اقدامات دیگر، از جمله مجازات در صورت اقتضا، به منظور رفع تبعیض از زنان؛

ج. برقراری حمایت قانون از حقوق زنان بر مبنای برابری با مردان و حصول اطمینان از حمایت مؤثر از زنان در مقابل هر گونه اقدام تبعیض آمیز از طریق مراجع قضایی ذیصلاح ملی و سایر مؤسسات دولتی؛

د. خودداری از انجام هر گونه عمل و حرکت تبعیض آمیز علیه زنان و تضمین رعایت این تعهدات توسط مراجع و مؤسسات دولتی؛

ه. اتخاذ کلیه اقدامات مناسب جهت رفع تبعیض از زنان توسط هر شخص، سازمان و یا شرکت های خصوصی؛

و. اتخاذ تدابیر لازم از جمله وضع قوانین به منظور اصلاح یا فسخ قوانین، مقررات، هدف یا روش های موجود که نسبت به زنان تبعیض آمیزند؛

ز. فسخ کلیه مقررات کیفری ملی که موجب تبعیض نسبت به زنان میشود.

ماده ۳

دول عضو باید در تمام زمینه ها به ویژه زمینه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کلیه اقدامات مناسب از جمله وضع قوانین را برای تضمین توسعه و پیشرفت کامل زنان و نیز بهره مندی آنان از حقوق بشر و آزادی های اساسی بر مبنای مساوات با مردان به عمل آورند.

ماده ۴

۱. اتخاذ تدابیر ویژه و موقتی توسط دول عضو آن تسریع در برقراری مساوات بین مردان و زنان است نباید به عنوان "تبعیض" به صورتی که در این میثاق تعریف شده است تلقی گردد. و بدون

اینکه این اقدامات منجر به حفظ معیارهای نابرابر و مجزا گردد، پس از تحقق رفتار و فرصت های برابر متوقف خواهد شد.

۲. اتخاذ تدابیر ویژه توسط دول عضو از جمله اقداماتی که در این میثاق برای حمایت از مادری منظور شده است تبعیض آمیز تلقی نخواهد شد.

ماده ۵

دول عضو کلیه اقدامات مناسب در زمینه های زیر را به عمل می آورند:

الف. تعدیل الگوهای اجتماعی و فرهنگی رفتاری مردان و زنان به منظور از میان برداشتن تعصبات و کلیه روش های سنتی و غیره که بر تفکر پست نگر یا برتر نگر هر یک از دو جنس و یا تداوم نقش های کلیشه ای برای مردان و زنان استوار باشد؛

ب. حصول اطمینان از اینکه آموزش خانواده شامل درک صحیح از وضعیت مادری به عنوان یک وظیفه اجتماعی و شناسایی مسئولیت مشترک زنان و مردان در پرورش و تربیت کودکان خود باشد، با این استنباط که منافع کودکان در تمام موارد در اولویت قرار دارد.

ماده ۶

دول عضو کلیه اقدامات مقتضی از جمله وضع قوانین را به منظور جلوگیری از حمل و نقل غیر قانونی و بهره بری از روسپی گری زنان به عمل خواهند آورد.

بخش دوم

ماده ۷

دول عضو برای رفع تبعیض از زنان در حیات سیاسی و اجتماعی کشور کلیه اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد، به ویژه حقوق زیر را در شرایط مساوی با مردان برای زنان تضمین خواهند کرد:

الف. رای دادن در کلیه انتخابات و همه پرسی های عمومی و داشتن شرایط نامزدی در همه اجتماعات منتخب عمومی؛

ب. مشارکت در تعیین سیاست دولت و اجرای آن و انتصاب به سمت های دولتی و انجام کلیه مسئولیت های دولتی در تمام سطوح دولت:

ج. شرکت در سازمان ها و انجمن های غیر دولتی مرتبط با حیات سیاسی و اجتماعی کشور.

ماده ۸

دول عضو اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد تا بدون هیچ گونه تبعیض و در شرایط مساوی با مردان این فرصت به زنان داده شود که به عنوان نماینده دولت خود در سطح بین المللی عمل نموده و در فعالیت سازمانهای بین المللی نقش داشته باشند.

ماده ۹

۱. دول عضو در مورد کسب، تغییر یا حفظ تابعیت، حقوقی مساوی با مردان به زنان اعطا خواهند کرد. دولت ها به ویژه تضمین می کنند که از ازدواج با فرد خارجی یا تغییر تابعیت شوهر در طی دوران ازدواج خود به خود باعث تغییر تابعیت زن، بی وطن شدن یا تحمیل تابعیت شوهر به وی نگردد.

۲. دول عضو به زنان و مردان در مورد تابعیت فرزندانشان حقوق مساوی اعطا خواهند کرد.

بخش سوم

ماده ۱۰

دول عضو به منظور تضمین حقوق مساوی زنان با مردان در زنان با مردان در زمینه آموزش و پرورش هر گونه اقدامی برای رفع تبعیض از زنان به عمل خواهند آورد. به ویژه بر اساس مساوات بین زنان و مردان موارد زیر را تضمین خواهند کرد:

الف. شرایط یکسان در زمینه آموزش های فنی و حرفه ای، و برای دسترسی به آموزش و دریافت دانشنامه در انواع مختلف مؤسسات آموزشی در مناطق شهری و روستایی، این تساوی باید در آموزش پیش مدرسه ای، آموزش عمومی، فنی و حرفه ای و آموزش عالی فنی و نیز دوره های حرفه ای مختلف تضمین شود؛

ب. دسترسی به برنامه درسی یکسان، امتحانات یکسان، معلمان دارای مهارت ها و صلاحیت های هم طراز و محل ها و امکانات آموزشی با کیفیت برابر؛

ج. از بین بردن هر گونه مفهوم کلیشه ای از نقش زنان و مردان در کلیه در کلیه سطوح و در اشکال مختلف آموزشی از طریق تشویق به آموزش مختلط و سایر انواع روش های آموزشی که نیل به این هدف را ممکن میسازد و به ویژه از طریق تجدید نظر در کتب درسی و برنامه های آموزشی مدارس و تطبیق دادن روش های آموزشی؛

د. ایجاد فرصت های یکسان جهت بهره مندی از بورس ها و سایر مزایای تحصیلی؛

ه. امکانات مشابه جهت رستایی به برنامه های مربوط به ادامه تحصیلات، از جمله برنامه های عملی سواد آموزی بزرگسالان به ویژه برنامه هایی که با هدف کاهش هر چه سریع تر شکاف آموزشی موجود بین زنان و مردان تدوین یافته اند؛

و. کاهش در صد دانش آموزان دختر که ترک تحصیل می کنند و تنظیم برنامه هایی برای دختران و زنانی که ترک تحصیل زودرس داشته اند،

ز. امکانات یکسان برای شرکت فعال زنان در ورزش و تربیت بدنی؛

ح. دسترسی به اطلاعات آموزشی مشخص که سلامتی و تندرستی خانواده را تضمین می نمایند، از جمله اطلاعات و راهنمایی در مورد تنظیم خانواده.

ماده ۱۱

دول عضو کلیه اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد تا هر گونه تبعیض علیه زنان در اشتغال از بین برود و بر اساس اصل تساوی زنان و مردان، حقوق مشابه برای آنها تضمین شود، به ویژه در موارد زیر:

(الف) حق اشتغال به کار به عنوان حق لاینفک تمام افراد بشر؛

(ب) حق استفاده از فرصت های استخدامی یکسان، از جمله اعمال ضوابط یکسان برای استخدام؛

(ج) حق انتخاب آزادانه حرفه و پیشه، حق برخورداری از ارتقای مقام، حق برخورداری از امنیت شغلی و تمام امتیازات و شرایط شغلی و حق استفاده از دوره های آموزش حرفه ای و باز آموزی از جمله کار آموزی و شرکت در دوره های آموزش حرفه ای پیشرفته و آموزش مرحله ای؛

(د) حق دریافت دستمزد برابر و نیز استفاده از مزایا و حق برخورداری از رفتار یکسان در مشاغلی که دارای ارزش برابر است و همچنین قضاوت یکسان در ارزیابی کیفیت کار مشابه؛

(ه) حق استفاده از بیمه های اجتماعی به ویژه در دوران بازنشستگی، دوران بیکاری، هنگام بیماری و ناتوانی و دوران پیری و در سایر موارد از کار افتادگی و نیز حق استفاده از مرخصی استحقاقی؛

(و) حق حفظ سلامتی و رعایت ایمنی در محیط کار، از جمله حمایت از وظیفه تولید مثل؛

۲- به منظور جلوگیری از اعمال تبعیضات علیه زنان بر پایه ازدواج یا مادری (بارداری) و تضمین حق مؤثر آنان جهت کار، دول عضو اقدامات زیر را به عمل خواهند آورد:

(الف) ممنوعیت اخراج به دلیل بارداری یا مرخصی زایمان و تبعیض در اخراج بر اساس وضعیت زناشویی و اعمال مجازات های قانونی بدین منظور؛

(ب) صدور اجازه مرخصی زایمان با حقوق یا مزایای اجتماعی مشابه بدون از دست دادن شغل قبلی، ارشدیت یا مزایای اجتماعی؛

(ج) تشویق به ارائه خدمات حمایتی اجتماعی لازم به نحوی که والدین را قادر نماید تعهدات خانوادگی را بامسئولیت های شغلی و مشارکت در زندگی اجتماعی هماهنگ سازند، به خصوص از طریق ایجاد و توسعه شبکه تسهیلاتی برای مراقبت از کودکان؛

د) بر قراری حمایت خاص از زنان هنگام بارداری در انواع مشاغلی که برای آنان زیان آور محسوب می گردد؛

۳- قوانین حمایت کننده ذکر شده در این ماده به طور متناوب همگام با پیشرفت اطلاعات و دانش های علمی و تکنولوژیکی باید مورد بررسی قرار گیرد و در صورت لزوم بازنگری، لغو یا تمدید شوند.

ماده ۱۲

۱- دول عضو برای رفع تبعیض از زنان در زمینه مراقبت بهداشتی آنان کلیه اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد تا دسترسی به خدمات بهداشتی از جمله خدماتی که به تنظیم خانواده مربوط می شود بر اساس رعایت مساوات بین مردان و زنان تضمین شود.

۲- دول عضو صرف نظر از مفاد بند ۱ این ماده ارائه خدمات مناسب در ارتباط با بارداری، بستری برای زایمان و دوران پس از زایمان را تضمین خواهند کرد و در موارد لازم خدمات رایگان و نیز تغذیه کافی در دوران بارداری و دوران شیردهی در اختیار آنان قرار خواهند داد.

ماده ۱۳

دول عضو کلیه اقدامات مقتضی را به منظور رفع تبعیض از زنان در سایر زمینه های حیات اقتصادی و اجتماعی به عمل خواهند آورد تا حقوق یکسان به ویژه در زمینه های زیر بر اساس برابری مردان و زنان تضمین شود:

الف) حق استفاده از مزایای خانوادگی؛

ب) حق استفاده از وام های بانکی، رهن و سایر اشکال اعتبارات مالی؛

ج) حق شرکت در فعالیت های تفریحی، ورزشی و کلیه زمینه های حیات فرهنگی.

ماده ۱۴

۱- دول عضو مشکلات خاص زنان روستایی را مد نظر قرار داده و به نقش مهمی که این زنان در جهت حیات اقتصادی خانواده های خود از جمله کار در بخش های غیر مالی اقتصاد به عهده دارند، توجه خاص مبذول خواهند داشت و کلیه اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد تا مفاد این میثاق نسبت به زنان در مناطق روستایی اجرا گردد.

۲- دول عضو کلیه اقدامات مقتضی را جهت رفع تبعیض از زنان در مناطق روستایی به عمل خواهند آورد تا این زنان بر اساس تساوی مردان و زنان در برنامه های عمرانی و روستایی شرکت نموده و از آن بهره مند گردند و به خصوص از حقوق زیر برخوردار شوند:

الف) شرکت در تدوین و اجرای برنامه های عمرانی در کلیه سطوح؛

ب) دسترسی به تسهیلات بهداشتی کافی از جمله اطلاعات، مشاوره خدمات تنظیم خانواده؛

ج) استفاده مستقیم از برنامه های تأمین اجتماعی؛

د) استفاده از انواع دوره ها و برنامه های آموزشی رسمی و غیر رسمی از جمله سواد آموزی عملی و نیز بهره مندی از خدمات محلی و فوق العاده به منظور بالا بردن کارایی فنی آنان؛

ه) تشکیل گروه ها و تعاونی های خودیاری به منظور به دست آوردن امکان دستیابی مساوی به فرصت های اقتصادی از طریق اشتغال یا خود اشتغالی؛

و) شرکت در کلیه فعالیت های محلی؛

ز) دسترسی به وام ها و اعتبارات کشاورزی، تسهیلات بازاریابی، تکنولوژی مناسب و استفاده یکسان از زمین و بر خورداری از رفتاری مساوی در چارچوب اصلاحات ارضی و روستایی و نیز در برنامه های جایگزینی زمین؛

ح) بهره مندی از شرایط زندگی مناسب، به ویژه مسکن، بهداشت، آب و برق، ارتباطات و حمل و نقل.

بخش چهارم

ماده ۱۵

۱- دول عضو به زنان حقوق مساوی با مردان در برابر قانون اعطا می کند.

۲- دول عضو در امور مدنی به زنان اختیارات و امکانات قانونی دقیقاً یکسان با مردان و نیز شرایط مساوی برای بهره برداری از این اختیارات و امکانات اعطا خواهند کرد. دول عضو برای انعقاد قرار داد و اداره املاک برای زنان حقوقی برابر با مردان قائل شده و با ایشان در کلیه مراحل دادرسی در دادگاه ها و مراجع قضایی به صورت یکسان رفتار خواهند کرد.

ماده ۱۶

۱- دول عضو به منظور رفع تبعیض از زنان در کلیه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی کلیه اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد و به ویژه بر اساس تساوی مردان و زنان موارد ذیل را تضمین خواهند کرد:

الف) حق یکسان برای ورود به ازدواج؛

ب) حق یکسان در انتخاب آزادانه همسر و صورت گرفتن ازدواج تنها با رضایت کامل و آزادانه دو طرف ازدواج؛

ج) حقوق و مسئولیت های یکسان در طی دوران زناشویی و به هنگام جدایی؛

د) حقوق و مسئولیت های یکسان به عنوان والدین، صرف نظر از وضع روابط زناشویی، در مسائلی که به فرزندان آنان مربوط می شود؛ در کلیه موارد منافع کودکان از اولویت برخوردار خواهد بود؛

ه) حقوق یکسان در مورد تصمیم گیری آزادانه و مسئولانه نسبت به تعداد فرزندان و فاصله زمانی بارداری و دسترسی به اطلاعات، آموزش و ابزار لازم که قدرت بهره مندی از این حقوق را به ایشان می دهد؛

و) حقوق و مسئولیت های یکسان در مورد قیمومیت، حضانت، سرپرستی و به فرزند گرفتن کودکان و یا موارد مشابه با این مفاهیم در حقوق ملی، در کلیه موارد منافع کودکان از اولویت برخوردار خواهد بود؛

ز) حقوق فردی یکسان به عنوان شوهر و زن منجمله حق انتخاب نام خانوادگی، شغل و حرفه؛

ح) حقوق یکسان برای زوجین نسبت به مالکیت، حق اکتساب، مدیریت، سرپرستی، بهره مندی و انتقال ملک اعم از اینکه رایگان باشد و یا هزینه ای در بر داشته باشد.

۲- نامزدی و ازدواج کودک هیچ اثر قانونی ندارد و کلیه اقدامات ضروری منجمله وضع قانون برای تعیین حداقل سن ازدواج و اجباری کردن ثبت ازدواج در دفاتر رسمی می بایست به عمل آید.

بخش پنجم

ماده ۱۷

به منظور بررسی پیشرفت حاصله در اجرای مفاد این میثاق کمیته محو تبعیض علیه زنان (که من بعد از آن به عنوان کمیته یاد خواهد شد) شامل هجده نفر در زمان لازم الاجرا شدن و پس از تصویب یا پیوستن سی و پنجمین کشور عضو، بیست و سه نفر از خبرگان دارای شهرت اخلاقی و الا و صلاحیت در زمینه های مربوط به میثاق تشکیل می شود این خبرگان توسط دول عضو از میان اتباع کشور هایشان انتخاب می شوند و در صلاحیت شخصی خود خدمت می کنند. در انتخاب این اشخاص به توزیع عادلانه جغرافیایی و به حضور اشکال مختلف تمدن و نظام های عمده حقوقی توجه می شود.

۲- اعضای کمیته با رأی مخفی و از فهرست افرادی که توسط دول عضو نامزد شده اند انتخاب می شوند؛ هر دولت عضو می تواند یک نفر از اتباع خود را نامزد نماید.

۳- نخستین انتخابات شش ماه پس از لازم الاجرا شدن این میثاق برگزار خواهد شد. حداقل سه ماه قبل از تاریخ هر انتخابات دبیر کل ملل متحد طی نامه ای از دول عضو می خواهد تا ظرف دو ماه نامزدهای خود را معرفی کنند. دبیر کل فهرست اسامی نامزدها را به ترتیب حروف الفبا و با ذکر کشور نامزد کننده هر یک تهیه و برای دول عضو ارسال خواهد داشت.

۴- انتخاب اعضای کمیته در جلسه دول عضو که توسط دبیر کل در مقر ملل متحد برگزار خواهد شد، انجام می شود. در این جلسه، که حد نصاب تشکیل آن حضور دو سوم دول عضو می باشد، اشخاص انتخاب شده برای عضویت در کمیته آن دسته از نامزدهایی خواهند بود که بیشترین تعداد آراء و همزمان اکثریت مطلق آراء نمایندگان دول عضو حاضر و رأی دهنده در جلسه را به دست آورند.

۵- اعضای کمیته برای یک دوره چهار ساله انتخاب می شوند لکن دوره عضویت ۹ نفر از اعضای منتخب در اولین انتخابات در پایان دو سال به اتمام می رسد. بلا فاصله پس از اولین انتخابات اسامی این ۹ عضو به قید قرعه توسط رئیس کمیته انتخاب خواهد شد.

۶- انتخاب ۵ عضو دیگر کمیته مطابق با بند های ۲، ۳ و ۴ این ماده و به دنبال سی و پنجمین تصویب یا الحاق صورت خواهد گرفت. دوره عضویت دو نفر از اعضای فوق در پایان دو سال خاتمه خواهد یافت و اسامی این دو نفر به قید قرعه توسط رئیس کمیته انتخاب خواهد شد.

۷- به منظور اشغال پست های خالی احتمالی، دولتی که فعالیت خیره اش به عنوان عضو کمیته متوقف شده است، خیره دیگری را از بین اتباع خود برای عضویت در کمیته مشروط به تأیید کمیته انتخاب خواهد کرد.

۸- اعضای کمیته با تأیید مجمع عمومی و بر طبق ضوابط و شرایطی که آن مجمع مقرر می دارد و با در نظر گرفتن اهمیت مسئولیت های کمیته از سازمان ملل متحد مقرری دریافت خواهند کرد.

۹- دبیر کل ملل متحد تسهیلات و کارمندان لازم را به منظور تحقق و انجام مؤثر وظایف کمیته در چارچوب این میثاق تأمین خواهد نمود.

ماده ۱۸

۱- دول عضو متعهد می شوند گزارشی برای بررسی کمیته در مورد اقدامات تقنینی، قضایی و اجرایی و سایر اقدامات متخذه در راستای اجرای مفاد این میثاق و پیشرفت های حاصله در این رابطه به دبیر کل ملل متحد ارائه کنند:

(الف) یکسال پس از لازم الاجرا شدن میثاق برای آن دولت؛

(ب) پس از آن حداقل هر چهار سال یک بار و علاوه بر آن هر زمانی که کمیته در خواست کند.

۲- این گزارشات می تواند مبین عوامل و مشکلاتی که بر میزان اجرای تعهدات تحت این میثاق اثر می گذارد باشد.

ماده ۱۹

۱- کمیته آیین نامه اجرایی خود را تصویب خواهد نمود.

۲- کمیته مسئولان خود را برای یک دوره دو ساله انتخاب خواهد کرد.

ماده ۲۰

۱- کمیته به منظور بررسی گزارشاتی که مطابق با ماده ۱۸ این میثاق ارائه شده هر ساله به مدتی که از دو هفته تجاوز نکند تشکیل جلسه می دهد.

۲- جلسات کمیته معمولاً در مقر سازمان ملل متحد یا در هر محل مناسب دیگری که به تصمیم کمیته تعیین می شود بر گزار خواهد شد.

ماده ۲۱

۱- کمیته همه ساله از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی گزارشی در مورد فعالیت های خود به مجمع عمومی تسلیم می نماید و می تواند بر اساس گزارشات و اطلاعات واصله از دول عضو پیشنهادات و توصیه های کلی ارائه دهد. این پیشنهادات و توصیه های کلی همراه با نظرات احتمالی دول عضو در گزارش کمیته درج می گردد.

۲- دبیر کل ملل متحد گزارشات کمیته را جهت اطلاع به کمیسیون مقام زن ارسال می نماید.

ماده ۲۲

مؤسسات تخصصی مجاز خواهند بود که از طریق نمایندگان شان اجرای موادی از میثاق حاضر را که در حوزه فعالیت های آنها جای می گیرند مورد بررسی قرار دهند. کمیته ممکن است از مؤسسات تخصصی دعوت کند تا گزارشهایی در باره نحوه اجرای میثاق در زمینه هایی که به حوزه فعالیت آنها مربوط می شود ارائه نمایند.

بخش ششم

ماده ۲۳

هیچ چیز در این میثاق بر مقرراتی که برای دستیابی زنان و مردان به برابری مفید تر و مؤثر تر وجود دارد تأثیر نخواهد گذاشت؛ این مقررات می تواند شامل موارد زیر باشد :

الف) قوانین یک دولت عضو؛ یا

ب) هر میثاق یا موافقت نامه بین المللی دیگری که برای آن دولت لازم الاجرا است.

ماده ۲۴

دول عضو متعهد می گردند کلیه اقدامات لازم در سطح ملی را که هدف از آن تحقق کامل حقوق به رسمیت شناخته شده در این میثاق می باشد، به عمل آورند.

ماده ۲۵

۱- این میثاق برای امضای کلیه دول مفتوح می باشد.

۲- دبیر کل ملل متحد به عنوان امین این میثاق تعیین می شود.

۳- تصویب این میثاق منوط به طی مراحل تصویب قانونی است. اسناد تصویب نزد دبیر کل ملل متحد به امانت گذارده خواهد شد.

۴- این میثاق جهت الحاق کلیه دول مفتوح می باشد. الحاق با سپردن سند الحاق به دبیر کل ملل متحد محقق می شود.

ماده ۲۶

۱- دول عضو می توانند در هر زمان طی نامه ای خطاب به دبیر کل ملل متحد درخواست تجدید نظر در این میثاق را نمایند.

۲- مجمع عمومی ملل متحد در مورد اقدامات احتمالی بعدی در مورد چنین درخواستی تصمیم خواهد گرفت.

ماده ۲۷

۱- این میثاق سی روز پس از تاریخ که بیستمین سند تصویب یا الحاق آن نزد دبیر کل ملل متحد به امانت گذارده شد، لازم الاجرا می گردد.

۲- پس از به ودیعه سپردن بیستمین سند تصویب یا الحاق، برای هر دولتی که این میثاق را تصویب می کند یا به آن ملحق می گردد، میثاق مذکور از سیمین روز تاریخی که سند تصویب یا الحاق آن دولت به امانت گذارده شده لازم الاجرا می گردد.

ماده ۲۸

۱- دبیر کل ملل متحد متن تحفظ کشور ها، در هنگام تصویب یا الحاق را دریافت نموده و آن را میان کلیه دول توزیع می نماید.

۲- تحفظاتی که با هدف و منظور این میثاق سازگار نباشد پذیرفته نخواهد شد.

۳- تحفظات از طریق تسلیم یادداشتی به دبیر کل ملل متحد در هر زمان قابل پس گرفتن است. نامبرده همه دولت ها را از این موضوع مطلع خواهد کرد. لغو تحفظ از روزی که یادداشت دریافت شود معتبر است.

ماده ۲۹

۱- هر گونه اختلاف در تفسیر یا اجرای این میثاق بین دو یا چند دولت عضو که از طریق مذاکره حل نگردد بنا به تقاضای یکی از طرفین به داوری ارجاع می گردد. چنانچه ظرف شش ماه از تاریخ درخواست داوری، طرفین در مورد نحوه و تشکیلات داوری به توافق نرسند، یکی از طرفین می تواند خواستار ارجاع موضوع به دیوان بین المللی دادگستری مطابق با اساسنامه دیوان گردد.

۲- هر دولت عضو می تواند به هنگام امضاء یا تصویب این میثاق یا الحاق به آن اعلام کند که خود را موظف به اجرای بند یک این ماده نمی داند. دول عضو دیگر در قبال دولتی که به بند یک این ماده اعلام تحفظ نموده است ملزم به اجرای بند یک نمی باشند.

۳- هر دولت عضوی که بر طبق بند ۲ این ماده اعلام تحفظ نموده باشد می تواند در هر زمان از تحفظ خود از طریق اعلام رسمی به دبیر کل ملل متحد صرف نظر نماید.

ماده ۳۰

این میثاق که متون عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیولی آن دارای اعتبار یکسان می باشند، نزد دبیر کل ملل متحد به امانت گذارده می شود.

ضمیمه شماره ۳

فرم نمونه برای تسلیم شکایت به کمیته رفع تبعیض علیه زنان

برای اینکه یک شکایت‌نامه از طرف کمیته مورد بررسی قرار گیرد:

- باید کتبی باشد؛
- بی نام و نشان نباشد؛
- باید به کشوری مربوط باشد که کنوانسیون رفع تبعیض و نیز پروتکل الحاقی آن را امضاء کرده باشد؛
- باید توسط یک شخص یا به نام یک شخص یا گروهی از اشخاص متعلق به قلمروی دولتی که متعاقد کنوانسیون و پروتکل اختیاری است، تسلیم شود. اگر چنانچه شکایت به نام یک شخص یا گروهی از اشخاص ارائه شود، رضایت آنان الزامی است، مگر آنکه شخص ارائه‌کننده شکایت بتواند اثبات کند که این اقدام، به نام آنان و بدون چنین رضایتی صورت می‌گیرد.

به طور کلی شکایت مورد بررسی کمیته قرار نمی‌گیرد اگر:

- تمامی راه‌های اقدام قانونی در داخل کشور مربوطه طی نشده باشد؛
- همان مسئله، توسط کمیته یا دیگر نهاد بین‌المللی در جریان بررسی باشد و یا قبلاً بررسی شده باشد؛
- مربوط به نقض حقوقی باشد که پیش از لازم‌الاجرا شدن پروتکل اختیاری برای کشور مورد نظر صورت گرفته است.

برای اینکه یک شکایت مورد بررسی قرار گیرد، قربانی یا قربانیان باید بپذیرند که هویت خود را به کشور مرتکب نقض حقوق، آشکار کنند. اگر چنانچه شکایت واجد شرایط بررسی باشد، به صورت محرمانه به اطلاع کشور متعاقد مربوطه خواهد رسید.

اگر می‌خواهید شکایتی را تسلیم کنید، لطفاً رهنمودهای زیرین را تا حد ممکن، به درستی رعایت کنید. به علاوه، کلیه اطلاعات لازمی را که پس از تسلیم شکایت، از شما خواسته می‌شود، در اختیار بگذارید.

سایر اطلاعات را درباره کنوانسیون و پروتکل اختیاری آن و نیز مقررات درونی کمیته، در آدرس زیر خواهید یافت:

www.un.org.womenwatch/daw/cedaw/index.html

کسانی که مایل اند شکایتی را تسلیم کمیته کنند، باید پرسشنامه زیر را به کاملترین شکل پُر نمایند.

۱- اطلاعات مربوط به عامل یا عاملان شکایت

نام خانوادگی:

نام:

تاریخ و محل تولد:

ملیت:

شماره پاسپورت یا کارت شناسایی (چنانچه در اختیار باشد):

جنسیت:

وضعیت خانوادگی/ فرزندان:

شغل:

تعلق قومی، مذهبی، گروه اجتماعی (اگر اطلاعات درستی هست):

آدرس فعلی:

آدرس مقصد مکاتبات محرمانه (اگر با آدرس فعلی متفاوت است):

شماره فاکس، تلفن، ایمیل:

اگر شکایتی تسلیم می‌کنید، مشخص سازید که از طرف کیست:

الف) قربانی یا قربانیان. اگر از طرف گروهی از اشخاص است، اطلاعات اولیه در مورد تک تک آنان را ارائه دهید.

ب) به وکالت از طرف قربانیان. داشتن رضایت‌نامه قربانیان، یا دلایلی که تسلیم شکایت را بدون رضایت آنان موجه می‌سازد.

۲- اطلاعات مربوط به قربانیان (اگر غیر از عاملان شکایت اند)

نام خانوادگی:

نام:

تاریخ و محل تولد:

ملیت:

شماره پاسپورت یا کارت شناسایی (چنانچه در اختیار باشد):

جنسیت:

وضعیت خانوادگی / فرزندان:

شغل:

تعلق قومی، مذهبی، گروه اجتماعی (اگر اطلاعات درستی هست):

آدرس فعلی:

آدرس مقصد مکاتبات محرمانه (اگر با آدرس فعلی متفاوت است):

شماره فاکس، تلفن، ایمیل:

۳- اطلاعات مربوط به کشور متعاقد مربوطه

نام کشور:

۴- نوع نقض حقوق

اطلاعات مشروحي برای استحکام تقاضایان فراهم کنید، به ویژه:

- توصیف و تشریح نقض حقوق و عوامل آن
- تاریخ
- محل

- موادی از کنوانسیون رفع تبعیض که رعایت نشده. اگر شکایت به چندین ماده از کنوانسیون ارجاع می‌دهد، هر مورد را جداگانه توضیح دهید.

۵- اقداماتی که برای طی تمامی راه‌های قانونی در داخل کشور انجام گرفته است

اقداماتی را که برای طی تمامی راه‌های قانونی داخل کشور انجام گرفته، توضیح دهید. برای مثال، اقدامات قضایی، اداری، قانونی مربوط به برنامه‌ها یا سیاست‌ها که برای جبران خسارت صورت گرفته است.

نوع اقدامات:

تاریخ:

محل:

چه کسی در دادگستری اقدام کرده:

مقام یا نهادی که بدان مراجعه شده:

نام دادگاهی که به پرونده رسیدگی کرده است (در صورت امکان):

اگر تمامی راه‌ها، طی نشده، به چه دلیل بوده است:

یادداشت: نسخه‌ای از تمامی مدارک مسلم را ضمیمه کنید.

۶- سایر راه‌های بین‌المللی

آیا همان مورد، در چارچوب اقدامات یا رسیدگی بین‌المللی بررسی شده یا در حال بررسی است؟ اگر آری، ذکر کنید:

نوع اقدامات:

تاریخ:

محل:

نتیجه احتمالی:

یادداشت: نسخه‌ای از تمامی مدارک لازم را ضمیمه کنید.

۷- تاریخ و امضاء

تاریخ و محل:

امضای نویسنده شکایت یا قربانیان، یا هر دو:

۸- فهرست مدارک ضمیمه (فقط فتوکپی ارسال شود و نه اصل مدارک)

می‌توان شکایت‌نامه را از طریق پست به آدرس زیر ارسال نمود:

Comité de la CEDAW
Division de la promotion de la femme
Département des affaires économiques et sociales
Secrétariat de l'Organisation des Nations Unies
2 United Nations Plaza, DC-2/12^e étage
New Yorkm NY 10017
Etqts-Unies
Fax : 1-212-963-3463

ضمیمه شماره ۴

فرمی که باید برای ارسال شکایت به گزارشگر ویژه در مورد خشونت علیه زنان تکمیل شود

محرمانه خشونت علیه زنان برگه اطلاعات

اطلاع دهنده: نام و آدرس شخص یا سازمان اطلاع دهنده، محرمانه می‌ماند. لطفاً بگویید که آیا امکان تماس با شما برای دریافت اطلاعات دقیق‌تر وجود دارد، اگر پاسخ مثبت است، از چه طریق؟

نام شخص یا سازمان:

آدرس:

شماره فاکس، تلفن، ایمیل:

قربانی (یا قربانیان): نام و نام خانوادگی، سن، آدرس، شغل و یا کاری که با نقض حقوق گزارش شده، ارتباط دارد، و همه اطلاعاتی که برای تشخیص هویت یک قربانی (همچون شماره پاسپورت یا کارت شناسایی) لازم است. لطفاً ذکر کنید آیا قربانی مایل است که موضوع به اطلاع دولت مربوطه برسد.

نام:

آدرس:

تاریخ و محل تولد:

ملیت:

جنسیت:

شغل:

تعلق قومی، مذهبی، اجتماعی (در صورت امکان):

واقعیه: تاریخ، محل و خسارت وارده یا احتمال وقوع خسارت. اگر شکایت شما نه به یک واقعه مشخص بلکه به یک قانون یا یک سیاست مربوط می‌شود، در این صورت خلاصه‌ای از اسناد مهم مربوطه و تأثیر به اجرا درآمدن آن قوانین و سیاست‌ها را بر حقوق اساسی زنان ارائه دهید. اطلاعات مربوط به عاملان حادثه را ارائه دهید: نام‌ها (اگر شناخته‌اند)، روابط احتمالی آنان با قربانیان یا دولت، و دلایلی که شما را بر آن داشته که آنان را مسبب حادثه بدانید. اگر اطلاعات گزارش شده، مربوط به نقض حقوقی است که توسط اشخاص یا گروه‌های شخصی صورت گرفته (و نه توسط عوامل دولتی)، اطلاعاتی را که نشان می‌دهد دولت برای جلوگیری از این نقض حقوق، انجام تحقیقات، مجازات عاملان و جبران خسارت قربانیان، اقدامات لازم را نکرده است، ذکر کنید. اقداماتی که توسط قربانیان یا خانواده‌های آنان برای دریافت خسارت شده است، از جمله شکایت به پلیس، کارکنان یا نهادهای مستقل بین‌المللی دفاع از حقوق بشر را اعلام کنید. اگر شکایتی تسلیم نشده، علت آن را توضیح دهید.

اقداماتی را که مقامات برای تحقیق درباره نقض حقوق (یا خطر بروز نقض حقوق) و جلوگیری از عدم تکرار این اعمال کرده اند، توضیح دهید. اگر شکایتی عنوان شده، اطلاعات مربوط به اقدامات انجام گرفته توسط مقامات، وضعیت پیشرفت تحقیقات در زمان ارسال شکایت‌نامه و در صورت لزوم، علت ناچیزی نتایج را شرح دهید.

تاریخ:

زمان:

محل/کشور:

شمار مهاجمان:

آیا قربانی، مهاجم (یا مهاجمان) را می‌شناسد؟

نام مهاجم (یا مهاجمان):

آیا قربانی مناسباتی با مهاجم (یا مهاجمان) دارد؟ اگر آری، چه نوع مناسبات؟

مشخصات مهاجم یا مهاجمان (هرگونه جزئیاتی را که به شناخته شدن آنان کمک کند بنویسید):

توضیح واقعیه:

آیا قربانی گمان دارد که به علت زن بودن، مورد تهاجم قرار گرفته است؟

اگر آری، چرا؟

آیا واقعه به مقامات صلاحیت‌دار دولتی گزارش شده است؟

اگر آری، کدام مقام و چه زمان؟

آیا مقامات اقداماتی پس از واقعه کرده اند؟

اگر آری، کدام مقامات؟

اقدامات صورت گرفته، چه بوده است؟

چه زمان؟

شاهدان: آیا شاهدانی وجود دارند؟

نام/ سن/ رابطه/ آدرس:

اطلاعاتی را که پس از تسلیم این فرم به دست شما می‌رسد، در اختیار گزارشگر ویژه بگذارید. همچنین به او اطلاع دهید که آیا نگرانی‌های شما در زمینه حقوق اساسی، به نحو شایسته‌ای مورد توجه قرار گرفته است یا خیر؟ نتیجه تحقیقات یا دادگاه چه بوده؟ و آیا اقدام پیش‌بینی شده یا تهدید به اقدام، متحقق شده است؟

برگه را به آدرس زیر ارسال کنید:

Rapporteuse spéciale sur la violence contre les femmes :
Haut-Commissariat aux droits de l'homme
Nations Unies, 1211 Genève 10, Suisse
Télec : 00 41 22 917 9006
Adresse électronique : urgent-action@ohchr.org

ضمیمه شماره ۵

آدرس های مفید

ORGANISATIONS DE FEMMES

Women's Initiatives for Gender Justice

Anna Paulownastraat 103, 2518BC La Haye

Tél. : 31 (0) 70 365 2042

Télééc. : 31 (0) 70 392 5270

Site Web : www.iccwomen.org

ORGANES DE L'ONU

Division de la promotion de la femme (DAW) –

inclut la Commission de la condition de la femme

2 United Nations Plaza, DC2-12e étage

New York, NY 10017

États-Unis d'Amérique

Télééc. : 1-212-963-3463

Courriel : daw@un.org

Site Web : www.un.org/womenwatch/daw

ORGANISATIONS ASSOCIÉES À L'ONU

CONGO aussi appelé NGOCONGO (Conférence des ONG ayant des relations consultatives avec les Nations Unies)

Bureau de Genève

Isolda Agazzi Ben Attia, chargée de programme :

isolda.agazzi@ngocongo.org

Rik Panganiban, coordonnateur des communications :

rik.panganiban@ngocongo.org

11, Avenue de la Paix, 1er étage, 1202 Genève, Suisse

Poste : CP 50, 1211 Genève 20, Suisse

Tél. : +41 22 301 1000 Télééc. : +41 22 301 2000

New York

Conférence des ONG/Conference of NGOs

777 United Nations Plaza, 6e étage

New York, NY 10017, USA

Tél. : +1 212 986 8557 Télééc. : +1 212 986 0821

Anita Thomas, coordonnatrice, CONGO New York
congo@ngocongo.org

Vienne

VIC, Room C0266A
P.O. Box 500 VIC, A 1400 Vienne, Autriche
Tél. : +43 1 260 60 4422 Téléc. : +43 1 260 60 5985
Courriel : congovie@ngocongo.org

Sous-comité d'ONG sur la condition de la femme/Genève

Conchita Poncini, Présidente
Fédération internationale des femmes diplômées d'université
E2, Salle des ONG, Palais des Nations
1211 Genève 10, Suisse
Tél. : +41-22 / 917.4735 Téléc. : +41-22 / 917.0181
Courriel : ngocsw@iprolink.ch

ضمیمه شماره ۶

تارنماهای مربوط به حقوق زنان

منابع:

Commission de la condition de la femme des Nations Unies
www.un.org/womenwatch/daw/csw

*Convention sur l'élimination de toutes les formes
de discrimination à l'égard des femmes*
www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/text/fconvention.htm

Droits humains des femmes
www.law-lib.utoronto.ca/diana/

Haut-Commissariat des Nations Unies pour les droits de l'homme
www.ohchr.org/french

Instruments internationaux des droits de l'homme
www.unhchr.ch/html/intlinst.htm

Nations Unies : informations générales sur les droits humains
www.un.org

Women'sNet@igc
www.igc.apc.org/womensnet/

Women's Resources on the Web
www.women-online.com/women

خودآموزهای آموزشی درباره حقوق زنان

AFKHAMI, Mahnaz., et VAZIRI, Haleh. *Claiming our rights : a manual for women's human rights education in Muslim societies.* Bethesda (MD) : Sisterhood is Global Institute, 1996, 154 p.

ASIAN CENTRE FOR WOMEN'S HUMAN RIGHTS. *Indochina Training Module on Monitoring, Investigating and Documenting Women's Human Rights Violations.* Phnom Penh, Cambodia, 18-22 janvier 1999, Quezon City (Philippines) : ASCENT, 1999, 107 p.

COMMONWEALTH SECRETARIAT ; INTERNATIONAL WOMEN'S RIGHTS

ACTION WATCH. *Assessing the Status of Women : A Guide to Reporting Under the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women,* 1996, 89 p.

KLOES, Jennifer. *To Promote and Protect Women's Human Rights : A Handbook of Mobilization Strategies for Women's Nongovernmental Organizations.* Arlington (Virginia) : VOICE International, 1999, 110 p.

MERTUS, Julie, FLOWERS, Nancy et DUTT Mallika. *Local Action, Global Change : Learning About the Human Rights of Women and Girls.* New York, Center for Women's Global Leadership ; UNIFEM, 1999, 254 p.

MERTUS, Julie, FLOWERS, Nancy et DUTT Mallika. *Our human rights : a manual for women's human rights : draft distributed for comments August 1995 at the Fourth UN World Conference for Women, Beijing, China, New York : Organizing Committee for the People's Decade for Human Rights Education,* 1995, 201 p.

RHRC Consortium (Reproductive Health Response in Conflict). *Gender-based Violence Tools Manual : For Assessment & Program Design, Monitoring & Evaluation in Conflict-Affected settings,* New York, 2004, 207 p.

UNIFEM et le Center for Women's Global Leadership, *Local Action, Global Change : Learning about the Human Rights of Women and*

Girls, 1999 (Julie Mertus, avec la collaboration de Nancy Flowers et Mallika Dutt, 254 p).

WOMEN LAW & DEVELOPMENT INTERNATIONAL. *Women's human rights step by step : a practical guide to using international human rights law and mechanisms to defend women's human rights*. Washington (DC), 1997, 197 p.



The Abdorrahman Boroumand Foundation

Documenting Women's Rights Violation By non State Actors

Activists Strategies from Muslim Communities

Jan Bauer and Anissa Hélie



3220 N St NW, Suite 357
Washington, DC 20007

Promoting human rights and democracy in Iran

در دفاع از حقوق بشر و دموکراسی در ایران